

منابع شناخت

شاعران دری پرداز

سده دوازده



معاون سرمحقق پروین سینا

کابل ۱۳۶۸

اکادمی علوم ج.ا.
مرکز زبان و ادبیات
انستیتوت زبان و ادب دری

منابع شناخت

شاعران دری پرداز سده ۱۲



معاون سر محقق پروین «سینا»

- شاعران دری پرداز سده ۱۲
- فراز آورده معاون سر محقق پروین سینا
- نشر کرده انستیتوت زبان و ادب دری

- مهتم پروین

- چاپ مطبعه دولتی

- شماره چاپ ۱۰۰۰

- سال ۱۳۲۸

فهرست مطالب

- تقریظ از خامه کاندیدا کادمیسین عبدالرحمان بهوال

- تقریظ از خامه پوهاند دکتور عبدالقیوم قویم

- یاد داشت

- اوضاع سیاسی سده دوازدهم هجری و تاثیر آن بر ادبیات

- اوضاع اقتصادی - اجتماعی سده دوازدهم هجری و تاثیر آن

بر ادبیات

- سخنبر دازان - سرچشمه ها

- نتیجه

- پانوشتها

- بلیوگراف

اکادمی علوم ج.ا.
مرکز زبان و ادبیات
انستیتوت زبان و ادب دری

منابع شناخت

شاعران دری پرداز سده ۱۲



معاون سر محقق پروین «سینا»

تقریفاً

از دیر زمان به اینسو موضوع سرچشمه نگاری در مبین عز یسر
مان افغانستان مورد توجه علاقه دانشمندان و پژوهشگران قرار ندا-
شت محققان در انجام کار علمی تحقیقی، یا از نمره زحمات
دانشمندان خارج می که در یمن خصوص متحمل شده بود، بهره
مند می شد ند و یا اینکه با قبول خستگی های زیاد برای در یافت
و فراز آوری مواد و مدارك مورد نیاز کار پژوهشی خویش کتابها
و ماخذ را وری می زدند و بدین ترتیب حل مشکل میکردند که این
امری بسبب ضیاع وقت گرانمایه محققان و سرگردانی های بی موجب
شان می شد.

خو شبختانه از سالانی چند بدینطرف سرچشمه نگاری در مو-
سسات علمی کشور عزیز ما از طرف دانشمندان يك ضرورت مبرم
برای انجام کارهای علمی، تحقیقی پنداشته شده و شمای از کار -
مندانه موسسات علمی برای رفع سرگردانی های بی موجب پژوهش
گران و یاری رساندن به آنها در کارهای علمی، تحقیقی شان، به این
کار کلیدی تحقیقی همت گماشته گامهای اوزنده نه برداشته اند
چنانکه دستاورد های زحمات کارمندان علمی پوهنتون کابل
وپشتو تو لنه، قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند نور، در خور

ستایش و بهترین رهنمود برای محققان به سوی شناخت منابع

موضوعات تحقیقی شان دانسته میشوند.

در آکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان که یکا نسه
موسسه جوان علمی، تحقیقی است، از بدو تا سپس آن، دانشمندان برای
کار تحقیقی سرچشمه نگاری ارج فایده شدند و پژوهشگران برای
انجام این امر سودمند دست اندرکار شدند چنانکه کارمندان علمی
انستیتوت زبان و ادب دری با درك ضرورت و تمهید این کاروفقدان
آثار یک به یک نتواند محققان این رشته را در زمینه کارهای علمی تحقیقی
شان یاری کند برای دفع این نیاز مندی گام مفید برداشتند که نمونه
زحمات شان میتواند محققان را برای شناخت منابع درجوره های
خاص ادبیات دری رهنمون شود.

از آنجمله است کار تحقیقی محقق پروین سبنا کارمند علمی
انستیتوت زبان و ادب دری که از طرف انستیتوت موصوف به حیث
پروژه علمی، تحقیقی به وی سپرده شده و موصوف آنرا تحت نام
(منابع شناخت شاعران دری پردازنده دوازدهم هجری افغانستان
به وهنمای استاد محترم آکادمیسین جاوید تکمیل و برای
استفاده نیازمندان آماده ساخته است.

دستاورد زحمات شبها روزی محقق سبنا را که نخست به منظور
کمک با پژوهشگران و دیگری برای ترویج علمی شان، تهیه دیده
از نظر شیوه سرچشمه نگاری مطالعه کردم. آنچه در گام نخستین
برای يك اثر تحقیقی لازم است باید در نظر گرفته شود مانند تبویت
منطقی، مقدمه، متن نتیجه گیری، درین اثر به وضاحت دیده میشود.
(منابع شناخت شاعران دری پردازنده دوازدهم هجری افغانستان))
که در آن درجود (۱۴۳) مآخذ و مذكرات منجبت مراجع آشنا می
تواند شاعر دری مورد استفاده واقع گردیده است تا حال کمتر مسرور
شناختن سبنا و بهره گیری قسر او داشته و به شیوه کتابشناختی

معمول در جهان تهیه و تر تیب نیافته است. اما در این اثر تمام این منابع با سیستم الفبای و شیوه کتاب شناسی معمول مورد رعایت قرار گرفته است.

محترم پروین سینا با تحلیل اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن زمان و تاثير آن بر اوضاع ادبی آنوقت، ارزش اثر را بیشتر ساخته است، چنانکه تذکر رفت از نظر شیوه سرچشمه نگاری محترم پروین سینا از شیوه یسی سود برده که آکار برد آن بیشتر معمول در موسسات علمی - تحقیقی جهان امروز میباشد. وی در ابتدا نامهای تمام شاعران آن سده را با در نظر داشت تقدم و تاخر از نظر نام اصلی و نام ادبی يك شاعر به شیوه الفبایی تر تیب کرده و بعد از آن منابع و مدارك شناخت هر شاعر را با هم فی عنوان نویسنده ناشر و محل نشر، و سال نشر و حتی صفحاتی که در آنها در باره شاعر سخنانی موجود است معرفی داشته که این خود دلالت بر دقت و تحمل رنج زیاد محترم سینا در کار تحقیقی میکند.

در حالیکه این کار محقق پروین سینا را در زمینه پژوهش يك گام مفید و پر ارزش و مبسوط ارزیابی میکنم از نظر روش کار آنرا يك اثر تحقیقی می پندارم و هم بنابر آنچه تذکر رفت اثر مذکور را برای ترفیع به رتبه معاون سر محقق کافی میدانم و هو فقیهت بیشتری را برای محترم سینا در انجام کارهای علمی، تحقیقی آرزو مند.

با احترام

کامندید اکادمیسین عبد الرحمن بهوال

تقریظ

ادبیات فارسی دری با غنایندیکه دارد در طول روزگار آن تو جبهه
پژوهشگران را به خود جلب نموده و راجع به ابعاد گوناگون و ویژگی-
های آن کارهای نمر بخشی انجام یافته است. یکی از دوره های ادبیات
فارسی دری که از لحاظ تعدد شااعران و نویسندگان و فراوانی
آثار، شایسته غور و تعمق و کاوش هر چه بیشتر میباشد، همان قرن
دوازدهم هجری است تا جایکه برای من معلوم است، برای شناسا-
ندن منابع شااعران این قرن تاکنون کسی به صورت منظم و گسترده که
در یک اثر مستقل پژوهشی و علمی گرد آمده باشد، به تحقیق دست
نیازیده است. خوشبختانه گام سودمند یکیه اینک از سوی انستیتوت
دری مرکز زبان و ادبیات اکادمی علوم ج.ا، در این زمینه برداشته شده
شایان قدر دانایم است.

کار تحقیقی محترم پروین سینا، کارمند علمی و محقق پرکار این
انستیتوت مایه امیدواری بزرگ است. محقق محترم رساله یی-
تحت عنوان (منابع شناخت شااعران دری پر داز سده دوازدهم
هجری افغانستان) را جهت ترغیب علمی به رتبه معاون سر محقق
به اتمام رسانیده است که گواه صادق تلاش او در امر تو ضیح
و معرفی منابع شناخت شااعران این دوره میباشد.

این اثر شامل مقدمه تحقیقی، متن و نتیجه است. بنابر آن از مزایای یک اثر علمی و تحقیقی برخوردار می باشد. توجه محقق محترم به تحلیل اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تاثیر آن بر وضع ادبی سده مورد تحقیق، بدون شک نه تنها نگر ژرف نگری وی در اوضاع پیروند ادبیات با آن اوضاع است.

چیزی که قابل یادآور نیست اینست که برای نگارش تاریخ ادبیات یک دوره معین تاریخ پختگی بدون آنکه هم از انبوه آثار ایجاد شده در آن دوره و تشخیص ماهیت آنها کاری را نمیتوان به پیش برد.

محترم پروین سینا در این تحقیق نام ۲۹۹ شاعر قرن دوازدهم هجری را به طور الفبایی به استناد مدارک و مراجع مهم قابل اعتماد که با اتکای آنها میتوان در باره سخنوران به پژوهش پرداخت ضبط کرده است. این تحقیق برای آنانی که در آینده به نگارش تاریخ ادبیات قرن دوازدهم هجری مبادرت میورزند بهترین تکیه گاه میباشد و نقش یاری دهنده آن در هستی بخشیدن یکی از دوره های تاریخ ادبیات دری، از اعتبار نیرومند علمی برخوردار خواهد بود.

با اتکا به آنچه که گفته شده موضوع این اثر مبرمیت دارد و رساله از لحاظ می شود و لوی پژوهش و حفظ تمامیت هدف، یک اثر تحقیقی و علمی کامل به حساب می رود.

بنابر آن به یقین میتوان اظهار کرد که این اثر برای ارتقا به رتبه علمی معاون سر محقق کاملاً مناسب و کافی است.

به امید موفقیت های هر چه بیشتر محترم پروین سینا در راه انجام دادن کار های بزرگتر علمی و فرهنگی.

پو ها ند دکتور عبدالقیوم قویم

آمر دیبا و تمت زبان واد بیات

دوی پو هنخی زبان واد بیات

یادداشت

تاریخ ادبیات افغانستان بعد از سده ششم میلادی (دهم هجری) طور لازم و بشا یسته مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته است و تا هنوز تصویری مشخص و روشنی از سیر آن در عصر ادبیات چهار

خارج و چه در داخل کشور به دست داده نشده است.

تاریخ ادبیات که ذخیره پر بهای معنوی يك ملت و يك سرزمین است، باید به صورت واقعی آن در طول سده ها شناخته شود و در پر تو پژوهش های متداوم از میراث بازمانده خالته پویایی و جاودانگی به خود بگیرد. در این فهرست که توسط نگارنده این سطور تهیه و ترتیب شده، هدف اساسی آشنايي با نام متابعین و مآخذ هر بوط به قرن دوازدهم هجری سرزمین ما است، که تاکنون به پژوهش نیا نموده و محققان مسأله ادبی ما تا حال در جستجو و تهیه فهرستی برای این سده های متاخ دیگر که تاریخ ادبیات ماکتور روشن است نیز داخته اند.

به گزارش آوردن و پیدای های فرهنگی سده های اخیر از نگاه نزدیکی و قوت هر چند به نظر آسان مینماید ولی از لحاظ ثنست

و پراکنده گی ماخذ تا حدی دشوار است. این دوره یعنی سده ۱۲ از قیام میرویس هوتکی ۱۷۹ تا اخیر زمان تیمور شاه درانی واقع بر میگیرد چون اقتصاد و سیاست دو پدیده پیوسته است اثر بخش بر ادبیات، که ادبیات یک کشور بدون تأثیر پذیری از این دو پدیده نمی تواند راهی به سوی تکامل و پختگی بگشاید لذا این دوره را هم بدون در نظر داشت پدیده ها و حوادث سیاسی واجتماعی و تا تیر متقابل آن ها نمیتوان مورد تحقیق قرار داد.

بعد از سقوط دولت تیموریان هرات افغانستان صحنه جنگ ها و کشمکش های داخلی بود و از طرفی حملات و مداخلات ممالک همجوار و بعد از مدت زمانی، زود خورد های سرداران غزانی برای قوام نظام و کسب قدرت و گسترش قلمرو، از خداد های داغو پدیده جام سرزمین مابود در اثر این جنگ های پیاپی اقتصاد ذرا عتی بر هم خورد. شهر های بزرگ مورد هجوم و تاراج قرار گرفت. فشار جنگ ها و فقر باعث آن شد که مردم زیر سر سایه تصوف که یگانه تکیه گاه معنوی بود، روی آورند. بیشتر شعرای این دوره اهل سلوک و درویش منش بودند و بعضی نظیر به آشتکی او ضاع عمومی کشور برای کسب دانش تن به غریبت داده به هند، ایران و آسیای میانه روی آوردند. به همین مناسبت درین فهرست از آن تعدادی از شعرای هم نام برده شده که به نحوی از آنجا به افغانستان و ادبیات این سرزمین وابستگی دارند.

در این گرو داد هو لئا که مردم به مبارزه دشواری مشغول بود ند. به پرورش علوم و ادبیات و فرهنگ نیز زمینه و مجالی نبود. برای آگاهی بیشتر او ضاع این دوره از کتله (برگزیده شعر معاصر افغانستان) با و گرافی را نقل می کنیم که در آن آمده است: ((افغانستان (از سال های ۱۱۶ ه.ق. به بعد جز در ایامی معدود صحنه پیکار های خویش و آشوب ها و نابسا ما نی مابود. زمانه از منشا

لفت فرزندان تیمور شاه در آتش و خون میسوخت و زمانی همت مردم آن در مبارزه با دولت استعماری انگلیس مصروف می بود. واگر گاهی در عهد پادشاهی آخرا منشی روی می نمود و توجهی به شعر و ادب به عمل می آمد، و مردم نفسی تازه میگردیدند سیل جواد ث چنان بر سر آنها میتاخت که گویی آن اندک آرامش هم هرگز نبوده است.)) (۱) از آنچه که گفته آمده می توان دانست که درین محدوده زمانی وضع علم و ادب چگونگی بوده و اهل دانش و فضل در چه حالی قرار داشته اند. ولی با وجود آن دیده میشود که در بار شاه حسین هوتک در قندهار پرورد شگاه ادبا و علما بود. در بار احمد شاه نیز از نظر فکری دوره بی بود روشنی زیرا خود احمد شاه بابا مرد شاعر و خوش قریحه بود، که علاوه از دیوان شعر پشتو اشعاری به زبان دری دارد. اصولاً در عهد حکو مت ابدالی و خاصه زمان تیمور شاه زبان دری زبان رسمی در بار و دفتر و دیوان بود. و اکثر پادشاهان و رجال دولتی به زبان دری شعر میگفتند. به شعر دری علاقمند بودند و بسا تشو و قشعرا یا سمداری شایسته می از ادبیات و شعردری می کردند و بسا که مانند تیمور شاه و شاه شجاع صاحب دیوان هم بوده اند.

در آغاز روزهای حکمداری تیمور شاه تلاشهای زیاد برای از بین بردن قیامها و بی نظمی ها و افسر راه برداشتن سرکشان وافرشته گردخان صورت گرفتونیز کوشش زیاد در آغاز زمان داری او در جهت سرکوبی کامل مخالفین و مدعیان تخت و تاج به عمل آمد. در اثر کوشش و تلاش پیگیر تیمور شاه، درانی، آخرا منشی سیاسی و اجتماعی نسبی در سر است کشور پر قرار شد. با پیدایش این آرامش سر زمین ما توده های مردم توانستند فرصتی مناسبی به دست آورند. تا

برای بهبودی زندگى به ترك در آيند و به مشاغل موردنياز و حرفه هاى مورد علاقه شان دست پياز ند.

تيمور شاه كه خود در الترمچا لست و همصحبتي هاى با بعضى از بستگويان و منشيان و تاريخ نگاران و صوبه فيان فيض ها يا فته از آنان درس دانش وادب گرفتو به پختگى رسيد (۲).

علاوه از مصروفيت هاى سياستى دست به كار هاى ادبى مى زدو با ذوق و علاقه سرشارى كه به شعر وادب درى داشت. نشست هاى علمى وادبى با فضلا و شعرا مى نمود. كه با اين آگاهى از شعرو ادب و دلچسپى به موضوعات فرهنگى توانست بازار شعر وادب را روز به روز رونق بخشد و مجال سبى براى شعرا فراهم آورد. تا آثار گرانبهايى به جهان علم و ادب عرضه كند.

البته مصاحبت هاو مشاعرت هاى شايهان سلو زائى به خصوص تيمور با دانشوران و سخن پردازان بهترين زمينه هاى بود براى رشدو تكامل ادبيات سده دوازدهم هجرى و پا به گذارى مجدد ادبيات به خاموشى گراييده آن زمان بدينتر تيب سخنوران و سخن پردازان و نويسنده گان و فضلاى عزلت گزين و گوشه نشين آهسته آهسته به عرصه ادب ظاهر شدند و با به هاى زبان وادب خود را روز به روز استوارتر ساختند. تا آن حده كه انجمنى از فضلا و شعرا تشكيل

يافت كه در آن سخن پردازان شعر مى خواندند. و غزلباى يكديگر را استقبال ميكردند استقبال از پيشگويان شعر درى به ويژه از بيدل و سبك هندی در اين دوره رواج بيشتر كسب نمود چنان كه اگر به نسخه دستنويس شاعران اولادى قرن دوازدهم كشود يعنى على نقى و صفى كابلى نظر بيندازيم ميبينيم كه در سراسر غزلباشيبيروى و استقبال شعراى متقدم ديده ميشود.

تاريخ ادبيات افغانستان بيش از هزار و دو صد سال عمر دارودكه در ميان دوران تقسيم و فرازهاى پياشت سر گذاشته است.

اما با تدوین تاکنون کاری که در خور تحقیق برای تاریخ ادبیات معاصر افغانستان باشد کار منظمی که جوابگوی نیاز ادب پژوهان واقع گردد صورت نگرفته است.

برای تدوین تاریخ ادبیات سه سده اخیر اکادمي علوم ج.ا، این مرجع علمی و تحقیقی متوجه این خلأ کمبود شد. که این اقدام مرکز علمی و تحقیقی زبانها و ادبیات گامیست نخستین و پر میمنت به سوی شناخت بهتر و بیشتر ادبیات معاصر این مرز و بوم فخر سست حاضر منابع و سرچشمه های ادبیات افغانستان را در سده ۱۲ هجری قمری (۱۱۰۱-۱۲۰۰) که برآبر به (۱۶۸۹-۱۷۸۵ م) است نشان میدهد.

تهیه يك فهرست مڪمل و جامع كاری است دشكل زیرا دستيابی به همه مواد و مداركی که در داخل و خارج کشور موجود است و همچنان مواد و مطالبی که در لایه های کتابها اخبار، خرابید و مجلات و اسناد خطی و جود دارند تلاش و کوشش متداوم و دوامدار را ایجاب میکند. با آنهم فهرست موجود تلاش ناچیزی است دراین راه هر چند نا مڪمل و نارسا است باز هم به جای خود مفید و سودمند خواهد بود.

فهرست حاضر دو بخش دارد. بخش اول دربردارنده نام (۲۹۹) شاعر قرن دوازدهم با سرچشمه هایی که در باره آیین شاعران آگاهیه های به دست میدهد که به ترتیب تخلص، لقب، یا نام خانوادگی شاعر ترتیب الفبایی شده است، بخش دوم شامل مدارك و مآخذی است که مربوط به این قرن میشود.

در این فهرست شعرايي در نظر گرفته شده است که به نحو بی از انجا به افغانستان مربوط میشوند گرچه بد انسان که یاد کردیم به عده ای از شعرايي بر می خوریم، که سراسر عمر شان به غر بست سپری شده است اما ایجاد یسات شان مربوط به افغانستان و متعلق

به این مرز و بوم است. يك عده از شعرا بی که در فهرست جاداده شده اند شاید سر اسر عمر شان در دو قرن گذشته باشد. یعنی قرن یازدهم و دوازدهم و یا قرن دوازدهم و سیزدهم اما کوشش شده است که در فهرست از آن سرا یشکرا نی یاد آوری گردد که ساهای آفر یشگری عمر شان به قرن دوازدهم پیوند بسیارتری بخورد.

پس از اینکه فهرست به شکل اولیه خود که طبعا احتیاج به غنای بیشتر داشت در شمارهای ۱۷-۱۸ سال چهارم مجله خراسان به چاپ رسیده محترم دو کتور و ا حدی مراجعی را در ارتباط به این موضوع به دسترس من قرار داد ندهم چنان محترم علی احمد قانع که از سفر تحقیقی در هند باز گشتند، بخش های چاپ شده مربوط به سده ۱۲ از تذکره های صحف ابراهیم و باغ معانی و مجمع الفایس را که ره آورد سفر شان بود به اختیار نگارنده گذاشتند، که در اکمال و غنای رساله بعد از چاپ تاحدی یساری رسانیدو با یداز توجه ایشان اظهار سپاس نمود .

باین وصف کار این فهرست باید ادامه داشته باشد، زیرا هستند شاعران و نویسندگان که تا مشان درین فهرست گنجانیده نشده است. که هر گاه دست یا بی حاصل آید، در تکمیل اثر مفید خواهد بود. از ینرو از دانشمندان و خاه زنان کشور که در این راه پیشقدم و پیشگام هستند آرزو دارم رهنما و دستگیر ما در این راه بشوند تا به کمک و یاری شان این اثر کاملتر گردیده این خدمت نا چیز فرهنگی به وجه بهتری به انجام آورده شود.

همچنان از کمک و رهنمایی های استاد محترم بخواهند دو کتور جاوید که به حیث استاد رهنمای پروژه مرا در ترتیب و تنظیم این فهرست کمک و یاری نموده اند اظهار سپاس و امتنان می نمایم.

اوضاع سیاسی سده دوازدهم و تاثیر آن بر ادبیات

ادبیات هر جا معه و کشورى با تاثير پذيرى از عوامل گوناگون
اقتصادى و سياسى رشد و پيمايد تحليل و بررسى او ضماغ
سياسى اين عهد از بلاى تاريخى نوشته شده و موجود ، كاريست
ميرم و ضرورى زيرا تا حال بطور مفصل و ممتع كار نميگيرم و سيستم
تيك در پاره اين سده ضرورت پذيرفته است ، گرچه سده
دوازدهم از نگاه نزد يكي و قتل با يد داراي تاريخچه واضح و روشن
ميبود اما از لحاظ تشمت و پراكنده گي ما خذ و بعضى دشوار يها و انتقال
سلطنت از يك برادر به ديگر برادر مخصوصا از خاندان سمنو زايى به
خاندان محمد زايى و عزل و نصب سلاطين هر دو قبيله از روى
اقتضا آت و قتل اكثر منشيان و وقايع نگارگان به طور آشكارا
نتوانستند ، آثار فراهم آورده خود را كه بيانگر چهره آثار بخي آندوره
ها باشند ، در دوره هاى انتقالى به ميدان بكشا نديو يا به جا ها يى
پسپار ند و آنچه درخا نواده هاى بزرگ و درزند نو پسند گاز و احفاد
مقررب در بار سلاطين محفوظ و مخصوص بود ، در اوقات ناملايم

منقود و مندرس گردید و بسیاری تر به دست چپا و لکران و بیگانگان افتاد، و قسمتی هم از فرط بی مبالائی حیف و میل گردید و هم از روی نبودن و سایل طبع و نشر در پسرده افتخا گذاشته شد. با تمام اینگونه کپی بود یها کوشش به عمل آمده است تا حدیستری سی و امکانات از روی کتب تاریخی واد بی چهره و اقصی این دوره بر ملا شود، اما خواننده گان این نوشته چهره تمام نمائی تاریخ این سده را بدانند زیرا بیگمانه مل سیاسی پراویات یک جا معب تاثیر ها میگذارد. برای آگاهایی بیشتر هیبر دایزیم به بحث درباره او ضاع سیاسی این سده سیده دوازدهم هجری، قمری در وطن ما از نهضت هو تکی ها از (۱۱۱۰- مطابق ۱۶۹۸) تافوت تیمور شاه به سال (۱۲۰۷ هـ. ق یا ۱۷۹۳) میلادی ادامه می یا بد، سراسر این سده با جنگ و جنجال و سراسیمه گی او ضاع و شرایط نا به سامان همراه است خصوصاً تهدید و جنگ افغانستان، نستان باشیانی های ماوراءالنهر و صفوی های ایران و مغول های هند، با تاریخ، فرهنگ و ادب این سر زمین ارتباط نا گسستی دارد و تاریخ سیاسی افغانستان را بدون آگاهی از شرایط همسا یکی نمیتوان مورد به مشاوره یا بی قرار داد.

سده هژدهم میلادی (سده ۱۲- هـ. ق) که برای ارو با و امریکا دوره بیداری همراه با نهضت های اجتماعی و دوره شکوفایی صنایع و تر قی علوم به شمار میرفت، بر عکس آن شر قی در حالت فلاکت و فقرت و نابه سامانی او ضاع و شر ایستاد اخلی قرار داشت. هر چند در نیمه اول قرن هژدهم جر قه ها یکی از این نهضت و جنبش در آسیا و به ویژه در افغانستان و ایران نمادی خاصی داشته است، اما متاسفانه این نهضت ها خیلی کم دوام بوده به زودی جای خود را به استعمار غرب گذاشت. در نیمه دوم همین سده ممالک شر قی در اثر استعمار غرب رو به ضعف گذاشتند و حکومت های ملی خود را از دست دادند و یکی بعد دیگری جزو مستعمره های ارو با یی شناخته شدند در باره

می بین مافغانستان نیز این سخن-صادق می باشد چنانکه گفته اند ((اخیر قرن ۱۷ تا آغاز قرن ۱۸ از تار یکتارین دوره های تاریخ ایران مملکت به شمار میرود)) (۳) و یکی از دوره ها می است که در آن مملکت دچار بی هوکزی و تجزیه تام و هر قسمت محکوم یکی از ممالک همسایه گردید.

مدخلات صفوی های ایران به اساس سیاست ((القای نفاق)) از طرف غرب به سرزمین افغانستان رخنه و خللی وارد مینموزد ، صفوی های ایران از بزرگترین قدرت های قبایلی آنوقت یعنی غلجا می هسابانیدانی ها که قدرت های فیودالی آنوقت بوده اند ، سوء استفاده می نمودند ، این قبایل برای بدست آوردن جاه و مقام وزیراست های محلی بر ضد همدیگر مقابله میکردند و صفوی ها آتش نفاق را دربین ایشان مشتعل تر می ساختند حکام صفوی برای گرم نگه داشتن این آتش داخلی یکی را ایتیا زات میدادو به گردن دیگری می انداخت. هر که را مخالف اغراض دولت ایران میدانست سرکوب میکرد ، شاه-حسین صفوی پادشاه ایران در سال ۱۶۹۴ گرگین خان شورش واپس گر جستاری را به حکومت قندهار اعزام نمود ، وی به مجرد رسیدن به قندهار با شدت و عصبانیت حکومت کرد ، و درضدد انقراض قبیله ایدالی برآمد ، البته بسر خلاف حکام گذشته که بیشتر به خان های ایدالی بر خلاف خان های غلجا می تکیه میکردند ، گرگین به قبیله غلجا می اتکا کردو ایدالی ها را از پا در آورد . و سرزمین های متعلق به ایدالی ها را به غلجا می هاسپرد ، و ایدالی ها به ناچار در دشت های شورابك و فراه به مالداري مشغول شدند . ه قسما در ولایت هرات تا حدود اسفزار پر گنده گردیدند . گرگین در عرض باغاجا می هاروش بهتر نمود و خانه ها ایشان را به خود نرد یکتار ساخت و به قوت و رقابت آنان با ایدالی ها اعتماد نمود .

اما در سال ۱۷۰۹ م میرویسس هو تنگی از سر کرد گان قبیله غلجا پی متوجه این نفیسه شد، وی که پرونده سر زمین قندهار بود و در زمان وی قندهار از نگاه مالداري زراعت و صنعت، تجارت و پیشه وری و فقر هنگ مساحب رونق بود. البته زندگی مناطقی جنوب نسبت به کو هستان های شرقی در حوال بهبودی و برتری قرار داشت، شهر قندهار از نگاه مرکزیت نقطه وصل راه تجارت بین هند و ایران بود. میرویسس برای نجات مردم و سرزمینش در پی چاره پی فتیدو با اگر گین از راه مصالحت و دوستی پیش آمد، و با صحبت و مشورت و خدمت دار راه جمع آوری مالیات از قبایل و نظم امور اداره، توجه گر گین را به خود جلب نمود. لیاقت اوسبب شد که گر گین او را بسه حیث رئیس بلد به انتظام شهر بگمارد، میرویسس در داخل این وظیفه اعتماد مردم را جلب نمود و با همه خا نها و سران قبایل ارتباط صمیمی پیدا نمود، مردم هم که از ظلم گر گین به جان رسیده بودند، فعلا لیت های میرویسس و وظیفه جدید او مورد تأیید مردم واقع شد. میرویسس با جدیت و تلاش و آگاهی اذهان عامه، مردم را بر علیه گر گین تحریک می نمود. و آنها به یاری سران قبایل از دادن مالیات برای گر گین ابا و ورزیدند، این فرصت های مساعدا بر ای میرویسس مجال آنرا میسر گردانید که دست گر گین و همقطارانش را از افغانستان کو، تاه سازد. و میرویسس توانست در سر اسر عمرش مفکوره طرد دشمن خارجی و حصول استقلال ملی را تا آخر حفظ بدارد. با همه خونریزیها و کشتارهایی که گر گین نمود با آخره بالین همه رقابت ها و جنگ های شده بد، مردمی از قبیله غلجا پی به رهبری مردم وارد صحنه سیاست گردید، که با همه حس آزادیخواهی در سال (۱۱۲۰ - ۱۷۰۸) مردم را متحش ساخت (۴).

میرویسس هوتکی متولد در سال ۱۶۷۳، با آگاهی و اطلاع دقیقی که

از وضع مردم داشت خواست مردم را از ظلم دولتو مالیات کمر شکن که به جان رسیده بود نجات دهد، برای جامعه عمل پوشیدن این هدفش باید مردم را متحد میساخت. (۵۱) این خانها که قسما سازش کاری با حکام صفوی داشتند و قسما مشغول رقابت و خورد و خوراک با یکدیگر بودند میرویس با روش و منطق خود در بار صفوی و حتی شاه را نسبت به خویش خو شبین و اعتمادالدوله صدر اعظم ایران را نسبت به طرز اداره گرفتن بدبین ساخت و در همه او قسما و در همه جاها ذهن سر مردم را روشن و آگاه نمود و مردم را ذهن آماده یک قیام عمومی ساخت و بدین ترتیب از کتا بهای تاریخی نوشته شده این عهد کتاب آسیای میانه است، که توسط عبدالکریم بخارایی نوشته شده (۵). این نسخه در سال ۱۲۴۶ به فرجام آمده البته حاوی نکته ها و مطالب جا لبی است، نسخه یاد شده روشنگر روحیه و تاریخ آلوده، به شمار می آید، این کتاب توسط مسیو-شیفیر به زبان فرانسوی ترجمه شده است.

اولین اقدام و قیام میرویس بر ضد صفویه در این کتاب چنین آمده است که برای استناد مطلب عین موضوع را نقل می نمایم! ((زمان خان ابدالی درانی صدوزایی افغان از آنها به هرات آمد حاکم هرات اسدالله خان سدوزی بود حاجی میرویس... اظهار نمود که دولت قزلباشیه در تنزلسنت رونق ندارد مایان از روی بی حمیتی اطاعت قزلباش را میکنیم جمله متفق شده عمالان او با شبیه را معقول سازیم و خود مایان صاحب ملک شویم جماعه ابدالی قبول نمودند که اول در قندهار یا غنی شو بعد مایان یا غنی میشویم، حاجی میرویس به قندهار آمد جماعه غلجایی را طلبید سبستی دولت قزلباش و عهد افغان ابدالی را تقریر نمود و یا غنی شدن را اظهار نمود همگی قبول کردند در آنوقت از جانب سلطان حسین صفویه شاه نواز خان کرچی والی بود القصه شاه نواز خان را به بهانه که

عسکر غلجایی را کوردك بیندا ز شهر بیرون بردند عسکر دو طرف راه صف زده ایستادند شاه نواز خان از میانها میگذاشت بیکبار هجوم آوردند به قتل رسانیدند. آنچه از قزلباشیه یافتند مقتول سالخنده قندهار را ضبط نمودند سکه و خطبه به نام حاجی میرویس زدنند، در این تاریخ بار اول سکه که به نام میرویس زده شده است در دیگر تاریخها به چشم نمیخورد:

سکه زد هم خطبه بردار لقرار قندهار

قاتل سالار کرچی میرویس نامدار (۷)

مردم فراموش، سیستان و قندهار اعم از تاجیک و هزاره و پشتون و بلوچ و اوارا به صفت رهبر خود شناساختند، در هرگاه مهمانلی و تارخی که گروپهای مختلف بدون هیچگونه تعصب از ملیتهای باهم برادر گرد هم جمع شده بودند و بعد از سقوط گرگین توانستند دولت سراسری افغانستان را طرح ریزی کنند. یگانهدول میرویس طرد دشمن خارجی، حصول استقلال ملی و متحد و متفق گذاشتن مردم بود، وی به استحکام دولت قندهار کوشید عسکر و اردوی قندهار در مقابل ایرانیها مقاومت میداد نشان میدادند، زیرا با ازدست رفتن قندهار استقلال و مبارزات چندین ساله را ازدست میدادند عسکر ایران در مقابل مردم تارو مار و یک عده فراری شدند بالاخره به تاریخ ۱۷۱۲ استقلال قندهار به کلی تحکیم گردید، اما عمر میرویس بعد از ۴۱ سالگی برایش و فانکرد. و در سال ۱۷۱۵ چشم از جهان پوشید، هرگاه قومسی قندهار بعد از مرگ میرویس برادرش در شیرعبدا لعل یزدان به ریاست قندهار انتخاب نمودند، اما در اثر بی کفایتی او خا نهان بزرگان قوم به شمول پشور ش اشرف در مقابل او قند علم نمودند. و حکومت به دست شاه محمود پسر میرویس افتاد، حکومت شاه محمود نیز باز در خوردنها با شاه حسین صفوی گداشت تا بالاخره برادر شاه محمود میر حسین در قندهار که

او ضاع و احوال آنها را آرا متر احساس کرد به تقو به ادب پشتو تشو یق شعرا ونو یسنده گان کو شید. اما شاه محمود در چنبد ماهی در ایران شکل اداره دولت را ترتیب واسباب افید مردم شده بود. این حال دوام نکرد عصبیت شاه محمود همراه با مرضی و قیام طهما سب پسر شاه حسین به کمک دولت عثمانی و پادشاهی روسیه پسر کبیر و قیام مردم قز وین و بیمری عصبی شاه داشتند بخشید. شاه اشرف که جدا از شاه محمود در مبارزه بود به صورت بسیار دلورانه عسکر شاه حسین را مقلوب و اورا کشت. شاه اشرف با وجود فتوح یوز گی، تدبیر و ار دست نداد و بدون اسلحه تمام غنایم جنگی را در عقب اردوی شکست خورده ترك فرستاد، با ترك ها از در مصالحه پیش آمد و با این روش او توانست خود را از خطر حمله از جانب غرب آسوده خاطر سازد. شاه اشرف در مقابله بانادر افشار شکست خورد حتی حکو مت غلجا یی قند هار در سال ۱۷۲۹ در مقابل حمله نا در مقاو مت کرده نتوانست نا در قوای غلجا یی را به طرف غرب را ندود. عوض ابدالی ها را بخوا ست که بدینصورت بین این دو خانواده بنای خصوصت را گذاشت و وی شهر قند هار را که مرکز صنعت پیشه وری و غیر هنگ بود تخریب و از بین برد.

مردم قند هار استیلای صفوی ها را از بین بردند، عبد الله خان زمینه و شرایط متحد شدن قوم ابدالی و غلجا یی را مهیا نمود، همچنین عبد الله خان به تشکیل دولت مستقل در هرات پرداخت، و مناطق غور، مرغاب، بادغیس، او بسه را از دولت ایرانی تصفیه و بسط حکومت مرکزی هرات ملحق ساخت جنگ دلارام و کشته شدن آسند الله خان استقرار حکو مت ابدالی هرات را بر هم زد عبد الله خان پیر از مرگ پسر جوان و کاری خود دل شکسته گردید و مستعفی ساختن شد. و زمان خان ابدالی پدر احمد شاه ابدالی به ریاست حکو مت منتخب گردید. زمان خان بعد از گرفتن اقتدار با احساس و قاست

فیودا لی مردی چون عبدا لله خان را محبوبس نمود و در زندا نشین مسوم کرد و از این بعد خصوصت های شخصی در حکومت نواحیات ابدالی هرات بیشتر سدت گرفت و ریاست حکومت از دستی به دستی در گردش افتاد و حدود مت ابدالی هرات نسبت به دولت غلجا پسوند قند هار ابتدا می تر بود، زیرا آنها کمتر شهری بودند و زمان خان بعد از شکست فوای صفوی بعد از سه سال ریاست به دیار عسک پیوست و چرا که دوا لقا رحان پسر زمان خان را به حکومت هرات گماشت. (از ۱۷۱۵ تا ۱۷۵۱) امضا تعصبات قبیلوی و جنگهای داخلی دو باره برای صفوی ها مجال داد که از ظرف شاه طهماسب صفوی نادر افشار به طرف هرات حمله ور شود، البته دو دسته گوی ابدالی ها و کار شکنی مخالفین سبب سقوط هرات شد. نادر که از عسکر ترک بی وفایی دید اتکا به مردم ابدالی و غلجا می نمود. تا به یاری ابدالی ها و غلجایی ها به هند و ماوراءالنهر فاتح شود، همین اعتماد نا در به افغانها باعث خصوصت ترک ها و ایرانی ها گردید. نا در بعد از فتح هرات رضا قلی مرزا پسرش را به حکومت هرات گذاشت، در حالیکه توده های دهقان هرات از تاراج و حواله لشکرهای متخاصم از پادشاه در آمده بودند. در کابل نیز سپاه نا در شاه افشار به سر کرده گوی طهماسب خان جلایرو کیل سلطنت نادر افشار و حسن خان بیات حاکم آنوقت کابل و توکل خان و سایر اشخاص اجنبی بسیار سعی کردند تا وجوه بسیار را به نام مالیات چندین ساله و لایات مملکت افغانستان و انواع شدت و جبر و ظلم جمع آورند، نا در شاه محمد تقی خان شیرازی را که حاکم شیراز بود در سال ۱۱۴۳ انتخاب نمود اما در اثر مخالفت شدیدی محمد تقی خان پادشاه افشار، نادر افشار او را به طور جزایی به جمع آوری مالیات و بیشکشی و ادا و ساختن بود تا به جبر و ظلم از مردم مالیه بگیرد و در طرف چندین سال طهماسب خان جلایر و حسن خان بیات به جبر از مردم افغانستان پول و مالیات

می گرفتند، و نا در شاه تقی خان شیرازی را گفت که مبلغ زیاد جمع کند تا به وقت ضرورت ضرر نشود تقی خان مذکور از خوف جان بیه کماک نواب ناصر خان حاکم سابق کابل موظف جمع آوری مالیات و محصولات پشاور بود، تقی خان شیرازی و نواب ناصر خان مبلغ ۲۶۶۰۰۰ روپیه که معادل پنجصد و هشتاد و هزار تومان می شد جمع کرد و در سال ۱۱۲۵ نادر شاه به تقی خان شیرازی اموال داد تا به کلات نادری پیسه را برساند و در همین سال ماه جوزا تقی خان و ناصر خان خزانة وارد قند هار شدند که خبر کشته شدن نادر افشار همه جا را فرا گرفت و بود آنها می خواستند که خزانة را از همه و به خصوص صراز درانی هاینهان کنند، اما احمدشاه از مو ضوع آگاه می داشت، به ضبط خزانة پرداخت. در کتاب سراج التواریخ این ذخیره را ((گنج باز آورد)) گفته اند اما و کیلی فرغزایی این نظر را رد نموده در صفحه ۵۳ کتابش به نام تاریخ احمد شاه ادعا نموده است، که این گنج از پول مردم و مالیات مردم بوده است. احمد شاه در همان تاریخ جلوس همه آن پول ها را به عسا کرو کارکنان دولت مصرف نمود. نا در که از قشر پایین جامعه و گرم و سرد کشیده روزگار بود. (۸) بعد از اسیر شدن ما در ش به دست از بکها و فوت او، به فکر انتقام جوئی و ماجرا جوئی بر آمدواز خود شجاعا دست و دلاوری نشان دادوی بعد از استحکام خود در خزا سان و استر آباد خود را در بین قوت فیودالی غلجایی ابدالی یافت در اثر جنگهای مکرر حکومت ابدالی را به بیطرفی وا داشت بعد در سال ۱۷۲۹ در اثر محاربات سنگین دولت غلجایی را منقرض ساخت، بعد ایران را توحید کرد، نادر که حنفی مذهب بود میخواست ایران و افغانستان را در یک مذهب واحد با شدمو بعد از جنگها در هند دختر شاه هند را به پسرش گرفت و غنائم زیاد از هند مثل الماس کوه نور، تخت طاووس و هژدان روپیه طلا و نقره به دست آورد بعد به طرف بخارا و خیوه رفت. و آنجا را به دست آورد، و به

حکمرانی آنجا مقرر گردید، بعد به طرف مشهد رفت و مشغول تنظیم داخلی آنجا شد و مطلع نبود که در زیر این آرا مشغول می مردم از صوم و فشمسار پیرو دال ها به ستوه آمده اند، و فشمسار مدعی بر علیه او فعالیت می کردند، بالاخره نادر کشته شد، بعد از مادر در سال (۱۷۲۷) علی قلی برادر . فراده او که حاکم سیستان بود در مشهد به عنوان عادی شاه اعلام پادشاهی کرد بعد مردم عینی قلی و ابراهیم برادرش را در اثر ظلم کشتند و شاه هرگز نواسه نادر پادشاه شد بعد او سید محمد متولی مشهد شاه هرگز را کورو خود را پادشاه اعلام کرد، بعد فیودال های منطقه شاه هرگز را که پینا بی چشم اندیش را از دست داده بود به حبس سمبول انتخاب کردند و خود نفیض می کردند تا بالاخره احمد شاه ابدالی به خراسان (۹) رفت حکومت ولایتی را رسماً به شاه هرگز (۱۰) و عملاً به نور محمد خان غلجایی نایب حکومت خراسان داد و بدین صورت ولایت مذکور بار دیگر ملحق به افغانستان گردید. از کتاب مشهوری که از سفرها، جنگها و فتوحات نادر افشار حکایت می کند کتاب ((شهنامه نادر)) است که در سده ۱۷۲۲ هـ از طرف شاه عز گنجام (یکی از نوایسکان قاسمی شاه عصر شهنشاه نادر صفوی) در خراسان و به امر حسین خان لنگی به نام احمد شاه ابدالی نظم گشته و یک نسخه خطی آن نزد استاد محترم مرحوم حبیبی موجود بود که محترم عبدالحی حبیبی در صفحه ۷۶۰ کتاب نود (تازه نوای مبارک) در شرح لشکر نادر ایات پادشاه را از آن کتاب چنین آورده است .

چو از کار کامل برداخت شاه فرستاد سوی هری دستگام
 بی گوشمال یکی فتنه جوئی زعباسیان ، شد چنین چاره جوئی
 که چون سیل با آن سپاه گران سوی سند تا بدز کابل عنان
 با هنگ عبا سی بد نشان که می بود نامش خدایار خان
 زمیندار مطلب به بزم سخنان چنین سازد از گفتگو انجمان

که می بد نزادش ز عبا سیاه
 به ایران زمین داشتی دستگاه
 سوی هند رو کرد از ایران زمین
 شد اقطاع ایران نه داری هند
 سوی سند چون مهرشد گرمسیر
 که در فارس بد صا حب دستگاه
 کزرا خلاص بودش بسی اختصاص
 که تا مسقطش بود دستی دراز
 پذیرفته آن ملک رو تق پساو
 چنین داد فرمان خد یو جهان
 دگر لنگرو کشتی کو ته تاب
 تما می همان خان صا حب هنر
 برون آرد آن جملگسی را ز آب

به در گاه رو آرد از راه دور
 بایلغار آورد پسا در رکاب
 فتوری به عزم اندر آورد هیچ
 عنان تاب شد جانب دیره جرات
 پس از سر کشتی گشت فرمان پذیر
 نهاد ند پایمی به اخلاص پیش
 جها نجوی فرمود حکمی روان
 بدر بار دولت ، درین داوی
 شود سند ویران کمران تا کران
 نه پد پای همت به اخلاص پیش
 که آن سان عنان را نیا بیم صرف
 که دروی نداد نصیحت الکر

که سردار همدان خدایار خان
 به وقتی که دارای یزدان پناه
 درین سال کان وایت افزاز کین
 خصو صا زدوز یکه اقصای سند
 جها نجو به منز لگه گر مسیر
 بدان خان مشهور شو کت پناه
 تقی خان نظر کرده لطف خا ص
 بهر داری فار س بد سر فر از
 امور بنا در منسق پساو
 کز اخلاص خان ارادت نشان
 بسمت بنا در فقیل و غر اب
 بود آنچه حاضر در آن بحرو پر
 زدر یا گد شته در آن انقلاب
 نما ید به زودی زدر یا عبور
 وزان پس به آهنگ سندان شتاب
 از آن راه پر جنگل پیچ پیچ
 با یلغار افشر ده پسا ی نبات
 بهر دیره خانی که بد جا یگیر
 پس از آرمایش به بازوی خو یش
 وز آنجا به نزد خدا یار خان
 اگر خود شتابد ز فرمان پسر
 از آن به کزین لشکر می کمران
 همین حکم را کرده تعوید خو یش
 که تقصیر او نیست چندان شگرف
 بدان درگاه آمد دگر ره خبر

که از شه به شفقت نداد قیاس
 که گجرات ازین پس کند جا بگیر
 کند بندر سورت آرا مکشاه
 به نوعی که شد خیره چشم فلک
 که شاهین نه پرد باقصای دشت
 رهی بد همه جنگل و چوب بست
 که بکشد دشت دارای ایران ز آب
 در آن فتنه سردار عباسیان
 نبودش چو در جنگ تاب و قرار
 به دشت تهی مانده ز آب و کنام
 باذوقه و افرا نباشت
 چوبد دور سی فرسخ از رهگذار
 بران در نخواهند پیمود راه
 بخود داری از کین بر آورده دست
 که اورا بود در عمر کوت جا
 تدارک بگیرند از بهر راه
 زگرد آسمان را چو شب تار کرد
 به نزدیک آن قلعه بردند بسی
 از آن قلعه می بود ممکن فرار
 ز کوشش همه دست و پایش ببست
 چو خاتم عمر کوت را در میان
 قضا شد دلیل طریق فرار
 گرفته ره سمت گجرات پیش
 گرفتند راهش به شمشیر کین

چنان زور آورده بروی هراس
 ز آهنگ شاه دارد آن دارو گیر
 تهی سازد آن ملک از بیم شاه
 جها نجو به سان و فتیل و کلک
 ز دریای سند آنچنان بر گذشت
 ز دریا گذشته در آن گیرو بست
 چو عباس آگه شد از انقلا ب
 زجایی که بد پای تختش در آن
 تهی کرد جا از طریق فرار
 یکی قلعه بودش «عمر کوت» نام
 برو جش به کیوان بر افراشته
 ز آبادی آن قلعه استوار
 گمان کرد کا فواج ایران سپاه
 بدان قلعه آرام کردو نشست
 جها نجو چو آگه شد از مدعا
 بفرمود روزی که یکسر سپاه
 و زنان پس بدان دشت ایلتار کرد
 بیکروز و یکشب که ره کرد طی
 خدا یار خان رادر آن گیرودار
 مولی طالع خسرو چیره دست
 گرفته در آن لشکر بیکسر ان
 خدا یار خان رادر آن گیرودار
 برون آمد از قلعه با فوج خویش
 هما ندیم سواران بهرام کین

نبودش بی جنگ، نیروی دست بخود دست خود کردن خویش بست
گروهی سوار از همان گردها درساندند او را به درگاه شاه
به حبشش جها نجو اشارت نمود: وزان پس زبان را چنین برگشود
که گنج و زرو گوهرش هر چه هست به ضبطش امینان برآوند دست
زسیم و زرش بیشتر یک کرور به ضبط اندو آمد در آن شرو شور
دگر هر چه بودش سلیح و دواب در آمد بر منزل اکتساب
خدا یار خان هم در آن رهگذر بفرمان شد بود حبس نظر
در همین هنگام رفتارو کردار احمد شاه مورد تا یبده مردم و دربار
نادرشاه (۱۰) واقع شد و احمدشاه حکومت ابدالی افغانستان را
تاسیس نموده در واقع افکار و اعمال این شخص در حیات سیاسی ملت
افغانستان تا لیر مهمی نموده اسلتهای جریانی تاریخ را مسلکت را از
جهتی به جهتی کشیده است (۱۱) احمدشاه از رجال عمده تاریخ افغانستان
است دانستن ترجمه حال و کارنامه هایش در این سده قابل یاد آوردی
است، احمد شاه در سال ۱۱۴۰ هجری قمری مطابق ۱۷۲۳ میلادی متولد شد، وی بسا
سال ۱۱۴۰ هجری قمری مطابق ۱۷۲۳ میلادی متولد شد، وی بسا
مادرش به شهر فراه منتقل گردید، زیرا محمد خان ابدالی و قبیله پدرش
در هرات حکمرانی می کرد و وی تا نفوذ نادر شاه در هرات و فراه به
مدخلات سیاسی مدخله نمی کرد تا بالاخره با برادرش ذوالفقار خان
به دربار شاه غلجا پیوند هار (شاه حسین) پناهمنده شده و در آنجا
محبوس سیاسی گردید. ذوالفقار خان توسط نادر شاه مسموم شد و
احمد شاه که بیست سال داشت به دربار نادر شاه رسید، وی را به
حیث افسر نظامی پذیرفت و بعد از نشان دادن کفایت و اخلاق

قوما ندان قطعات ابدالی واز بکی شدو تا مرگ نادر شاه درار دوی او
با قیما ند در صفحه ۴۵ تاریخ احمدشاه ایباتی در باره مراسم جلوس
وی آمده است:

جمله گفتند این زمان در روزگار نیست خالی هیچ شهر از شهر یار
چون بود کاکلیم مارا شاه نیست بیش ازین بی شاه بودن راه نیست
یکلگر رابه که تا یاری کنیم باد شا هی را طلب گاری کنیم
زانکه چون کشور بود بی پادشاه نظم و تر تیبی نما ننددر سپاه
پس همه در جایگاهی آمد نند سیر اسیر جو یای شاهی آمدند
دوران زما مداری احمد شاه از آن جهت مهم است که وی بعد از سقوط دولت تیموری
قرنه و تجزیه سیاسی افغانستان یعنی بعد از سقوط دولت تیموری
افغانستان و تجزیه مملکت به دست امرای ریخا وا، فارس و هند در قرن
دهم هجری موسس دولت حسا بی و هجدهد سیاسی سابق افغانستان
است. بعد از فوت نادر، احمد شاه بیست و پنج سال داشت و در این
مدت او صفحات مختلف حیات را دیده و با ذلت تبعیض
و اسارت و هم با عزت و فرماندهی بسر برد او با طبقات مختلف اجتماعی
محتشور گردید و عروج و سقوط و لذت افغانی و نادر وادر هرات و
قند هار و خراسان و ایران به چشم سر دید. تمام این حوادث در هو ش
و قضاوت او تا ثیر نمود، همه این عوامل باعث پخته گی و آگاهی
ذهنش گردید، از تحصیل در ینغ نمودو در زبان دری و پشتو صاحب
سواد گردید. و در این دو زبان شعر گوئی نموده است، مرد سوار کارو
عسکر دلیر بودوی آگاهی تمام شرایط او ضاع دا خلی و خار چی
کشور ش داشت در چنین اوضاع و احوال افغانستان برای تشکیل

دولت مستقل مسا عد بود، در همه جافیو دالها قدرت داشتند. در سرحد ایران بعد از مرگ نادر در هرج و مرج ملوک الطوا یفی غرق شده بود و قاذر به تجاوز ممالک همسا به نبود، در بخارا و ماوراالنهر نیز دولت جدیدی روبه انحطاط نهاده و فیودالها در همه جا حاکم یا پتخت بخارا مستقل شده بودند. در ماوراالنهر و خوارزم در مدت چهل سال زود خورد هاسر پادشاهی بود، ده پادشاه در این مدت انتخاب شدند در هند همچنان در وقت اورنگزیب حکومت به رهبری (سیواجی) تا سیس شده بود که قدرت زیاد داشت و از اینرو دولت بامری هند قدرت حمله به طرف افغانستان گذاشت زیرا از طرف شمال سکها هم مخالفت می کردند در ضمن سوداگران و استعمارگران غربی که نفاق و تقسیم قوم هند را می خواستند تا بتوانند ثروت هند را به دست آورند، در پهلوی این کشمکش ها قدرت افغانها در دریاد هندو در ولایات هند نیز وجود داشت، این اوضاع احمد شاه را از طرف هند مطمئن نمود، گرفتار آنها و کشمکش های چهار اطراف کابل سبب شده که برای احمد شاه زمینه مسا عد گردد تا در اندک مدتی به آسایش از چینون تا عمان و از خراسان و سیستان تا رود بار سند افغانستان را وحدت سیاسی بخشد. در طی ۲۵ سال سلطنت احمد شاه، مرکزیت دولت و امنیت عمومی، طوری قایم شد که فیودال و ملاک در رفتار خود نسبت به دهقان مسوولیت خود را در برابر دولت احساس کند، طبقه متوسط شهری و کارجران نیز ساحت آزادتر فعالیت به دست آوردند، این اوضاع در داخل سیستم فیودالی متمرکز اسباب استحکام دولت و افراهم نمودار جانب دیگر احمد شاه فیودالها را به

امور نظامی و ملکی و جرگه های قومی و قبیله ای داد تا موفق گردید.

احمد شاه در سال ۱۱۲۹ ش برای بدست آوردن هرات و ایران لویه جرگه قومی تشکیل داد که شاعر این عصر روح مطلب و خواست

احمد شاه را در نظم چنین آورد :

روانه بشوم سوی ایران دیار
ز نیم کوس اقبال بر شش جهات
تقصیر فدر و غیر را کنی رواست
مشرف به فیض زیارت شوم
شود تادل دشمنان لغت لغت

که گردند بد خواه او منفعل
نشانم فرو فتنه روز گسار
بفرقش نهیم تاج و بخشیم تگین (۱۳)
احمد شاه به عساکر تو جرگه زیاد داشت و حقوق رعایا را تلف

نمی کرد.

بفرموده خان قاجار اقتصاد

ز خود وزره زیب و زیور کنند

ز گرد سپه آسمان شد سیاه

چو برق و زرشان زبا لای کوه

شد آراسته کوه ها از کمر

کرم از تو کشور ستانی زما

بفرمان خان قاجار دین و دول

بهر کس را فواج نصرت شعار

خزاین شد از درو گوهر تهی

که شد نام حاتم فلک را زیاده

به پادشاه آن درد هوش سر نهد

ص ۱۶۶

سپاهی چو جمع آمد از هر دیار
که نام آوران سان لشکر دهند
کشیدند صف سرور آن سپاه
سنا نه با بدوش و یلان پر شکوه
قبای آهنان با کمرهای زر
ز تو همتی چنان نفسا نی زما
نمودند لشکر نو یسان عمل
حواله نمودند از ربی شمار
ز انعام و اکرام و جود شهری
با احسان در گنج ز انسان گشاد
کسی را که شد چیغه بر سر نهد

به جز چند نفر فیودال که مقامت کردند و در آغاز فکر می کردند که احمد شاه نظریه ضعف قبیله و تنهایی در شکست است اما قوت و قدرت احمد شاه از روی تدبیر چنین بوده است یعنی فیودالهای قبایل را از خود قبیله شان دورنگه می داشت تا در تمام قبیله و فکر دسیسه نباشند.

احمد شاه بنا به تقوا و اخلاق نیکو می که در برابر مردمش اختیار نموده بود او را پدر و غازی خطاب می کردند وی به قشر روحانی ساخت احترام داشت. (۱۴) مردمدار بود و از عیش و تجمّل بیش کسار نمی گرفت، در امور داخلی دولت فامیله را داخل نمی داد تنها وایعهد خود تیمور شاه را زیر تربیت جهان خان پسر پلزی می در حواشی عربی و شرفی مملکت در مشق و تمرین امور سیاسی و نظامی می گذاشت. احمد شاه بعد از اینکه وضع داخلی را مرتب ساخت متوجه هند گشت و چندین بار بدان سبزه زمین لشکر کشید و به پیروزیهای گوناگون نایل آمد که تفصیل آن در کتب تاریخ ضبط است. (۱۵). از مجالس علم و علما لذت می برد و به فرزندان خود توجیه صیه کرده بود در هر شب جمعه علمای متبحر و ادب مجلس حضور احضار نمایند و پسا ایشان مباحثه و مذاکره علمی می نمود، وی نظم و دسپلین را در ادارات آورد، تو ضیح و شرح سیستم اداره را در بخش او ضیاع اجتهاد می و اقتصادی مورد بر رسی قرار می دهیم.

احمد شاه در تشکیل مجدد افغانستان، هر هون خط مشی موسس و پیش قدم خود میرویس خان هوتکی است، احمد شاه آن طرح را تمام را تکمیل نمود وی در لیاقت سیاسی و نظا می مانند نادر شاه خراسانی از امتحان در يك مرحله معین تار یخی کامیابانه عبور نمود.

احمد شاه تحکیم بنیان و وحدت سیاسی را اساس قرار داد، وی بدون تبعیض تشکیلات اداری خود را تنظیم نموده بود. زیرا تا قرن هجدهم هنوز استعمار مغرب زمین در کشور های مشرقین عمیق رخنه نکرده بود و برای ایجاد نفاق و اختراع اقلیت و تجزیه و تقسیم ملل و ممالک شرقی کاری نشده بود. (۱۶)

حولات احمد شاه در داخل شرایط خاص تاریخی توانست که برای تشکیل مجدد افغانستان خدمت مهم سیاسی نماید و ولایتی نمیتوانست به کلی از اشتباهات و اعمال نادرست پرکنار بماند، به طور نمونه یکی از کارهای عجیب و بی پایه او مداخله منفی در امور هندوستان بود، زیرا حملۀ او در هند سبب شد که استعمار انگلیس شدت یا بسط و حکومت باری هند که ضعیف بود قدرت آنرا ندانست که هندوستان را اداره کند، ۲۵ سال عمراحمد شاه به لشکر کشی ها گذشت و وقت کافی برای انکشاف اقتصاد و تمدن و فرهنگ از دست رفته افغانستان (بعد از تجزیه و تقسیم دونیم قرنۀ کشور) ندانست توجه بیشتر احمد شاه به مسایل عسکری و نظامی معطوف شده بود، به همین جهت به باروت و اسلحه سازی توجه بیش می نمود.

احمد شاه مرد متشروع و با سواد بود، دیوان اشعار پشتوی او در کابل ۱۳۱۹ از طرف استاد عبدالاحی حبیبی طبع شده، اشعارش آمیخته با مفاهیم عشقی، تصوفی، حماسی و اخلاقی است و او را ی تقریباً دونیم هزار بیت است (۱۷) از قسم غزل و رباعی و قطعه و مخمس و مریع در کلامش رنگ و بوی تصوّف به خوبی آشکار است، برخی اشعار اخلاقی و وطنی نیز داود و علاء برین برخی کلمات

و ملفوظات منشور نیز داشت که ملامحمد غوث‌بن ترکمان‌بن تاج خان قاضی پشاور شرحی بر آن کلمات به زبان فارسی به نام ((شرح الشرح)) نگاشته است.

احمد شاه اچکچو و فاتح بود، اما طر خداور غار نگری، ظلم و کشتار نبود، بهترین کتابی که از آئند وره باقی است و چهره تمام نمای تاریخ این دوره میباشد، تاریخ احمد شاه‌ی است این تاریخ توسط شخصی به نام محمود الحسینی - المنشی بن ابراهیم الجاهمی نوشته شده است، از مرزبای برجسته این کتاب اینست که وی نه تنها تاریخ نگار در بار احمد شاه بود بلکه منجی پشاور و سیاه سی خط سیر سیاسی احمد شاه و مراقبت می کرد محمود الحسینی در لابلای اشعار مدحیه در باره فعالیت های عصر اشخاص بر جسته آن عهد چون شاولیخان و زینو و سردار جهار، تخان اشعار و مطالبی زیادی نوشته، هم کتابی او با احمد شاه سبب شده که تمام وقایع و چشم دید های خود را به طور واقعینا نه در این کتاب بگنجاند. اما در باره زندگی خودش جز پتوین اشاره ای نکرده است به همین صورت زندگی محمود الحسینی در تاریکی باقی مانده و حدس زده می شود که شاید وی زیر حمایت شاه می زیست و به هیچ نوع رنج و تکلیفی در دربار احمد شاه مواجه نشده است. دوره سفر جنگی احمد شاه بابا که در سالهای مختلف کردها و ای او صورت گرفته بود، پیش از همه جنگ پانی پت در سال های ۱۱۷۳ و ۱۱۷۴ هجری قمری با همه تلاشنای پیگیر او از بیفایده ترین جنگهای او محسوب می شود وی در سال ۱۱۶۱ ه. ق به الحاق کابل پشاور، سند و ملتان و جنگ لاهور و سر هند و در سال ۱۱۶۱ ه. ق به الحاق به الحاق سیاه لکوت، اورنگ آباد و گجرات، کوشید در سال ۱۱۶۳ به الحاق هرات، بلخ و بدخشان و بلوچستان مصروف بود.

در سال ۱۱۶۵ مصروف پنجاب، کشمیر اعزام سفیر به دربار دهلی

تنظیم ملتان و سندو سوا حمل رود اندوس بود، در سال ۱۱۶۶ در جنگ پشاور و در سال ۱۱۶۷ و -۱۱۶۸ به الحاق مشهد و نیشابور مصروف بود، در سال ۱۱۷۰ هـ ق به تنظیم پنجاب و کشمیر و فتح دهلی و در سال ۱۱۷۰، ۱۱۷۷ هـ ق برای تنبیه سیکها در پنجاب و هند (جنگ بر گ سبن) سو قیات بر سه کشمیر و تامین آن و در سال ۱۱۸۳ برای تامین و لایت خراسان شتافت احمد شاه بعد از جنگهای متوالی در سال ۱۷۶۳ وارد قند هار شد و تا سال ۱۷۶۷ دیگر سفر به خارج کرده نتوانست گر چه وی قوای سیکها را در پنجاب شکست داد و آدام کرد اما میداد نیست که سیکها در پنجاب زیاد شده می روند و خودش برای دفع این خطر نمیتوانست به صورت دایمی در پنجاب بماند در همینسال شافو لیخان به بلخ اعزام شد، و قرار دادی با عبدالعزیز پادشاه بخارا بست که در پای آمو سر حد باشند و خرقة مبارک را از بدخشان به قندهار آورد. احمد شاه به پاس خدمات نادر شاه افشار با وی خویشی نمود، یعنی شاهرخ فرزند نادر شاه افشار دختر شمس (گوهر شاد) را به تیمور شاه پسر احمد شاه به زنی داد و در سال ۱۷۷۰ به قندهار آمد و این آخرین سفر احمد شاه بود در سال ۱۷۷۳ در قند هار مریض شد و در همین احوال پسر دوم خود یعنی تیمور شاه را به ولیعهدی مقرر کرد و بالاخره در رجب ۱۱۸۷ هـ ق یا ۱۷۷۳ م به عمر ۵۰ سالگی بعد از ۲۶ سال سلطنت در قندهار فوت نمود، و در آنجا دفن گردید. (۱۸)

احمد شاه فرزند بزرگش شاهزاده سلیمان را باید بر سه جانشینی انتخاب می داشت اما وی شاهزاده تیمور فرزند دوم خود را که صاحب ذکاوت و استعداد فوق العاده بود برگزید، از یثرو دربین برادران کشمکش ها و خصومت های ایجاد (۱۹) شد و از توضیح و تفصیل آن که مر بوطه سیزدهم می شود صر ف نظر می نماییم تنها دوران تیمور شاه و به خصوص سالهای اول او که در

سده دوازدهم هجری قمری مطابقت دارد طرف توجه ما ست.
 البته سده دوازدهم یا همه جنگها و جنگا لها در مرحله های واپسین
 به پا یوردی و کوشش احمد شاه توسط ولیعهدش تیمور شاه هم از
 از نگاه رفاه و امنیت مردم، رونق می گیرد و هم توجه زیاد تیمور به
 فرهنگ و ادب و تجمع شاعران با آفریده های موجود در این دوره قابل
 تأمل است.

تیمور در ۱۱۶۰ قمری، در هرات از بطن زرد غو نه آنا متولد شده
 بود و میرزا هاد یخان منشی با شی در بار تیمور که در هرات و قندهار
 و کابل که از ۱۱۶۰ تا اوایل دوره شاهنشاهی اویسر برده است در قطعه
 یی تاریخ تولد تیمور شاه را چنین آورده است که چند بیت آنرا در اینجا
 برمی گزینیم:

جهان شهر یاری زکتم عظیم قلم زده صحرائی هستی از آن
 که بخشد ضیای عالم از بهر خویش چو تابنده خورشید بر آسمان
 به یک مصرع تمام تاریخ او زیر خرد جستجو شد نهسان
 گفتا جها نگیرش ظاهر است بگوئید تیمور صاحب قرآن
 تعداد زو جات تیمور شاه به سه صد نفر میرسید (۲۰) که اکثر این
 ازدواج ها از روی مصلحت های سیاسی و روابط حکام و قبایل
 واقوام بوده است، تیمور نه تنها در سیاست آنعهد نقش تعیین
 کننده داشت بلکه به جها ن علم و ادب آنعهد خدمات شایسته یی را به
 فرجام آورد و با روشنفکری و حسن نظری که به طبقه نسوان
 داشت به خانمها یش موقع کار در دولت و اواسی عریض مردم داده
 می شد. در سجع مهر شاه بیگم خانمش آمده است:

از عروج دولت تیمور شاه بحر ویر شاه بیگم کرد زیور حلقه شمس و قمر

در مهر خاتم گوهر نسا بیگم دختر سلطان عز یز الدین عالمگیر
ثانی وزو جه تیمور شعر زیر یسن چنین حك شده بود:

تا جهان است و بقای دو لست ارض و سماء
دیوگوهر بار یارب بر سر گوهر نسا

از جمله ۱۳ دختر تیمور (مهرماء) (۲۲) دختر بزرگش که زنی بود عادل
و با انصاف در قلمرو و حکمرمانی پدر مانند مرد ها سهمی گرفت.
تیمور در زیر سایه دا نشمنندان وقت از جمله ملا فیض الله خان که
از منشیان در بار واز استسا دان آنعمده به شمار می رود. دانش و ادب
گرفت، این بینشمنند با فضل و با دانش در زبان دری و پشتو حیثیت
معلم و مصاحب را برای تیمور داشت وی تیمور را در ادبیات و فن انشاء
رسانید، تیمور علاوه از اینکه به صحبت بهتر یمنردان با فضل و
دانش و صا حبان قلم و شمشیر سالیان درازی را در هرات، لاهور
قند هارو کابل گذر انیده بود، در اثر تشویق و ترغیب دیگران و ذوق
فطری خودش به مجالست و هم صحبتی شا عران و فا ضلان نهایت
تمایل داشت و صاحب همت عا لی و شایا کرد افکار و نظر یات و اعمال
بزرگترین رجال با جاه و جلال درانی بود در اشعار خود نیز اشاره
کرده:

بند بیموده به عاشق ند هد سود هرگز

ای معلم سبق عشق بیاموز مرا (۲۳)

وی پاد شاه آگاه و با فهم بوده است در فکر و طلب دانش بود از
جهل و تاریکی در گریز، بیت زیر دلیل برین مدعا ست:

رمیدن کی شود تیمور شاه در دشت دل آخر

زبس ازهر دم نا فهم در دل وحشتی دارم

تیمور شاه نزد شا عران حماسه سرا قنادر و منزلاتی داشته و هم
شان و عظمت عسکری او را به حیث يك پر چمدار بزرگ کشور
افغانستان تا چه اندازه انجاسام داده و اعتبار سیاسی رابر خود

و هملت با شهادت خود کہا می کرده است.

عرصه همت او هست بدا نگونه وسیع

که به حدش زدو بدن تر سد رحش خیال

گر نهد افسر آفاق به فـرق فغفور

ورکشد خا تسم اقبال ز دست خیال

تیمور شاه که خود شا عر بود از شعرا و پیشمندان آن روزگار

قدر می نمود، حلقه اد بی در در بار بوجود آوردو دراین حلقه اد بی

شما عران ورزیده آن روزگار چون میر هوتک افغان، عاجز و... نیز

عده پی دیگر شا مل بود نسل و رابط تبهی تیمور شاه باشعرا

در بار خیلی مستحکم بودو ایسن شعرا بین خود تبادل افکار می نمودند

و ناهه های دوستانه به یکدیگر ردو بدل می کردند شما عران این عهد با

آگاهی از شرایط نا به سامان آن زمان رسالت خود را از دست ندادند،

وبا تمام ضیق و وضع آشفته زمان از جوهر هنر و قدر دانش پی

خبر نبودند، و این پدیده بالذکر، در پهلوی دیگر اشعارشان چنین

بیان دا شته اند.

میر هوتک افغان فرما ید:

جوهر، ظهور رتبه اصل است تیغ را

یعنی عزیز، هر که بقدر هنر شود

عاجز افغان شاعر دربار تیمور شاه شا مل در حلقه اد بی او چنین

گفته است:

اعتبار مرد با شد در خور کسب هنر

میفراید جو شن جو هر قیمت شمشیر را

جز هنر نتوان زدن لاف قبـول اهل دل

نور چشم آئینه را اینجا بقدر جوهر است

آسمان مینا زد از پهلو ی ار باب کمال
مور را آن بس که بادست سلیمان آشنا ست

مهر س عزت اهل هنر که در یثیم
همیشه آب رخ خود غریق گرداب است

درین دوره و در طول این سده شعرا یی را سراغ داریم که با همه
جارو جنجال های محیطی توا نستند به گوشه یی بنشینند و فکر کنند و
انگشت انتقاد بر زمامداران نهشته برار یک قدرت بگذارند و گسسته گی
با زار علم و هنر را در لایلای سرو ده هایشان انعکاس دهند، دارا شای
عزت گزین فوشنج در باره زکة دهنرو علم در این عهد چنین گفته
است.

هر که از اهل هنر شد در دستان خون گریست
میتوان در ملک مایل حال افلاطون گریست

فقط اصناف است در بازار ای جوهر فروش
بر کسادی گهر خواهی در هکنون گریست

چرخ تا سنجیده با سنجیده طبعان دشمن است
چون قلم هر کس که از اهل سخن شد خون گریست

شمع محفل گوید این مضمون باواز بلند
عمر ها کس بر سر یک مصرع موزون گریست

دید چون بیقدری اهل سخن دارا کنون
/ خا همه هم بر ما و هم بر نام، زین مضمون گریست (۲۴)

در اشعار دارا و بدو نشاط و غم توأم بوده و گاهی چون صوفیان
در انزوا سر بجیب تفکرفرو برده و ناله های جا نسو ز سر داده

است:

لب زافغان ما ندو ما راايتدا ي ناله است
درد دل بسيار و فرصت تنگ جای ناله است

همد می چون نی نمی یا ہم هم آوازی کنون
بند بندعضو منور نه برای ناله است

از گران خوا بی فغانم نشنو ندها اهل زمین
گر نه گوش آسما نها پر صدای ناله است

دل کند شیون زهر جا ناله آید بگوش
بلبل مادر چمن زود آشنای ناله است

بزم عاشق را نبا شد مطرب دیگر به کار
های گریه با شدوای وای ناله است

با همه ضعف دلم دا را حر یف ناله کیست
خشم خو شباشد آگا زور آزمایی ناله است (۲۵)

بحث در باره اشعار تیمور و روبرایط او با شعرای همز ما نشو خدمات
فر هنگی که او انجام داده است در بخش دیگر که در باره او ضاع ادبی
این عهد سخن گفته می شود آورده خواهد شد .

تیمور که خود را مستحق تاج و تخت می دانست ، نمیخواست با
سازش با فیودا لها قدرت و تمرکز دولت را متزلزل سازد ، چو ن
خان ابسلدا لی در شهر قند هار بر امرو و دولت مسلط
بوده و به قوای قبیلوی خود نزدیک بودند تیمور شاه در سال اول جلوس
خود شهر قند هار را ترك کرده کابل را که از قبود قبیلوی آزاد بود پایتخت
انتخاب نموده از خان های بزرگ اشخاص را در خدمت دو لت پذیرفت
که بی چون و چرا از شخص پاد شاه اطاعت میکردند .

روش مستقل و مطلق العنان تیمور فعا لیت های مخالفان فیودا لها را
تشدید نمود ، خان های ابتدا لسی قند هار در سال اول تیمور خوا -
ستند تیمور را به قوت سلاح مدوم نموده و سلطنت رابه يك دست

نشا نده منتقل سازند آنها عبدالخالق سدو را بی راکه مالیات سند را گرفته و ثروت زیاد انداخته بود به پادشاهی برداشتند و شهر قند هار را انتقال نمودند، خانهای غلجایی نیز با آنها هم دست شده (۲۶) هزار مسلح در ۱۷۷۴ به طرف کابل حرکت کردند، تیمور خود در مقابل آنها درنیش گاو مقابل شد آنها را شکست داد و منهرم نمودو عبدالخالق را کسورساخت و خانواده ابدالی که مقیم کابل بودند اما با شورشیان دست داشتند مجبور نمودو اموال شان را تصادره نمود برای ازبین بردن قدرت فیودالی وی به قند هار رفت هر مخالف را که یافت کشت بسا وجود مخالفت خانها در پشاورو دیگر جایها تیمور توانست قدرت دولت مرکزی را نگه داردو دوباره به کابل برگشت و دوسال دیگر آرام مانده هریک که سربلند می کرد، سرکوب می شد، بهارث خوش رواد قدرت دولت مرکزی حفظ نمودو ایران و هند هرج و مرج بود اما در بخارا میر معصوم شاه در فکر توسعه طلبی بود درهمه زد و خوردهای شما لی تیمور هو فقه شده شاه مراد مصالحه ودر یای امورا به حیث سرحد مشترک فرار داده. تیمور بالاخره در ۱۷۹۳ در پشاور مریض شد و به کابل آمدو و در همین سال ۱۷۹۳ میلادی مطابق ۱۲۰۷ هجری قمری ترك زندگي گفت، شا هزارده فروغ اصفها نی سال فوت تیمور شاه و بر تخت نشینی زما نشاه رابه حساب حمل چنین زبیا آورد است: دو نقش چه دلخواه و چه جا نگاه نشست

خورشیدپر آمد از افق، ماه نشست
از گردش مهر و ماه تیمور ز تخت برخاسته ثواب زما نشاه نشست
به کم کردن عدد حمل تیمور از عدد تخت و افزودن عدد ثواب زمان بر آن مطابق سال فوت تیمور شاه جلو رس زما نشاه ۱۲۰۷ بر می آید.
این اولین مرگ سیاسی و سری بود که در زمان دولت ابدالی
افغانستان واقع شده سر فریز تتر ادعا نموده است که تیمور شاه رازهر

داده بودند (۲۷)

اوایل زندگي تیمور بیشتر به جaro جنگ-سال های سیاه سی
 سپری شد، گرچه احمد شاه لاش و کوشش زیاد نمود تا تمام قیامها و
 بی نظمی های که از طرف بعضی قبایل به راه انداخته می شده، از
 میان بردارد و این ها همه زمین-خو بی برای تیمور شاه بود تا در
 زمان حیات او ارفاش نسبی برقرار و جaro جنگال های سیاه سی
 کمتر گردد، وی ما زند پدرش تمام مدعیان و مخالفین تاج و تخت را از
 بین برد و آراش نسبی را در کشورش برقرار ساخت، اما تمام
 آشفته حالی و نابه سانی شرایط روزگار گذشته همه به پایمردی
 تیمور شاه خاتمه پذیرفت، تیمور شاه با تلاش و کوشش پیگیر توان
 نست پاره بی از اوقات خود را به حل و فصل امور کشور و رفع منازعات
 و جaro جنگال های گروه های مخالف وقف نماید. اثرات ایسن حالات
 تا مساعده در همه شئون زندگي مردم به خصوص مسائل فرهنگی
 ادبی و اقتصادی بی تأثیر نبوده است. برای درک بیشتر او ضاع
 ادبی این عهد پنداشته شد تا شرایط سیاسی را که نقش بارز بر
 ادبیات و جریان ادبی واد بیات، یک کشور دارد نظر گذرانداخته شود
 مجال و فرصتی که در عصر تیمور شاه برای اهل ادب و توده های
 مردم پیدا شد امکان آنرا میسر گردانید تا به حرفه ها و مشاغل
 اساسی زندگي بپردازد. تیمور-شاه که مرد آگاه و طرفدار آزادی
 و برقراری کشورش بود، در امور کوشش و تلاش و جلب و جذب
 بینمندان و شاعران فضای نسبتاً آرام را بوجود آورد و نه-سال
 ادبیات این سرزمین را که در حال خشکیدن بود، پدرش و خودش
 آبدار تر و بارورتر نگاه داشتند و عده بی را که در حالت گوشه
 نشینی بسر می بردند به حرفه ادب برکشاندند تا به سانس
 شرایط و او ضاع سیاسی گاه گاهی در اشعار شعرا آیند و ره انعکاس
 یافته است. تیمور شاه که خود شاعر صاحب دیوان به زبان دری است

هیچگاه واقعیّت ها را از نظر دور نداشته است دریک بیت زیباشرايط زمانش را چنین زیبا تصوّس — رنموده است:

از دیار ما به غر بت برده اند آرام را

هر که می آید درین کشور نمی گیرد قرار (۲۸)

میرزا/ رضای بر نا بادی صاحب تذکره (میرزا یان بر نا باد) در هنگام نو شتن تذکره خود متوجه نکته های دقیق و عمیق اجتماعي شده است تذکره وی یکی از کتب معتبر و در بر گیرنده جوا نسب مختلف زنده گي مردم آنعمده به خصوص هرات و غور یان بسوده است، این تذکره نگارو شاعر عزلت گزین زبانی که در گو شه انزوا متوجه حال و احوال مهلکش است. در لابلای کتابش از جور و ظلم یکمده کسان چنین یادآور شده است ((این ظلم و جفا در آن فرصت نه براین بیس و پا تنها بود بلکه همه روزه قریب به صد نفر چون من به شکنجه و عذاب و بلا به چنگ اراذل و جهلا مبتلا بود.))

فرد:

همچو آتش خوب میخوردند و میدادند زار
و آنکه از بیطاقتی بر خاک میمردند زار

هر شبی کردی بجای بلبلان فریاد بوم

کالفرای عاقلان زین وحشت آباد القرار (۲۹)

شعر بالا بیانگر زبان شاعر محب و حقیقت زمان است.

محمد رضا بر نابادی از چهره ظالم ، مفت خوران عصر یعنی ابراهیم غور یانی که بر مولف تذکره محمد رضا ظلم و چپاول را روا داشته است همیشه زبان به شکایت باز نموده در صفحه ۱۴۸

این کتاب آمده است:

((مستور نما که از کثرت ظلم بیحساب ... و نایره اضطراب اکثر احباب گرفتار شکنجه ملایع و دلهای الوالا لباب همه از آتش جور و ستم کباب بود، فرد:

ز ظلم افزون از حد جان کسـل روان بود از دیده ها خـسـون دل
هیچکس از اناث و شکور و نزدیک و دور و مسلمان و هندو زارع، ناجر
و کاسب و مسافر همه بی بهر—ره دور بدر و خراب و چون سیما بد
آتش شتم گرم اضطراب بود ند، برای آگاهی بهتر از وضع این زمان

ابیات زیر را از صفحه ۱۴۹ این کتاب میخوانیم:
هیچکس در جهان کون و فساد ستمی اینچنین نداشت به یـسـاد
که با هل هری در آن ایـسـام مینمودند آن گـرـوه لیـسـام
خود پا بین وانا امیدا نه چنین گفته است:

بسکه نامرد می از مردم عا لسم چیدم

کردم از مرد مك دیده خود قطع نظر

محمد رضا با جریب تمام دستگاه دولت را مورد ملامت قرار می دهد:
(مدت بیست سالست که بسا سرقت و شیرو فروشی اشتغال دارد
و مکرر باد شاه آن گمراه را بدرگاه باغزو جاه طلب فرموده با وجود
کثرت داد خواه باز خواستی از آن روسیاه والتفا تی به گنا هـش نفر
مودنده مصـنـع:

سیاست از نبود کار های خلل یابد ((ص ۱۵۵ .

و برای استناد گفته خود شعرا ز شاعر بلند پایه این عصر میرزا عبید
لقادر پیدل را به خبیث مدحا و مثل به تأیید گفته اش آورده است:
زما نه کج منشأ نرا ببر کشید پیدل

کسی که را ست بود خوار چشم افلاکست

ادا شا عر سده دوازدهم و شاعر پر خاسته از سر زمین بلخ از زمانه

وبی قدری بازار هنر چنین یاد نموده است.

درین بازار ادا با هنر خرداری نشد پیدا

چو گوهر از کف ما قدر دا نان رایگان رفت

می رنگین چو لعلت نیست در شیراز هم پیدا

ندارد از رخت زیبا گلی گلزار کا بلسم

اوضاع اقتصادی - اجتماعی سده دوازدهم و تأثیر آن بر ادبیات

ادبیات يك جامعه را با تأثیرپذیری از شرایط سیاسی و اقتصادی آن باید مورد مطالعه قرار داد. در اینجا لازم به نظر میرسد تا نظری بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی این عهد انداخته شود. اوضاع اقتصادی و اجتماعی را که با کسب تا ثرا از شرایط سیاسی و رشد با لنده گی می یابد و یا به رکود و سستگی مواجه می شود باید به طور همه جا نبه آن در نظر داشت.

آغازین سالهای این سده در کشور ما با جارو جنگال و جنگ های پیاپی همراه است و از لحاظ زندگی، مردم روزگار مشقت بارو حالت بی سامان اجتماعى راسپری مینمودند البته قیام میرویس هوتکی و تشکیل دولت ملی توسط این بزرگمرد و مقابله و هجاء لاء او در برابر صفویان و کشمکش هاو جنگهای قبیله ی بی دریغی، اقتصاد و وضع مالی و اجتماعى این مملکت لطمه وارد نموده آنرا متاثر ساخته است. به ویژه در اثر آسبى که به سر زمین ایران افغانستان، هند و آسیای میانه، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در ائس

و مهمات و نیروی جنگی بسود ضنماء این نوع ما لیات ، باز ها که
تا چندین برابر افزایش میافت و گاه گاهی ما لیات سنگین و غیر-
منتظره می نیز به نفع سپاه تعیین واخذ میگردید.

توده های مردم و بهویژه کشا و وزان امید وار بودند که بابیرون
راندن بیگا لگان از کشور شان ستم ما لیا تی کاهش داده می شود،
و زندگی شان بهبود می یابد اما بر عکس در این وقت فشار ما لیه

دهی بیشتر گشت.

بدینگو نه اقتصاد کشاورزی از مالیات سنگین صد مه دید و پسر
کشا و ران مفلس و تنهیدست فشار بر حما نه می وارد شد ند فشار
نا در افشار باعث فرار مردم از پرداخت مالیات و بروز قحطی شده بود،
در این هنگام شهر های بزرگ، و مراکز مهم تجا رتی چون هرات ،
کابل ، قندهار نیز از این کشمکش ها و فشار مالیه دهی به جا نرسیده،
بودند کمی غله و نبودن آب و غذای کافی در ایندوره به کلی محسو س
است ، شاعرو تاریخ نگار این دوره محمود الحسینی النشد و در کتابش
از خرابی وضع هرات و قحطی غله چنین یاد نموده است:

چنان قحطی غله شده در هرات
که نایاب شد نان چو آب حیات
زهی طعمه کی عالمی بی ثبات
گرسنه شکم گشته سیر از حیات
طبق را پی طعمه چشم امید شده چون ورقهای کاغذ سفید
فتاده شکمها تهی از طعام
چو دیک فلک سرنگون صبح و شام
به نور شقایق بر افروخته
ز سودای نانش جگر سوخته (۳۲)
کمی آب و نان و ارزش خوراک به خصوص گندم در ایندوره به کلی
محسوس است از شاعر ایندوره یکی عبدالله بن حبیب الله تر شیرزی
متخلص به شهاب است که صاحب دیوان بوده و دیوانش زیر شماره
(۴۹-۲۳) در آرشیف ملی محفوظ میباشد. دیوان وی توسط مسور خ
مشهور فیض محمد کاتب به خطزیا خطاطی شده است در این نسخه
در باره زندگی شهاب و شرایط طبق اقتصادی امروز گار مطالب دلچسپی

آدمه است به طور مثال در بیتی ضرورت اولیه آدمی را که بایست آوردن لقمه نانی است چنین بیان داشته است .

عقل گفنا فکر نان واجب تر است مشتکی گندم طلب کن شال چیست؟
شهاب در زمان تیمور شاه و پسرش شش شاه محمود می زیست و مدتی ستایش در بار تیمور و بعد پسرش شاه محمود را میگردید است این مطلب را در دیوان او که درآرشیف ملی موجود است دلیل بر این گفته در اینجا می آوریم .

آنچه من درسه سال گفتم مدح شهزاده را علی الاجمال
هیچ شاعر نگفته ثلثی از آن بهر ممدوح خویش در سی سال
البته با همه رفاه و آرامی نسبی که در بار شاه محمود داشته است
مسایل اقتصادی را هرگز از نظردور نداشته، فضا و روح آرام را برای
شاعر و شکم سیر را برای نویسنده و محقق مبرم جلوه داده است حتی
به ردیف «گندم» قصیده دو نیم صفحه ای سروده است که با ارتباط
به این موضوع چند بیت این قصیده را به گزینش می گیریم :

خواهم که کنم ثنای گندم ز انسان که بود سزای گندم
گندم چو ردیف شعر کردم تا اینکه کنم ثنای گندم
اما دانم که از زن و چو هستند ز اقر بای گندم
دهقان خجسته بخت باشد همصحب و آشنای گندم
دهقان چو شنید گفت ما نیز هستیم در اشتیهای گندم

اما همه اهل شهر گویند کانبار شه است جای گندم

آنرا که بود گر سنگی دارد چاره چه به جز دواي گندم

از دو بیت آخر به چنین نتیجه می رسم که همه مردم حتی شاعر
که مورد نوازش فرمانروای آن زمان واقع بوده و در گرسنگی بسر می برده

است ما حاصل زحمات دهقانان در انبار صاحبان قدرت و نهشته
برار که زور گوئی ذخیره می شده است شاعر این عصر با شناخت دقیق
این واقعیت را صریحاً در سروده هایش جا داده و انگشت انتقاد بر
فرمانروایان این سده گذاشته است در جای دیگر از این نسخه در باره

تیمور و پسرش شاه محمود چنین گفته است :
در زمان دولت فرمان روی شرق و غرب

خسرو جمشید حشمت داور دارانشان

شهر یار عهد و خاقان خوانین زمان

تاجدار عصر و سلطان سلاطین زمان

سایه یزدان شهنشاه جهان تیمور شاه

کافتاب از تاب تیغش بر فلک گردد نهان
قرّة العین همایون بخت والاهمش

کز علوقدر سایه پا بفرق فسرقدان

در بحر سلطنت شهزاده محمود آنکه هست

در کرم چون حاتم و در عدل چون نو شیروان

نابه سامانی و آشفته گی روز گاراز یکسو، و دست تنگی شاعر از جانبی
همیشه او را تهدید نموده است گاهی به بی عدالتی و بی توجهی در بار
نسبت به خود به شعرش پناه برده است .

شهر یار احوال من با قرص خواهان و عیال

حال آنچیز است کافر افش همه پر کرگس است
گرچه بر من از عذاب دوزخ بدتر است

خانه من از بلای لاش خواران مجلس است

ای عجب گلهای امیلم چرا بر مرده اند

در گلستانیکه زان شاداب هر خار و خس است
خسروا در کار من گسر باشد اهل همالی بکار

کار همچون صدمر اهل مستوفی بس است (۳۳)

در سراسر سده دوازدهم افغانستان با جنگ داخلی و کشمکش
همسایه گان به سر می برد آشفته حالی و کشمکش اوضاع سبب شد
که مبارزه مردم وتوده ها علیه تشدید بهره کشی فیودالی در اشکال
بسیار مختلفی نمودار شود .

مؤلف «نامه عالم آرای نادری» میگویند: «که در سال ۱۱۵۰ هـ (۱۷۳۷) - ۱۷۳۸ م) ایالت مرو «چون دل زندانیان» ویران و خالی از سکنه شده بود نه خانه یی در آنجا باقی مانده بود و، آدمی (۳۴) در چنان حالت بد، وستم مالیاتی و تعدی حکومت نادر نخستین جنبش، های رهایی بخش ملی و ضد استبدادی در میان افغانها، اوزبکها، و ترکمنها بلوچها، گرجیها، و آرامنه بیشتر گسترده شده وضع مشقتبار این مردم که توسط فیودالهای محلی استثمار می شدند و هم به وسیله دولت نادر مورد بهره کشی و شکنجه و پیگردهذهبی قرار می گرفتند از بد بد تر شد.

اولین جنبش استقلال طلبی بر ضد نادر افشار به وسیله فیودالهای افغان در هرات به رهبری ذوالفقار خان ابدالی در (۱۷۳۰-۱۷۳۱ م) که برابر به ۱۱۴۳ هـ (ق) است صورت گرفت همه قیامهای مردم چهار اطراف او و مقابله نادر برای اوضاع هوسپایش مردم را خسته ساخته بود، و مردم آرامی خاطر را برای فعالیت های اقتصادی و کشاورزی میخواستند. نادر با احداث سنگین به قندهار این شهر راخراب ساخت به جای آن شهری بنام نادر آباد بنا کرد به طرف کابل و غزنی حمله کرد. مردم کابل مقاومت کردند مردم فقیر و پنهان که در آن جامانده بودند، به وسیله قشون نادر کشته شدند. وی در کابل نامه یی به محمد شاه گورگانی پادشاه هند فرستاد و در کابل به فکر جمع آوری آذوقه شد. اما مبارزات همه مردم در مقابل نادر ادامه داشت، وی مالیات گزافی بر سر مردم بلخ و اندخوی حواله کرد.

تشدید بی حساب بهره کشی فیودالی در دهه پنجم قرن هژدهم برابر (سده دوازدهم هجری قمری) دولت نا در را به سوی پرتگاه پاشیده گی سخت اقتصادی روانه ساخت و باعث تیز شدن تضاد های طبقاتی و تضاد های درونی طبقه فیودال گردید.

یکسلسله قیامها توسط مردم سیستان، مرو، خبوشان، بلخ و اندخوی و کابل بر علیه نادر شروع شده و با کشتار بیشمار و بر پا کردن

کله منار ها در سر زمین های قیام کننده ، حاکمیت خود را در کشور صد پارچه می که دچار زوال عمیق اقتصادی نیز بود حفظ کرد . در دهه پنجم همین سده سراسر قلمرو نادر شاه در شمله های شورش های جدایی طلبانه قیودالی و در قیام های رهایی بخش توده های مسردم میسوخت . این ستم مالیاتی و اجتماعی دولت او را به زوال مواجه ساخت .

باآنها در این هنگام شهر کابل از نگاه مرکزیت طرف توجه نادرشاه واقع شده بود . نادر شاه افشار به زیبایی این شش رتوجه می نمود . مدتی که پایتخت به دهلی انتقال یافته بود کابل توسط والیان فرستاده شده از دربار دهلی اداره می شد . اما نادرشاه وقتی میخواست به هند سفر کند رحیمداد خان کوتوال در سال (۱۱۵۱ هـ . ق) ارک کابل و بالاحصار را بررویش نکشود . تابالآخره نادر بعد از فتح کابل وارد همدند شد از همد غنایم زیاد به کابل آورد ، امروز مردم افشار نانک چی ، افشار تپیه و چنله اول از بقایای عساکر او است که تاحال به همین نام یاد می شویند (۳۵) در این هنگام صوبه دار کابل ناصر خان موظف جمع آوری مالیات این شهر بود . هم چنان برخود و سپاه نادر افشار به سر کرده گئی طهباسب خان وکیل سلطنت نا دود افشار و حسن خان بیات حاکم آنوقت کابل و توکل خان و سایر اشخاص اجنبی بسیاری سعی کردند ، تا وجوه بسیاری را به نام مالیات چندین ساله ولایات منلکت افغانستان با انواع شدت و جبر و ظلم جمع آورند . نادرشاه در سال ۱۱۴۳ محمد تقی خان شش ازی را حاکم شیراز انتخاب نموده اما در اثر مخالفت شدید به محمد تقی خان بانادر افشار او را بهطور جزایی به جمع آوری مالیات و پیشکش ها موظف گردانید ، تا باجبر و ستم از مردم مالیه بگیرد ، در ظرف چند سال طهباسب خان و حسن خان بیات به جبر از مسردم افغانستان پول و مالیه می گرفتند . و نادرشاه تقی خان شیرازی را امر کرد که مبلغ زیاد جمع کند تا به وقت ضرورت صرف شود . تقی خان مذکور از خوف جان به کیک نواب ناصر خان حاکم سابق کابل موظف

جمع آوری مالیات و محصولات پشاور گردید، تقی خان شیرازی و نواب ناصر خان (۲۶) کرور روپیه که معادل پنجاه هزار تومان می شد جمع کردند. نادر شاه تقی خان شیرازی را احوال داد تا به کلات نادری خزانه را برسانند. در ماه جوزا همین سال تقی خان و ناصر با خزانه وارد قندهار شدند، که خبر کشته شدن نادر در همه جا شایع شده بود آنها میخواهستند که خزانه را از همه و به خصوص از درانی ها پنهان کنند اما احمدشاه که از موضوع قبل آگاهی داشت، به ضبط خزانه پرداخت.

در کتاب سراج التواریخ این ذخیره را (گنج باد آورد) گفته اند اما وکیلی فلزایی این نظرا رد نموده در صفحه ۵۳ کتابش به نام تاریخ احمدشاه این گنج را پول مردم و مالیات مردم دانسته است و احمد شاه در همان تاریخ جلوس، این پول را برای عساکر و کارگزاران دولت به مصرف رسانند.

بعد از رویکار آمدن احمدشاه درانی و نشستن براریکو قنوت، وی ناصر خان را دو باره والی کابل انتخاب نمود. اما هنگام درخواست مالیات این شهر که مبلغ پنج لک روپیه می شد، توسط ناصر خان این وجه پرداخته نشد و احمدشاه وی را دستگیر نمود و به طرف جلال آباد تبعید نمود.

احمدشاه ابدالی که يك شخصیت نظامی و سیاسی بود متوجه نظم و اداره مملکت به کمک و مشورت روسای قبایل گردید. بعد از ایجاد حس اعتماد و محبوبیت بین مردم به عمران و آبادی توجه زیاد نموده است. کابل، قندهار و هرات از لحاظ محصول تولیدی آبادانی از شهر های مهم آنوقت محسوب میشدند.

علاقه مندی احمد شاه به شهر کابل تا آن جایگاه بوده است که در زمان او و به امرش دورا دور شهر کابل را دیوار احداث نمودند و در سنه ۱۱۶۶ هجری امر احداث آن داده شد و سردار جانخان پوپل زایی سپهسالار، آنرا در طرف چهار ماه احداث نمود. يك ضلع دیوار مذکور از حد ماشین خانه اندرابی الی آخر گلستان سرای رادر بر می گرفت و ضلع دیگر

از جدار سلامخانه وبلاي زیارت‌بابه کیدانی السی دروازه لاهوری می‌رسید قسمت دیگر آن بالای چنداول را عبور نموده در حلود ماشین خانه تمام می‌گردید .

دروازه قندهاری در ده‌مزرنگ دروازه سفید در حد سلامخانه دروازه سردار جانخان در حد بابه کیدان دروازه گنگرگاه لاهوری خافیا:شاه سمنند ها کبری ها قرت‌ها شیرازی‌ها دروازه های این دیوار بود. این دیوار بزرگ پازده مهره داشت و امروز يك حصه آن كه دريك گوشه اندرابی داخل عمارت است و تا به حال مانده به عرض سه‌ونیم متر میباشد و يك گوشه دیگر آن در منوی دروازه فروشی تا هنوز برجاست. ثانی محمود احمد پسا د شاه آنكه شد از امر حق عالم‌شكار غم نبند صورتی در عهدا گر شود عالم همه آئینه وار

خان خانان آن امیر با گهر آنكه گیرد جان زخضم شهریار امر کرد از لطف آن کیهان‌خدیو از شر جاء و جلال و اقتدار تاكشد حصنی زبهر حفظ خلق دور کابل همچو گردون پایدار شد پی اجرای امرش، به جهد از ارادات آن امیر نا مدار شهر بندی کرد بنیاد آن امیر کو بسر بر داشت چرخ زرنگار گرچه دور از عقل بودی کاین بنا سال چار و پنج گردد استوار ليك زاقبال شه والا نصیب دیگر از سعی امیر بختیار ماه پنجم این اساس با شکو ه شد تمام از التفات چار یار سال تاریخش چو جستم از خرد شد معین لطف خاص گرد گار شد در فشان ازسر اعزاز و گفت همسری دارد به گردون این حصار (۳۷) هدف و مراد از ساختن این حصار در شهر کابل حفظ مال و جان باشند. گان شهر کابل و تاجران این شهر بوده است .

احمد شاه نه تنها خودش طرفدار رشد و توسعه تجا رت بود بلکه حکمرانان محلی را و امیداشت تا برای تقویه تجارت راها را هموار گرداند چنانکه در سال ۱۱۶۹ هجری مطابق (۱۷۵۵ و ۱۷۵۶م) به همه حکمرانان و کلانتر ها وسر کرده گان و روسای قبایل امر کرد در منطقه خود

درکنار راهها، کار وانسراها آبادکنند تا مسافران و تاجران در آن گوشه راحتی بیابند و فرمان داد که دورادور کار وانسراها باغها احداث نمایند و در آن درختهای سایه دار بنشانند.

در صفحات مختلف تاریخ احمدشاهی تالیف محمودالحسینی حقایقی زیادی را میتوان دریافت که بر منابع عایداتی احمد شاه روشنی می اندازد به اساس گفته مولف مذکور عواید اساسی عبارت بود از مالیات غنایم جنگی و هدایایی که از خان نشین های مربوط میرسید.

محمود الحسینی ارقام مشخص از غنایم و هدایا ذکر نموده است مثلاً در سال (۱۷۵۵-۱۷۵۴) مطابق (۱۱۶۸ هجری) عباسقلی خان حکمران نیشاپور تحفه گونه سه هزار تومان به احمد شاه فرستاد که برای آوردن سپاهیان شاهی به نیشاپور رفتند و بر پنجاه قاطر پول

را بار کرده آوردند . سیاست انکشاف اقتصادی احمدشاه تصادفی طرح نشده بود شاه متمایل بود تا با آن تاکتیک تجارت مالیه همسایه را به سوی خود بخواند و راههای ترانزیت را که از آنجا نستان میگذشت و چنانکه معلوم است در آخرین سالهای جهانداری نادرشاه سقوط کرده بود دو باره احیا کند و البته محصول مالیه تجارتی به خزانه شاه پول هنگفتی می آورد اما علاوه بر آن دلیل دیگری هم است که احمد شاه چرا از طبقه تجار و تجارت طرفداری زیاد میکرد و دلیل آن چنین بوده است که تاجران اردوی احمدشاه را با کار و آنها ی خود بدرقه نموده و در جنگهای او مستقیماً سهم میگرفتند چنانکه در سال ۱۷۴۷-۱۷۴۸ میلادی برابر به (۱۱۶۰) هجری در نخستین لشکر کشی احمد شاه به هند تاجران قشون او را گله های اسب و رومه های گوسفند همراهی کردند . طی سالهای فرمانروایی احمد شاه کابل بزرگترین مرکز تجارتی گردید محمود الحسینی این شهر را بهشت روی زمین میدانند . به گفته او در کابل بازار های فراوان بوده و در دکانهای شهر اشیای گوناگون فروخته میشد نظر به شواهد موجود شهر های افغانستان نه تنها باکشور های

شرق (ایران) آسیای میانه هند و چین (بلکه با اروپا نیز تجارت داشتند و اموال اروپایی از طریق هندو آسیای میانه به افغانستان میرسید. تجارت افغانی از بلخ، بخارا، خوقندسمرقند، یارقند، و خوارزم مالو وارد می کردند و مقابلتاً تجارت آسیای میانه تا بلخ، بدخشان، و فطغن اموال تجارتی خود را می رسانیدند و با تجارت افغانی همیشه در تماس و طرف معامله بودند. حتی تجارت افغانی در مرکز بخارا کار و انسرا های شخصی داشتند که توسط شتر و یا وسایل دیگر از (ارین بزرگ) و غیره دست به دست تا بلاد مرکزی افغانستان و نقطه های شرقی و جنوبی امپراطوری آن می رسید و نیز پیداوار افغانستان به خارج برده میشد چنانچه نیل و زعفران کشمیر از راه هرات و بلخ به خارج قلمرو امروز افغانی صادر میگردد و از قلم های عمده صادرات افغانستان در عصر سلسله زواتی بود. توجه احشاه به امر زراعت و احوال زارعان و دهاقین بیش از حد بوده است چنانچه این موضوع از فرمانی که احمد شاه به تیمورشاه فرستاده است واضح میگردد، در قسمتی از این فرمان آمده است «امور دیوانی وابسته به سسر پنجه اهتمام وسیعی و کاردانی خدمتگزاران آگاه و منوط به حسن شعور و دلخواه میروا محمد کاظم منشی به منصب وزارت سرافراز و بین الاقفا مفتخر و ممتاز به کفایت و کاردانی و نظم و نسق و آبادی خالصدان سلطانی دلاوت و استمالت جمع آوری و ترفیه حال و زارعان دهاقین خالصه سعی موفور و اهتمام غیر محصور جلوه گر بیشگاه ظهور ساخته سرموئی زیادتی وجود باحدی نشود، و فیوض صحبت های بندر و عوامل های و سر رشته از واجبی تفری زار عین هر محل که نزد وزیر سابق و متصدی خالصجات است مفصل باز یافت و در حالیکه امکان زیادتی زراعت داشته باشد باید به حلیه آبادی در آورده نوعی نماید که تو فیر کلی در حاصل خالصجات

بهمرسانند. « (۳۸)

میرزا هادی منشی باشی در بار تیمورشاه در جنگ قلمی که فوغلزایی به نام گلسته عشرت نامیده است اشعاری در باره ماده التاریخ بنا های آنوقت ضبط این جنگ نموده است که ارزش تاریخی زیاد را حایز است

مثلاً در تاریخ عمارت جدید کابل که به حسب فرمایش تیمور به سال ۱۹۱۳ هجری) احداث شد چنین آورده است :

شد بفرمان حدیو عبادل شاه والا گهر در یسا دل
شاه تیمور که افکنده زجود همت حاتم طائسی ز نمود

بر سر پا چو اساس گردون گانجی از حوصله عقل برون
انبساط و فرخ صحن بنا هست چون نشامی هوشربا

دور نبود کمره خاک زببون زین بنا فخر کند بر گردون
از صفایش نبود دور از کنار گر نماید ز خواطر اسرار

آن اساسی که کند چرخ نهم شان خود در پی آن رفعت گم
زار تقاعی که نماید زیبا دور نبود که برد چرخ ازجا

این نشمین که چو بر خاست زجا بهر تعظیم فلک گشت دو تاسا
سزد این خانه پر نقش ونگار که سکندر نبودش اینه دار

گر در آید به بنا چرخ نهم بی شک و شبه شود انجام گم
کی شود عیب کسی پوشیده بر بنایش چو کشاید دیدم

هر ستون تو نگهبان سپهر شمع هر خانه تو شعله مهر
میتواند که زند بر مینو این بنای تسو زخوبی پهلوس

گفتگوی بی تاربخ بنا کردم اول بخرد شد چو یسا
بی تکلف بجوابم زصفاسا دور فرور یخت به صد عزوبها

که بگو و نسهراسی در دل شان گردون شکند این منزل
دارم امید که این تازه بنا چهره پرداز رخ ارض و سماء

با نشاط و طرب روز افزون بر خداوند کند حق میمون
شهر کابل از نگاه مرکزیت خودمورد توجه احمد شاه وبه خصوص

تیمور شاه بوده است حتی تیمورشاهد رزمان حکمروایی خود پایتخت را

از قندهار به کابل منتقل ساخت . البته اقامت تیمور شاه به شهر
کابل از چهار نقطه نظر مهم پنداشته شده است .

۱-حاکمیت بر کشور های پنهان و وارث احمد شاهی .

۲- توجه به حال رعایای نقاطبعید از قندهار که اکثراً از لحاظ

دوری راه واقامت سرما نمی توانستند خود را به مقر سلطنت درانی در قندهار به جهت تقدیم عرایض و حل و فصل دعاوی و حسابدهی خود برسانند.

۳- تا قبايل مختلف يك دسته از سر شناسان آنها در يك حوزه مرکزی ساکن نگردند و تجمع نمایندگان دولت به هیچ وجه از پیش نمی رود و هم از روحیات ملی بایکدیگر سازش و موافقت پیدا میکند و هم این خطه خوش آب و هوا از هر لحاظ آباد میگردد .

۴- سهولت امور سفر ببری .

شاعر عهد تیمورشاه در توصیف کابل گفته است :

مطلع الهند خراسان (۳۹) مقطع مظهر ف البسر غریق النعما
مورخان وشا عران وسيا ستمد اران، شهر تاریخی کابل را از باعث
توصل چهار راه و کوههای سر بفلک و پربرف آن از بزرگترین مرکز
عسکری و حصار طبیعی در هر عصر دانسته و دروازه هندوستان و مقطع
ولایات خراسان خوانده اند (۴۰)

تیمور شاه این شهر را دوست میداشت و در باره طبیعت زیبای این شهر شعرهایی گفته دوستی تیمور به این شهر زیبا تا آنجا که بوده است که بعد از مرگ قراقرصیت خودش در شهر کابل دفن شده است اکثر شعرای این سده در باره کابل اشعار زیبا سروده اند که ما برای کو تاهای مطلب یک بیت از شاعر همین سده را که به شهر کابل عشق و علاقه وافر داشته است به گزینش می گیریم :

جز نسیم خطه کابل نیاید هیچ وقت در مشام من نسیم راحتی از هیچ باب

(۴۱)

احمد شاه درانی به آبادانی و عمران شهر کابل توجه زیاد داشته است، محترم فوفلزاری در صفحه (۴۵۰) کتابش به نام تاریخ احمد شاه در باره چنداول و اساس گذاری این ناحیه توسط احمد شاه و حتی وضع رتبه چنداول باشی که توسط احمد شاه و در عصرش برای اشخاص داده می شد، مطالبی نوشته است چنانچه وی این رتبه را به شخصی

به نام ولی محمدخان جوانشیر، و بعد از آن به پسرش امیر خان سپردم بود.

و در شکر نعمت واحسان این دولت ابد بپایان داستان داوران خوانند (۴۲) تیمور شاه در بالا حصار کابل خیاط خانه شاهنشاهی تأسیس نمود و خیاط های شاه بابا تا هنوز در خواندند آنها بزرگ ضرب المثل است. (۴۳)

و به امر تیمور شاه برای ابره دوزی و زر دوزی و دوختن کفش و پیزار زری و دوختن دستار به گرد گاه که مهارت خاصی میخواست و ساختن جیقه صنعتگران ماهر از کشمیر و اصفهان و تبریز استخدام شدند حسن قلی بیگ خیاط باشی خیاط خانه شاهنشاهی بالا حصار کابل بود و در سال ۱۱۹۹ فوت شد تیمور شاه به شاهزاده گان، خوانین صاحب منصبان و عمله در بار البسه رسمی مطابق معمول آنوقت خلعت میداد، و هر يك را به پوشیدن لباس رسمی مکلف میساخت.

البته تیمور شاه واحد شاه درانی ضمن سفر ها به سرزمینهای مختلف غنایم گران بها چون الماس کوه نور و تخت طاووس و غیره را بدست آورده بودند، چنانچه از فستج کشمیر دوفایده به سر زمین کابل و قندهار رسیده است :

۱- تخمه های قیمتی مبلغ یکمیز. اروپیه مسکو کات طلایی و نقره یی که به نام احمد شاه در دران ضرب دار الخلافه کشمیر از سال ۱۰۶۱ مروج گشته بود با تخمه های دیگر از قبیل ظروف، شال، قلمدان، نیل زعفران و سایر اشیای بیش بهای نفیس و نایاب و پول زیاد برای احمد شاه به قسم تخمه گسیل می داشتند.

۲- استحضار و استخدام يك تعداد علماء شعرا نویسندگان اطبا و صنعت گران از قبیل مهرکن سکه کن ضرب ابره، نقاش، خیاط ابره دوز، چکن دوز، چرمه دوز شال باف، زرگر کفش دوز، پیزار دوز، حلوا پز، قناد طباح، خواننده، نوازنده و سایر اهل کسبه بودند که از اولین فتح کشمیر به قندهار و کابل ساکن شدند کشمیر با خوش آب و هوا بودن

محل تفریح و تزیینگاه سلاطین درانی بوده است. ارباب صنعت غالباً در آنجا اقامت داشتند و در پختن اقسام حلویات و طعامها و ابره دوزی و چرمه دوزی و چرمه کاری و سیم دوزی بیشتر از سایر مردمان اشتغال داشتند و طبایخ ها و کلیچه پزها و از همین مردم استخدام میشدند . سردار عبدالله خان فوغلزایی از بزرگترین خدمائی که به امور ملکی و اجتماعی افغانستان نموده مساله استخراج و استخدام ارباب صنعت و حرفت ملك كشسیر است چنانچه سلاله های آنها تا هنوز در فن طبابت قدیم و عطاری و شیرینی پزی در قندهار و کابل به مشاغل گنشتگان شان دوام میدهند و نیز در شغل تجارت و باز رگانی مهارت شان بیشتر و تجارت افغیا پیداوار كشسیر و هندوستان را به کابل و قندهار مینمودند مردم كشسیر برای پخت و پز اقسام کباب، قیماق جای و چایداری در بازار استخدام میشدند و نظر به سوابق خدمت شان در پیشه های مذکور مورد قبول شاهان و شاهرزاده گان و سرداران افغان بودند و در فن شناخت درو و جواهر نیز معرو ف بودند .

از فتح و تصرف ملك كشسیر مفاد زیاد به افغانستان رسید، که اگر ازاد خان فوغلزایی و عبدالله الکوزائی و محمد عظیم خان بارکزائی مصلح خرابکاری ها نمیشدند افغانستان از ان ملك كشسیر مشافع بسیار بدست می آورد و همین ملحوظ است که کاپیتان ملکم نوشته است: نیل، شال كشسیری، چیت ضخیم دوا و غیره از پیداوار و تجارت كشسیر در عهد شاهنشاهی درانی بوده است که در حدود چهار ملیون عواید تجارتی به افغانستان نفخ می رسیده است. و در برابر آن واردات افغانستان را از سایر بلاد پارچه های ساتن، مخمل، ابریشم، گلاباتون العاص، یاقوت، زمرد، مروارید پارچه های زرین اصفهائی، پارچه ضخیم پارکی های مختلف، زعفران تشکیل می داد که قیمت مجموعی آن بالغ بر سی ملیون روپیه می گردید. که در بل پول نقد به افغانستان صادر می نمودند. (۴۴)

تیسور شاه در زمان زمامداری خود به ساختن چند عدد توپ موفق گردید

زمانی هم احمد شاه مردم را از بازمالیه دهی سبکدوش ساخته است چنانچه در سال (۱۱۶۸) احمد شاه به اساس يك فرمان كه در آنوقت صادر نمود، و هدفش عفو مالیات دو ساله و تعمیر قلعه ها پلها، باغها، كار و انسراها، در جوامع باير و شوارع به جهت مسافریین و مترد دین بود و متن فرمان چنین بوده است: «صادرات مملكتی و استصوائی و تحمیلات بیكار و شكاز و متوجهات و حوالات جمیعاً و تمامه الی دوسال كامل (۱۱۳۵-۱۱۳۶ ش) به ساكنان ممالك محروسه یعنی افغان، نستان، كیبر، صاف و مرفوع القلم و در خصوص این عطیه فرمانها تحریر و زود به امضا دفاتر دولتی درانی رسید:

«متممیدان اشغال واعمال و جمیع حکام و عمال غیر از مال وجهبات المستمره به علت علل معفوّه باذیال حال رعایای مستظل عدالت والا مراحم نشوید و اصلا به مطالبه وجوه مسطوره به حال هیچ فردی از افراد رعایا تعرض نکنند و این مضمون فیض مشخون را در جمیع امضا و قری علی روس الاشهاد و بر ناویر و صغیر و کبیر و صبیح و سقیم و علیل و سلیم و قوری و ضعیف و وضع و شریف بشنوند تا نبند و ورود مسعود رقم فیض توام اگر حاکمی یا محصلی از روی خود کاهی و تحریک ناتمامی و رای مال وجهبات مستمری خیه ۱۰ زرعا یا مطالبه کند اصلا ندهد، و عجا لئاً آمده عاجزا معروض گرداند تا ما مواخذ ظالم به سزای شناخت فرمائی برسند و ماثراً عدالت و نصف بالاسنیفاً ظاهر و باهر گردد درین سال همایون فال حکم قضا عز نفاذ و شرف ایراد یافت و حکام و عمال و کلانتران و کدخدایان و وریش سفیدان و لایا تغرض راه در محالات متعلقه و مضافه خود از بهر آرامش و آسایش مسافریین و مترددین غربت آثار و رفاهیت و سهولت قوافل و تجار کاروانسراها بنا سازند و در اطراف و حواشی آن باغات عظیم طرح اندازند و در هر باغ صدوسی و یک هزار و پانصد و هشتاد نهال مشر سایه دار به ترتیب پسندیده و آئین گلزیده غرس نمایند که سفر گزیدگان تعب دیده در تابش آفتاب تابان و ریزش ابرو پاران در ظلال آن اشجار بر ساینید و از فواکه و انسا کام جان را لذت دگر دانند

یکی از آنها به نام توپ «خصم افکن» یاد میشود که در سال (۱۱۷۰) هجری قمری توسط حسن خان ساخته شده است در سال (۱۱۸۵) به فرمایش تیمور شاه یکنوع توپ خاص در هرات ساخته شد عشرت شاعر آنهمه قطعه زیر را در تاریخ احداث این توپ چنین به نظم آورده

است :

تیمور شاهی که شاهی از وی شد سکه به زر چو نقش شاهی
از لنگر او عجب نبیا شد خم گردد اگر که پشت ما می
فرمود که توپ چند ریزد استاد زبهر کینه خروا می
تویی که کند به خصم عاید از آتش ودود رو سیاه می
تاریخ سوار گشتن آن عشرت ز خرد بجزو کماهی
گفتا که زعیب شد اشرار سوزنده خصم پادشاهی (۴۵)
البته این توپ شبیه توپ عندلیب، توپ زمزمه، و توپ ۱۱۸۵ چهار
یاری، و توپ زلزله بوده است، که در عصر احمد شاه ساخته شده بود
این عدد توپ طرف توصیف یکنفر شاعر این عهد به نام میرزا عبدالهادی
موسوی منشی باشی حضور تیمور شاه واقع شده است و سال اگمال
آنها به حساب جمل از نام (خصم افکن) استخراج نموده است .
نواب همایون شاه تیمور آنکه از پیش

نگیرد سره به ملک و کشور او گردن اعدا

زبس دست ستم از عدل او کوتاه بود شاید
گشاد گر غمزه دلبر به عهدش دست از یغما

خروشند گر سپاه او بوقت جنگ در میدان
فتد کوه گران را از نهیبش لرزه بر اعضا

شد امر از بهر تویی چند تاریند استادان
بخوبی از برای دفع بدانند یش بی پروا

حسن خان کرد بوجه حسن اقبال این معنی
که ریز توپ ها چون آب روی نهمه اعدا

زاقبال شه و دستور اعظم تو پنخضم افگن .

به اندك روزگاری بر سر عراده شده برپا

سر دشمنی تاریخ او چون کو فتم گفتم

اساس همتی د شمن به آواز افگند ازپا «۶۶»

علاوه از توپ سازی فن کشتی سازی در ایندوره رواج داشته است و برای بستن پل برای عبور عساکر از وسایل لازم آن دوره به شمار میرفت میزا الله و یردی خان هروی متخلص به حیرت در اوان پادشاهی تیمور شاه به هند وستان پارچه شعر ی انشاد نموده واز دوصد عدد کشتی که به امر تیمور شاه با پول هنگفتی تکمیل گردیده بود یاد آور شده است از آن میان چهارده بیت را که درباره ماده التاریخ اکمال شماری از آنها ست در اینجا می آوریم .

بوقت شاهي خاقان جمجا ه که احمد شه ندارد هیچ همسر
فروغ بخت او چون ماه خورشید زبس بگرفته است آفاق در بر
بستوریکه فرمود ست تیمور که از شهر اده والا ست گوهر
مطاع خلق شد از راه دانش مضیع از صد ق بر الله اکبر
نه تنها زیر حکم اوسیت پنجاب رقم فرماست هند و هندو کشمیر
و چو بر گنیا ت دهر آورد بست کاردان نیک اختر
تو در اکناف هندو سند بنما چو کشتی هلال بحر اخضر
به فخر نام درانی به هر جا دوصد کشتی مستحکم پیا ورد
به پیا و به راوی و به چیلیم به بحر سند و در اسفار لشکر
بکار آید به حمل مال و اقال بخوبی بگذرد عا برز معبر
چو در انجام کار شصت کشتی چه زیبا آمده تاریخ بنگر
همان تاریخ هست از طبع حیرت بدو مصراع ذیل از هر چه بهتر
بساط بحر و بر آرای حکمت هزارو یکصد و هفتاد بشمر
شهر قندهار نیز در وقت احمد شاه بابا از لحاظ موقعیت خود شهر
عاید اتی بوده است، شهر قندهار در عصر احمد شاه از جدید ترین
شهر های شرق و بادر نظر گرفتن حواصی آن عصر شکستل عصری و
قشنگ و موزونی را دارا بوده مقبره احمد شاه در همین شهر واقع بوده

و گنبد مطای آن که با میناره های زیبا و باشکوهی احاطه شده، از نقاط بعید نظر مسافرین و سیاحان را به خود جلب مینماید. همچنان اصلای حاتی که در توسعه بازارها و تسطیح جاده های این شهر به عمل آمده بود شهر را صاحب رونق ساخته بود در سمت غربی شهر بدو طرف جاده

یی که به سمت هرات می رود شهر جدید احداث شده است .
شاعر و منشی این عصر میزاهدادی متخلص به عشرت ماده التاریخ تعمیر باشکوه مقبره احمد شاه را که به سال (۱۱۹۰ هـ) در شهر قند. هارینا نهاده شده به شعرچین آورده است :

بجستم بگفتا که ای هوشیار بگو فیض آباد عالی مقام (۴۷)
یا به یک مصرع جوابم کردار رشاد هزار شاه فر دوس برین گو
ه ۱۱۹۰

شهر قندهار از نگاه زراعت و پیدائز غنی بود. تاهنگامی که تیمور شاه، پایتخت را از قندهار به کابل منتقل ساخته بود این شهر از مرکزیت خوبی برخوردار بود و مرکز بزرگ تجارته افغانستان شمرده میشد که با هندوستان از راه چین تجارت بزرگ داشت. ۴۸ است . هرات نیز که یکی از شهرهای پرسرو صدا در این سده به شمار

می رود سر زمینست حاصلخیز که مورد کشمکش ها و تصرف دوقدرت متعصب مذهبی شیبانی ها و صفویها قرار می گرفت درجه خصومت شیبانی ها با صفویهای ایران تا آنجا بود که بعد از کشته شدن محمد خان شیبانی شاه اسمعیل صفوی در کاسه سر او شراب می نوشید . هرات از نگاه ساختمان به استناد تذکره محمد رضا برنا بادی قابل توجه بوده است. نهرهای آب حمامها و گورستان برنا باد که در حقیقت موزیم سنگهای منقش و حک شده به خط کوفی، لکث نسخ و نستعلیق میباشد و در این کتاب معرفی شده است نمایانگر بزرگی و مرکزیت داشتن این شهر در آن هنگام بوده است. در باره آبادانی و وضع عمرانی این شهر پاراگرافی را از تذکره محمد رضای برنا بادی تذکره نگار مشهور این سده به گرینش می گردیم: از آنجمله هفت بنا از ابنیه خیر درین

تذکره مذکور وسطور میشود یکی حوضی است در برناباد مشهور به حوض خواجه طاهر که در مطابقت و وضع مرغوب و غلظت و لطافت آب بسیار به موقع و مثل او کم اتفاق افتاده و دیگر حمام و منبع طاهریت که آب جاری در آن چون روح در بدن ساری و هواش از کثرت لطافت و وفور

لطافت بی مانند است»^۱
 هرات سر زمین حاصلخیز و منبع عایداتی در آنوقت بوده است به طور نمونه حاصلات برنج این شهر مورد تأیید تیمور شاه درانی واقع شده است گرچه در این هنگام چای و برنج از چین و پشاور وارد می شده است اما در تذکره محمد رضا برنابادی آمده است: در هرات خوبی برنج ایشان مشهور و به خدمت بندگان تیمور شاه مذکور شده خواهش فرموده بودند سال دویست من برنج ایشان مشهور و به خدمت بنده گان شاه و الاجاه تیمور شاه به کابل پیشکش میفرستادند و باوجود خوبی برنج چینی، پشاور و تیمور شاه این برنج را تعریف نموده پسندید.^(۴۸)

وضع آشفته و ناپه سامان همراه با فشار مالی دهی در این سده به کلی محسوس بوده است. تذکره نگار مشهور این عهده محمد رضا برنا بادی درباره ظلم صاحبان قدرت و مالیه سستانی آنها چنین گفته است: نسبت به دیگر ساکنان برناباد به خانواده او و ظلم بیشتر شده است یعنی هر فرد از خانواده او مجبور به پرداخت مبلغ دوهزار تومان مالیه به دولت آنوقت بوده است از همه کسانی مالیه می گرفتند حتی از کوچیها.

برای آگاهی و درک وضع اقتصادی و رابطه مملکت و زارع در این سده پراگرافی را از این تذکره نقل می کنیم: «همه از آتش جور و ستم ظالمین کباب شده بوده ظلم از حد فزون گشته و از دیده ها خون میچکید از مردمان ذکور و اناث دور و نزدیک مسلمان و هند و یهود ارمنی زارع تاجر و کاتب همه در بدر و چون سیماب در آتش گرم اضطراب میسوختند حتی مسافرینی که در شهر وارد میشدند ازین بلا خلاصی نداشتند محمد رضا برنابادی مؤلف تذکره برنابادی از دگرگونی و نا به

شامانی شرایط متضرر شده بود خود اعتراف نموده است که جبر و ستم مالیة دهی تان جایگاه بوده است که وی گاهگاهی به نوشتن تذکره پناه می برده است و گاهی هم ترک وطن می گفت و به سرزمینهای مشهد و تربت فرار می نمود، و مدتی را به سمت معلمی و خطاطی و منشی به دربار شهزاده ملک حسین و محمد و لسی میزرا گذشتانداده است. پدر محمدرضا محمد کاظم بر نایابادی تمام اسناد دولتی تا اصلاحیت جمع آوری مالیة اسناد استفاده از زمین و غیره را در دست داشت بعداً وزیر خالصه یا وزیر مالیة مقرر گشته بود و از جمله مامورین عالیرتبه ولایت هرات در آن هنگام به شمار می رفت. وی از بابت جمع آوری مالیات صاحب جایگاه و مقامی شده بود قبل از اینکه محمد کاظم وزیر خالصه جات مقرر گردد شخصی دیگر این وظیفه را پیش می برد نام این شخص در کتاب تیمور شاه درانی میزرا ضیاء الدین ضبط گردیده است (۴۹) با تمام این نایب سامانی آموزش علم زراعت محاسبه، احصائیه در سیستم تعلیم و تربیه آنوقت جا داشته است.

حرفه ها و مشاغل دیگر در ایندوره نظر شاعران و نویسندگان را به خود معطوف داشته است و شاعران عهد میزرا ابوطالب مایل بازنسالت ممدی در باره اوضاع اجتماعی ایندوره بی تفاوت ننشاند و اشخاص صاحب کمال و صاحب حرفه را به نظر قدر نگرسته است. وی در باره یکی از داکتران حاذق و ماهر ایندوره گفته است.

ایا مسیح کمال که در حدائق طبع کینه نسخه نویسن تو چون فلاطونست
شود صحیح علیلی که بنگری سوزیش ترا شفا به اشارات خامه قانونست
هزارشکر که احوالی این صعیف حزین زد دستگیری لطف بخیر مقرونست (۲)
محمد رضا تذکره نگار دقیق و ژرف نگار این عهد باوجود اینکه از خاتواده های نسبتاً مرفه آنروز کار برده است از پریشانی حال و احوال خویش چنین گفته است :

نمودم پنجه و شش سال عمر خویش را ضایع
با فـعال عبث از کثرت اغـفا لـونادانی

به تحصیلی سرو سامان گشایم رنج بی پایان

کنون با این همه سعیم باین بیسرو سامانی

وزارت مالیه و خالصجات دواین دوره از جهتی مورد توجه دولت
آنوقت بوده است که باید این وزارت معصارف جنگها و لشکر کشی ها را
تأحدی می پرداخت. مالیه ستانی شکل اجباری را داشت و اگر شخصی
از تادیه مالیه نقد ابا می و درزید باید جنس و یا مواد خوراکه می پرداخت.



فهرست مآخذ

- ۱- بینوا، عبدالرؤف، هوتکی‌ها، کابل: ۱۳۳۵ .
- ۲- تنلر، فرایزر، انکشا فاک‌سیسی در افغانستان (ترجمه عبدالوهاب فنایی). کابل: ۱۹۴۱ .
- ۳- جاوید، عبدالاحد، سخنسرایان افغانستان. کابل ۱۳۳۲-۱۳۳۵ .
- ۴- جنگی قلمی (نام نهاده محترم فوفلزی به نام گلسته عشرت) زیر شماره ۲۳۷۴۹ محفوظ در آرشیف ملی افغانستان .
- ۵- حبیب، اسدالله، نگاهی به ادبیات معاصر افغانستان، سالنامه کابل شماره های (۴۶-۴۵)، ۱۳۵۹ .
- ۶- حبیبی، عبدالحی، تاریخ مختصر افغانستان: ج ۲، کابل: ۱۳۴۹ .
- ۷- حسینی، منشی محمود، تاریخ احمدشاهی: ج (۱-۲)، مسکو: ۱۹۷۴ .
- ۸- خسته، خال محمد، یادی از رفگان. کابل: ۱۳۴۴ .
- ۹- خلیلی، خلیل الله آثار هرات جلد (۱-۲)، ۱۳۰۹ .
- ۱۰- رشتیا، سید قاسم، مختصر تاریخ افغانستان. کابل: ۱۳۳۳ .
- ۱۱- رضا بزآبادی، تذکر، محمد رضا مسکو: ۱۹۸۴ .
- ۱۲- ژوبل، محمد حیدر نگاهی به ادبیات معاصر در افغانستان کابل: ۱۳۳۷ .
- ۱۳- سلطان محمد خان، تاریخ سلطانی. بمبئی: ۱۲۹۸ .
- ۱۴- سیستانی، محمد اعظم، برخی از جنبش های دهقانی در افغانستان آریانا: ش ۲، ۱۳۶۵ .
- ۱۵- شهاب، عبدالله، دیوان قلمی شهاب ترشیزی. به خط فیض محمد کاتب، زیر شماره ۲۳۷۴۹ محفوظ در آرشیف ملی .
- ۱۶- عبدالاکریم بخارینی، تاریخ آسیای میانه (ترجمه موسیوشیفر)

امستر دام: ١٩٧٠ .

١٧- عظامحمد شکار پوری، تاز و نوای معارف . تصحیح و تحشیه و تعلیق، عبدالحي حبیبی . کراچی: ١٩٥٩ .

١٨- علی قلی میرزا، اعتضاد السلطنه، وقایع و سوانح افغانستان غبار، غلام محمد، خراسان. کابل: ١٣٣٦ .

٢٠- غبار، غلام محمد، احمدشاه بابا. کابل: ١٣٢٣ .

٢١- غبار، غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ. کابل: ١٣٤٦ .

٢٢- گندا سنگم، درانی احمدشاه (ترجمه نصرالله سوبین)، کابل: ١٣٦٥ .

٢٣- لطیفی، عبدالباقی، «افغانستان و یک نگاه اجمالی به اوضاع و شئون مختلفه و حالات عمومیت مملکت مذکور». کابل: ١٣٢٥ .

٢٤- مایل هرزی، رضا، میرزایان برناباد . ١٣٤٨ .

- ٢٥- مایل هرزی، رضا، منتخب اشعار ارشد . ١٣٤٨ .

٢٦- مایل هرزی، رضا، دیوان دارا. هرات: ١٣٥٠ .

٢٧- م. ز. ارونووا، دولت نادر-شاه افشار. ترجمه: حمید مومنی

تهران: ١٣٥٢ .

٢٨- محمد رضا برنا بادی، تذکره محمد رضا برنابادی. به سعی

و اهتمام ن. ن. ، تومائوئچ، مسکو ١٩٨٤ .

٢٩- محمد کاظم، نامه عالم آرای نادری. ج ١: مسکو: ١٩٦٢ .

٣٠- مولائی، محمد سرور، برگزیده شعر معاصر افغانستان .

تهران: ١٣٥٠ .

٣١- وکیلی فوفلزاری، عزیزالدین تاریخ احمد شاه .

٣٢- وکیلی فوفلزاری، عزیزالدین دره الزمان. کابل: ١٣٣٧ .

٣٣- وکیلی فوفلزاری، عزیزالدین تیمور شاه، ج (١-٢)، کابل

. ١٣٤٦

٣٤- یو.و. گانکو فسکی، ددرا نیانو امپراتوری (ترجمه گل محمدنورزی)

کابل: ١٣٥٧ .

بخش اول

سخنپرو دازان - سرچشمه‌ها

۱- آ

آبرو میان نجم الدین (۱۱۴۶هـ).

تذکره فارسی گوشهرای اردو عبدالرؤف عروج، ۱۹۷۱، ص ۱۲.
آثم (متوفی ۱۱۵۲هـ) (۵۰)

- نتایج الافکار: محمد قدرت‌الله بیبی: ۱۳۳۶، ص ۱۱۵۲.
- شمع انجمن. سید محمد صدیق حسن بهادر، پهبوال: ۱۲۹۳، ص ۶۳ (به نقل از فرهنگ سخنوران داکتر خیامپور، تبریز: ۱۳۴۰ ص ۲).

آرزو (متوفی ۱۱۶۹هـ).

- شمع انجمن به اهتمام صدیق حسن: پهبوال: ۱۲۹۲ ق، ص ص ۴۳-۴۴.
- سرو آزاد. غلام علی آزاد بلگرامی، هند. (۱۱۶۶هـ). ص ص ۲۳۱-۲۲۷
- تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران پروفسور عباس مهرین شوشتری، تهران: ۱۳۵۲.

آزاد

محمد خان (متوفی ۱۱۹۷هـ) .

- روز روشن ، مولوی محمد مظفر حسین صبا ، تصحیح و تفسیر رکن زاده آدمیت ، تهران :

- شمع انجمن . به اهتمام مصطفی حسن ، ۱۲۹۳ ق ، ص ۱۳۲ آذربیکدلی .

(متوفی ۱۱۹۵) .

- مجمع الفصحا . رضا قلیخان (۱-۶) - ۱۳۳۶ ، ص ص ۱۵۹-۱۶۴ .

- شمع انجمن صدیقی حسن ۱۲۹۳ ص ۶۵ .

- شعراي کثیر ، محمد اصلح میرزا ، گرد آورده سید حسام الدین راشدی بخش اول : ۱۳۴۶ ، ص ۷ .

- عقد ثریا ، غلام همدانی مصطفی هدایت ، به کوشش مظاهر مصفا (۱-۶)

- به خط مولانا خسته ، ۱۱۹۹ هـ ق نسخه دستنویس متعلق به کتابخانه پوهاند دوکتور جاوید : ص ۱۴ .
آشفته .

میرزا محمد صالح بن محمد زمان کابلی (متوفی ۱۱۷۲) .

- سبکینه الفضلا . عبدالحکیم رستاقی ، به اهتمام عبدالغنی بلخی ۱۳۵۰ هـ ، ص ۵۲ .

- روز روشن . محمد مظفر حسین صبا ، به تصحیح و تفسیر رکنزاده آدمیت ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۹ .

- سخن سرایان افغانستان از آغاز قرن ۱۲-۱۴ هجری ، احمد جاوید کابل : (۱۳۳۴-۱۳۳۵ هـ) ، ص ۱۶ .

- آریانا دایرة المعارف . ج ۳ کابل : ۱۳۴۸ ، ص ۸۰۳ .

- آریانا . ش ۱۱ : ص ۲ ، ۱۳۲۳ ص ۵۲ .

آشنا .

سید جلال الدین هروی .
باغ معانی، نقش علی، تصحیح وتر تیب عابد رضا بیدار، پتنه، ص

۱۲ .

اصفجاه .

(متوفی ۱۱۳۷هـ) .

- خزانه عامره. میر غلام علی آزاد بلگرامی ، کانیپور : ۱۸۷۱، صص

۳۹-۳۵ .

نتایج الافکار. محمد قدرت الله گوپا موی ، بمبئی: ۱۳۳۶ ص ۱۱۶۱ .
سفینه هندی، تذکره شعرا ی فارسی، بهکوان داس هندی ، پتنه: ۱۹۵۸

صص ۷-۸ .

- شمع انجمن. به اهتمام صدیق حسن، ۱۲۹۳ ق، صص ۳۵-۳۶ .

آفرین .

فقیر الله (متوفی ۱۱۵۴ هـ) .

- نتایج الافکار. محمد قدرت الله گوپا موی بمبئی: ۱۳۳۶، ص ۱۲۵۴ .

- شمع انجمن . به اهتمام صدیق حسن، ۱۲۹۳ ق، ص ۳۴ .

- نسخه خطی ریاض الشعرا. واله داغستانی محفوظ در آرشیف ملی

صص ۱۲۲-۱۲۳ .

- سفینه هندی تذکره شعرا ی فارسی بهکوان داس هندی پتنه

۱۹۵۸ ع ، ص ۱ .

آگاه .

افغان .

- سکینه الفضلا ، عبد الحکیم رستاقی به اهتمام عبدالغنی بلخی

۱۳۵۰ هـ .

آگاه .

محمد کاظم شیخ محمد صلاح در سال ۱۱۴۰ هـ: میزیست .

تذکره فارسی گو شعرای اردو، عبدالرؤف عروج ، ۱۹۷۱ع، ص. ۹.

- شمع انجم. صدیق حسن ۱۲۹۳، ص ۱۲ .

ابراهیم .

فرخاری، (متولد ۱۰۸۷- متوفی ۱۱۶۵) .

آریانا دایرة المعارف ج. ۳، کابل: ۱۳۴۸، ص ۷۹۸ .

- تاریخ ادبیات افغانستان. محمد ابراهیم صفا، ص ۳۰۶- ۳۱۰.

ابوالمنصور خان . (در ۱۱۵۶ هـ میزیست) .

خزانه عامره. میر غلام علی آزاد بلگرامی کا نیور : ۱۸۷۱، ص ص

۷۷-۷۶ .

اثر .

شفیعی (متوفی ۱۱۲۰) .

- سرو آزاد، غلام علی آزاد بلگرامی هند: ۱۱۶۶ هـ، ص ص ۱۴۲-۱۴۳ .

- صخف ابراهیم (تذکره شعرای فارسی) علی ابراهیم خلیل، تصحیح

و ترتیب، عابد رضا بیدار پنه ۱۹۸۱ ع ۱ ص ۶ .

اجمل شاه .

(متولد ۱۱۶۱- متوفی ۱۲۳۶) .

- روز روشن، محمد مظفر حسین صبا به تصحیح و تحشیه رکن

زاده آدمیت تهران : ۱۳۴۳، ص ۳۱.

احمد شاه درانی .

- تاریخ ادبیات افغانستان. محمد ابراهیم صفا، تهران: ۱۳۴۷، ص ص

۳۱۸-۳۱۷

- خزانه عامره. مير غلام علي آزاد بگلگرافي، کانيپور : ١٨٧١، صص ٩٧-١٢٢ .
- داحمد شاه بابا دديوان غورجان، عبدالشکور رشاد، کابل: ١٣٥٧ (در صفحه ١٢٣ اين کتاب آمده است که احمد شاه بابا به زبان دري صرف پک رباعي دارد .
- تاريخ احمد شاهي. محمود الحسيني المنشي، ٢-١، مسکو : ١٩٧٤ .
- داحمد شاه بابا داشمارو پښتو شرح، خانلوم، کابل: ١٣٥٦ .
- پښتانه شعرا. عبدالحی حبيبي ج ١-٢، کابل: ١٣٣٠ .
- لوی احمد شاه بابا. عبدالحی حبيبي کابل . ١٣١٩ .
- فرهنگ زبان واد بيات پښتو، زلمي هيواد مل، کابل: ١٣٥٦ صص ٢٠-٢١ .
- احمد کابلي .
- احمد خان
- سخن سرايان افغانستان. احمد جاويد کابل (١٣٣٤-١٣٣٥ هـ) ص ١٨ .
- آريسانا دايرة المعارف ج ٣ کابل: ١٣٤٨، صص ٨٠٤ .
- سکينة الفضلا عبدالحکيم رستاقي به اهتمام عبدالغني بلخي، ١٣٥٠ صص ٥٣ .
- فرهنگ سخنوران، خيامپور ص ٣٠ .
- احمد عبرت .
- (متوفا ١١٢٥) .
- نتايج الافکار. محمد قدرت الله کويابا موي، بمبئي : ١٣٣٦، صص ٤٩ .
- احمدی .
- شمع انجمن، صديستق حسن ١٢٩٣ ق، صص ٥٣ .

اخگر.

میرزا عرب محمد ولد رشید میرزا سعید. مقارن ۱۱۰۹ میزیت .
- مذاکر الا صحاب، محمد بدیع ملیحای سمر قندی : نسخه خطی
موجود در کتابخانه اکادمی علوم افغانستان .

ادای بلخی (متوفای ۱۱۰۲) .

- آریانا دایرة المعارف. ج ۳، کابل : ۱۳۳۵، ص ۷۹۵.

- مذاکر اصحاب ، ملیحای سمرقندی، ص ۲۵ .

ارشد هروی .

میرزا محمد (متولد ۱۰۲۵-متوفای ۱۱۱۴ هـ) .

- سخن سرایان افغانستان آغاز قرن ۱۲-۱۴ هجری. احمد جاوید
کابل. ۱۳۴۰-۱۳۳۵ هـ ص ۱-۵. آریانا دایرة المعارف ج ۳، کابل:

۱۳۳۵، ص ۷۹۶ .

- تاریخ ادبیات افغانستان. محمد ابراهیم صفا، تهران. ۱۳۷۴، صص
۳۱۷-۳۱۶ .

روز روشن. محمد مظفر حسین صبا تهرانی : ۱۳۴۳ ص ۴۵ .

- مجله کابل. ش. ۳۷، ۱۹۴۳، صص ۳۵ - ۴۰ .

- آثار هرات. افغان. مطبعه فخری، ۱۳۰۹-۲، ص ۴۲۵ .

ازل

محمد امین جودت (متوفای ۱۱۳۵) - شمع انجمن . صدیق حسن
۱۲۹۳، ص ۶۱ .

اسحق .

خان شوشتری (متوفای ۱۱۵۲) .

- شمع انجمن. صدیق حسن، ۱۲۹۳، ص ۵۶ .

اسلام بلخی .

- سخن سرایان افغانستان. احمد جاوید کابل. ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ هـ ص

۲۱.

- آریانا دایرة المعارف. ج ۳ کابل: ۱۳۴۸، ص ۷۹۸ .
اشتیاق .

شاه ولسی الله (در ۱۱۵۵ هـ می زیست) .

- تذکره فارسی گو شعرای اردو عبد الرووف عروج، ۱۹۷۱، ع ص ۱۳
اشرف ، ملا محمد سعید.

- نتایج الافکار . محمد قدرت الله، بمبئی : ۱۳۳۶، ص ۵۵.

- سر خوش . محمد افضل به اهتمام حافظ محمد عالم لاهور:

(۱۹۴۲-۱۹۴۷) صص ۷-۸

صحف ! ابراهیم تا لیلی علی ابراهیم خان خلیل ، تصحیح و ترمیم
تیب عابد رضا بیدار پتنه : ۱۶۸۱ ع. ص ۹.

اشرف میرزا (اشرف فرزند میرزا عبد الحسیب ۱۱۳۳) .

- تذکره خزینة شیخ محمد علی خزینة لاهیجی اصفهان: ۱۳۳۴، ص

۵۷-۵۶

- شمع انجمن صدیقی حسن، ۱۳۹۳، ص ۶۲

اصلی کابلی ، ملا

در آوا آخر قرن دوازدهم هجری می زیست و معاصر مرزا عصمت

کابلی است.

- آریانا ، ش ۷، ص چهارم ۱۳۳ صص ۲۵-۳۰

اعجاز محمد سعید.

(متوفا ۱۱۱۷)

- نتایج الافکار محمد قدرت الله گوپا موی بمبئی . ۱۳۳۶ ص ۵۶

اعظم - افغان

- سکیه الفضلا عبدا لحکیم رستاقی، به اهتمام عبدا لغنی بلخی:

۱۳۵هـ، ص ۵۵.

— روز روشن . محمد مظفر حسین صبا تهران : ۱۳۴۳ ، صص ۶۱-۶۲
افتخار بخاری ، عبد الوهاب (دز ۱۹۰ هـ ، می زیست)

— شمع انجمن . صدیق حسن ، ۱۲۹۴ ق ، صص ۱۲

— تذکره فارسی گو شعراى اردو عبد الوروف عروج ۱۹۷۱ ع ، صص ۴۰ ،
افغان کابل ، قاضی محمد صادق

— سکنیه الفضل عبدالحکیم رستاقی ، به اهتمام عبد الفتی بلخسی ،
۱۳۵۰ هـ ق ، صص ۵۴ .

افتقر محمد فیض الله در ۱۱۳۲ می زیست .

— روز روشن . محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، صص ۶۸
افضلای شیخ محمد ناصر (متوفای ۱۱۶۳)

— سرو آزاد . غلام علی آزاد بگرا می حیدر آباد : ۱۹۱۰ ، صص ۲۱۹-
۲۲۰ .

— تذکره حسینی ، میر حسین دوست سنهلی ، لکنهو ، ۱۲۹۲ صص ۴۵-
— شمع انجمن صدیق حسن ۱۲۹۳ صص ۳۷-۳۸ .

— نتایج الافکار محمد . قدرت الله گویا موی ، بمبئی ۱۳۳۶ صص ۷۳-۷۴
المکمل بد خشى المکمل الدین محمد بیگ (متوفای ۱۱۴۱)

— شعراى کشمیر . محمد اصلح میرزا ج ۱۰ صص ۱۰۷-۱۱

— ایران صغیریا تذکره شعراى پارسی زبان کشمیر تهران : ۱۳۵

صص ۱۶۴-۱۶۵

الف — میرزا عارف بیگ معروف به الف بیگ بد خشا فی

— سفینه خو شکو تذکره شعراى فارسی بنادر این داس خو شکو ریتنه

۱۹۰۹ صص ۳۰۰

الفتی کا بلی قلیچ خان .

— سخن میرایان افغانستان احمد جاوید کابل ، ۱۳۳۵ هـ . صص ۱۶

- سکنیه الفضلا ، عبد الحکیم-رستا قی به اهتمام. عبدا لفتی بلخی
۱۳۵۰ هـ صص ۵۲-۵۳ .

البهام (متو فا ۱۱۰۰)

نتایج الافکار . محمد قنوت الله بیدی ۱۳۳۶ هـ ص ۵۳

املاى بلخى - ملا محمد ی بن ملا علاوالدين (متو لد در سنگچارک ۱۱۰۰

متوفا ۱۱۶۲ هـ) (۵۱)

-سخن سرا يان افغا نستان. احمد جاوید کابل ۱۳۳۵ هـ ص ۳۱

-آریا نا دایره المعارف ج ۳ کابل ۱۳۴۸ هـ ص ۸۰۳

-دیوان خطی املاى بلخى. مربوط کتابخا نه پو ها ند جاوید .

-عائز بلخ مو لانا خسته نسخه تاییی کتابخا نه عامه ص ۳۶۸ .

امید محمد رضا (متو فا ۱۱۵۹)

-شمع انجمن صد یق حسین ۱۲۹۳ ص ۱۲

-نتایج الافکار . محمد قنوت الله بیدی ۱۳۳۶ هـ ص ۶۳

-سفینه هندی بهگون داس هندی پتنه : ۱۹۵۸ ع ص ۷-۶ .

امید قز لباش خان در سال ۱۱۴۸ هـ به دهلی مراجعت کرد (۵۲)

-نسخه خطی ریاض الشعرا-محموظ در آرشیف ملی صص ۱۲۵-

۱۲۷ .

-عقد نر یا تذکره فار سی گویان تالیف غلام هدا نی مصحفی بدقلم

مولانا خسته ۱۱۹۹ هـ ق. ص ۷

امید بلخی میرزا نیاز (متو فا ۱۱۵۵)

-سخن سرايان افغا نستان . احمد جاوید کابل ، ۱۳۳۵ ص ۲۱

-آریا نا دایره المعارف ج ۳ کابل ۱۳۳۵ هـ ص ۷۹۸ .

- صبح گالشن. سید علی حسن خان بظا ری هنلو ستان، ۱۲۹۵ هـ ص

۳۸ .

- الذریقه قصا نینف السبعه، ج ۹ بخش اول صفحه ۹۶ نقل از فرهنگ

سخنوران ص ۵۹

(امین مو لا نا احمد (متو لد ۱۱۱۴-متو فا ۱۱۷۶)

روز روشن ، محمد مظفر حسین صبا تهران ۱۳۴۳ صص ۸۳-۸۵

امین خوا چه امین الدین (در ۱۹۹۹هـ ، می زیست)

- تذکره فارسی گو شعراى اردو عبدالرؤف عروج ۱۹۷۱ ع.ص ۷

امیر افغان . علی محمد خان

- سبکینه الفضلاعبدا لحکیم رستاقی ۱۳۵۰ ه.ص ۵۵

انتخابی وردی بیگ.

- باغ معانی مؤلف نقش علی تصحیح وتر تیب عابد رضا بیدار

پتنه ص ۱۰ - امیر بهادر خان (متو فا ۱۱۵)

انجام کا بلی.

نسخه خطی ریا ض الشعـــــر محفوظ در آرشیف ملی صص ۱۳-۱۴۹

- تذکره حسینی، میر حسین دوست سنه بلی لکنهو : ۱۲۹۲ صص ۴۶-۴۷.

صبح گلشن سید علی حسن، بخاری ، هند: ۱۲۹۵، صص ۴۲-۴۳.

- الذایعه الی تصانیف الشیعه جلد ۹ بخش اول، صص ۱۰۶

- نتایج افکار محمد قدرت الله گویا موی، بمبئی ۱۳۳۶ صص ۶۱-۶۲

- سفینه هندی بهگوان داس هندی پتنه: ۱۹۵۸ ع، صص ۷

انسان اسد یار خان (۱۵۸هـ)

- تذکره فارسی گو شعراى اردو عبدالرؤف عروج ۱۹۷۱ ع، صص ۱۶

روز روشن مظفر حسین صبا، تهران . ۱۳۴۳ ، صص ۸۸

- فرهنگ سخنو ران، خیا میور، صص ۶۵

انصاری کابلی سعد الدین احمد (متو لد ۱۱۴۰- متو فا ۱۲۲۵)

تاریخ ادبیات افغانا نستان. محمد ابرا هیم صفا صص ۳۲۲

- تیمور شاه درانی، عزیز الدین و کیلی فونلزا بی ج دوم انجمن تاریخ
۱۳۴۶ ص ۴۱۷.

- کلیات شورش عشق سعدالدین احمد انصاری در مجموعه
دستنویسها به شماره ۳۹۶ در تاجیکستان شوروی محفوظ است.

- یمکورد بزرگ مجید ابراهیم خلیل کابل: ۱۳۳۰
انند رام رای (متولد ۱۱۱۱)

- بزم تیموری، سید صباح - الدین عبدالرحمان ۱۹۴۸
- ایجاد غزنی میر محمد احسن ۱۱۳۳

- شمع انجمن، صدیق حسن ۱۲۹۳، ص ۲۸-۲۷
- التریعه، ج ۹ بخش اول، ص ۱۱۴.

- سفینه خوشگو تذکره شعرای فارسی بندر اینداس خوشگو
پننه: ۱۳۷۸ ه. صص ۹۶-۹۸

- خزانة عامره میر غلام علی آزاد بلگرامی کانیپور: ۱۸۷۱، ص ۲۸

- سرو آزاد، غلام علی آزاد بلگرامی هند: ۱۱۶۶ صص ۲۴۰-۲۴۱

- تذکره شعرای پنجاب خواجہ عبدالرشید، کراچی ۱۳۴۶

- سفینه هندی بهگوان داس هندی، پتنه ۱۹۵۸ ع

- کلیات الشعرا محمد افضل سرخوش، لاهور ۱۹۴۲، ص ۹۸.

ایما

- شمع انجمن صدیق حسن، ۱۲۹۳ ص ۱۴.
امیر مسعود، کابل

- سفینه الفضلا، عبدالحکیم رستاقی ۱۳۰۰ ه، ص ۱۰۳.
ایمن احمد، قلی خان (متولد ۱۱۵۱)

- سفینه خوشگو، بندر اینداس خوشگو پتنه ۱۹۵۹، ص ۲۵۶.
فرهنگ سخنی ران، ص ۷۲

پدیع سز واری

- ضمع انجن صديق حسن ، ۱۲۹۳، ص ۸۰.

- تذکره شعرا محمد طاهر نصرآبادی ، تهران: ۱۲۱۷، ص ۱۰۱.

- آتشکده لطفعلی بیگ آذربایبی: ۱۲۷۷، ص ۸۳.

- صبیح گلشن ، سید علی حسن، هند: ۱۲۹۵، ص ۸۳.

- فرهنگ سخنو ران ، ص ۸۱.

بلبل، ملا اشرف دایری (متولد ۱۰۹۴ هـ. ۱۱۶۹)

تذکره شعراي کشمیر، گردآورده سید حسام الدین را شندی،

ج اول ۱۳۴۶، صص ۱۳۵-۱۳۶

- فرهنگ سخنو ران، خیا میور، ص ۸۸.

بها بلخی

ملایبها الدین (متولد ۱۱۸۰ هـ متوفای ۱۲۴۸)

- تذکره شعراي کشمیر گردآورده سید حسام الدین را شندی ، ج اول ۱۳۴۶، صص ۱۳۶-۱۳۷.

بیختر ، میر عظمت الله

- خزانة عامره میر غلام علی آزاد کانیپور : ۱۸۷۱، ص ۱۶۷.

- سفینه هندی، بهگوان دا س هندی، پتنه : ۱۹۵۸ع صص ۳۰-۳۱

- فرهنگ سخنوران ص ۹۵.

بسمل بد خشا نی ، میر محمد یو سف خان بن میر امام ۱۱۳۷.

- صبیح گلشن . سید علی حسن خان هند، ۱۲۹۵ ص ۶۰

- قاموس الاعلام، شمس الدین صبا تهران : ۱۳۴۳ ص ۱۲۰.

- الذریعه جز ۹ بخش اول ص ۱۳۶-۱۳۷

بیختر ، خواجه عبدا لمجید (متوفای ۱۱۹۰ هـ)

روز روشن . محمد مظفر حسین صبا تهران: ۱۳۴۳ ص ۱۳۹.

- سخن سرايان افغان نستان، احمد جاوید ، کابل: ۱۳۳۵ هـ، ص ۳۲

- آثار هرات ، افغانستان ۱-۳ ، ۱۳۰۹ ، صص ۱۱-۱۸
- تذکره شعرای پنجاب، سرهنگ خواجہ عبدالرشید کراچی: ۱۳۴۶، صص ۸۰-۸۱.
- بیدل (متو لد ۱۰۵۴-متو فمیا ۱۱۳۳).
- نتایج الافکار . محمد اللہ گویا حوی بمبئی : ۱۳۳۶ ، صص ۲۹۴-۳۰۳
- تذکرہ سر خوش . محمد افضل بہ اهتمام حافظ محمد عالم لاہور ۱۹۲۷
- ۱۹۴۲ صص ۱۴-۱۵
- سفینہ خوشگو ، بندر این داس خوشگو ، پتنہ : ۱۹۵۹ ، صص ۱۰۸-۱۰۳
- صحف ابراہیم ، مولف : علی ابراہیم خان خلیل ، تصحیح وتر-تیب از عابد رضا بیدار پتنہ : ۱۹۸۱ ع، صص ۲۴-۲۶.
- مجموع النفایس . مولف : سراج الدین علی خان آرزو تصحیح وتر-تیب : عابد رضا بیدار پتنہ ، صص ۲۰-۳۰.
- مقامات منتخبہ دانشکدہ خاور شناسی ، ص ۱۶۱
- تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران ، تهران : ۱۳۵۲-
- صص ۱۲۶
- خزانہ عامہ میر غلام علی آزاد بلکرامی کانپور : ۱۸۷۱ د ، صص ۱۵۳
- ۱۶۷
- ریاض الما . فین ، رضا قلی ، ہدایت ، تهران : ۱۳۱۶ ص ۷۰.
- سرو آزاد . غلام علی آزاد بلکرامی ، صص ۱۴۸-۱۵۴.
- تذکرہ شعرای پنجاب، خواجہ عبدالرشید ، کراچی : ۱۳۴۶،
- صص ۸۰-۸۲
- آریانا، مزار حضرت میرزا عبدالقادر بیدل سید محمد داود : حسین ش. ۱۴۰۱ . ۱۳۳۵-صص ۱۷-۱۸.

— شرح طور معرفت بیدل، امیرمحمد الیرجی، ج اول، به اهتمام صالحه ساعی، کابل: ۱۳۵۶، بخشی از این کتاب در شماره های سال ۱۳۵۲ مجله هرات چاپ شده است.

— غزلیات (تا احرف دال) میرزا عبدا لقادر بیدل به امر حبیب الله کابل: ۱۳۲۴ ق.

— کلیات میرزا عبدا لقادر بیدل، ج ۳ کابل: ۱۳۰۰.

— نظریات فلسفی میرزا بیدل ابراهیم مو من اوف (این کتاب در

جلد دوم آثار منتخب ابراهیم مو من اوف در سال ۱۹۶۹ در تاشکند چاپ شده است.

— سیر المنازل میرزا سنگین بیگ (به ترجمه داکتر شریف حسین قاسمی به زبان اردو) دهلی: ۱۸۵۲.

— میرزا عبدا لقادر بیدل الیاس نظام الدین اوف تاشکند: ۱۹۷۰.

— فیض قلم، یکی از فضلی کشور، کابل: ۱۳۴۴.

— منتخب الزمان (در ترجمه حال ابوالعلا فی میرزا عبدا لقادر بیدل) مولینا خال محمد خسته، ژوئیه: ۱۳۴۲.

— بیدل چه گفت، فیض محمد زکریا، تهران: ۱۳۳۴.

— روح بیدل، عبدا لغنی، لاهور: ۱۹۶۹.

— بیدل و منظومه عرفان خالده عینی ستارین آباد: ۱۹۵۶.

— میرزا عبدا لقادر بیدل به زبان تاجیکی (دری و رسم الخط کورلسی

بر گردان به الفبای دری توسط ضیا قاری زاده) صدرالدین

عینی البته بر گردانی این کتاب تاکنون به زیور چاپ آراسته نشده

است.

— بیدل در یک مجلس، فطرت مسکو: ۱۹۲۳.

— مختصر افکار بیدل، فیض محمد زکریا، کابل: ۱۳۳۲.

— برگزیده غزلیها، محروم رسول، کمال عینی، دوشنبه: ۱۹۸۴.

— هرقع دهلی در گاه قلی خان، تصحیح و ترجمه از داکتر نورالحسن

انصاری دہلی: ۱۹۸۲.

— یاد بیدل، محمد حیدر ژوبل این کتاب درش ۷، س. ۲۰، ۱۳۳۰ع

فان چاپ ششم است.

— تاریخ ادبیات افغانستان، محمد حیدر ژوبل، کابل: ۱۳۳۶.

— افکار شاعر، صلاح اللہ یمن سلجوقی کابل: ۱۳۳۴

— آریانا، آرامگاه حضر ت بیدل، ش ۷ دوره ۱۴، ۱۳۳۰، ص ۱۴.

— آریا نا، بیدل از افغانستان است، محمد طاهر بدخشی، ش ۱.

دوره ۱۲، ۱۳۴۴.

— آریانا ماخذ جدید در موضوع میرزا عبدالقادر بیدل محمد

داود حسینی، ش ۱۱، دوره ۱۴، ۱۳۳۰.

— آریانا خانوادہ بیدل، خال محمد خسته، ش ۱، دوره ۲۹،

۱۳۴۹.

— آریا نا عرس بیدل محمد ابراهیم خلیل، ش ۱-۱۲، دوره ۹-۱۳۳۹

۱۳۳۰.

— آریا نا اظهار نظر در مورد آریا-مگاه بیدل، محمد ابراهیم خلیل

ش ۱۲، دوره ۱۴، ۱۳۴۴.

— آریا نا وصف بیدل از زبان خود ش، نصر الله رستا قی، ش ۷

دوره ۹، ۱۳۳۰.

— آریا نا بیدل، باقی طلوع، ش ۴ دوره ۱۲

— آریا نا در اطراف آریا مگاه بیدل محمد ابراهیم عالیشان قی، ش ۱۲

دوره ۱۴.

— آریا نا شری در احوال بیدل الجبھی نراین شفیق ش ۳ دوره ۲۸.

۱۳۴۹.

— آریانا، چهار عنصر یکی از فضلالی کشود، ش (۱-۱۱-۱۲)، س ۱۲،

۱۳۳۳.

- آيينه عرفان، ميرزا عبدالقادر بيدل قارى عبدالله، ش (۱۰۹-۱۱)، ۱۳۱۱.
- ادب وصف طبيعت در اشعار بيدل بو سنانى شمس، دوره ۱۳، ۱۳۴۴.
- ادب، نظريات يك ارو پاينى دو باره بيدل بو سنانى، ش ۴، دوره ۱۳، ۱۳۴۴.
- ادب. ملاحظاتي در باره رياليزم بيدل بو سنانى، ش ۴، دوره ۱۳، ۱۳۴۴.
- ادب بيد لشتنا سى در اتحاد شوروى اسد الله حبيب، ش ۶-دوره ۲۱، ۱۳۵۲.
- ادب ميرزا عبدا لقادر بيدل و افغا نستان سيد محمد داودالحسينى ش ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸، دوره ۱۷، ۱۳۴۸.
- دوره ۱۹، ۱۳۴۷، و ش ۱-۵، دوره ۱۷، ۱۳۴۸.
- ادب يادى از بيدل، محمد حسين راضى، ش ۴، دوره ۱۳، ۱۳۴۴.
- ادب. ميرزا غالب و مكتب ميرزا بيدل، رضوان حسين، ش ۴، دوره ۲۳-۱۳۵۴.
- ادب. بحنى در احوال و آثار بيدل مير حسين شاه (مترجم) ش ۵-۶، دوره ۱۹، ۱۳۵۰.
- انيس. علاقه شاهان و مردم افغانستان راجع به شخصيت و آثار بيدل.
- عزيز الدين و اكلى فوفلزايى، ش (۱۵-۱۰)، س ۱۹۷۰.
- كابل. سبك هند و مكتب بيدل، عبدا لحي حبيبى، ش ۱، دوره ۴، ۱۳۱۳.
- كابل. ميرزا عبدالقادر بيدل. قارى عبدالله، ش ۴، ۱۳۱۰.
- كابل. شاعر و فيلسوف شرق ميرزا عبدالقادر بيدل در نظر غرب،

محمد یعقوب (مترجم) ش ۴، ۱۳۱۱.

- خراسان، واژه‌گان، تعبیرات و اصطلاحات عامه در شعر بیدل، عارف

پژمان، ش ۱۹، ۱۳۶۳.

- عرفان. بیدل و بهارستان شعرا، عارف پژمان، ش ۶، دوره ۶۰-۱۳۶۱.

۱۳۶۱.

- عرفان. روزهای آخر زنده‌گانی و مرگ بیدل محمد داود حسینی،

ش ۲، دوره ۲۲، ۱۳۳۷.

- عرفان. دوشعر بیدل، محمد اسماعیل سابق، ش ۴، ۱۳۳۱

- عرفان. وفات بیدل. غلام سرور گویا اعتمادی، ش ۸، ۱۳۳۵.

- وحید. روابط ادبی ماوراءالنهر افغانستان و سند در زمینه گسترش

مکتب ادبی بیدل ش ۲، س ۱۳، ۱۳۵۴.

- هنر عرش سخن، میر نعمت‌الله، ش ۵، دوره ۴، ۱۳۶۰.

- هرات. بیدل صاحب‌دل، احمد صدیق، حیا، ۱۳۵۴.

- عقد ثریا. شیخ غلام همدانی مصحفی، به قلم خسته، ص ۱۹-۲۰.

- نقد بیدل. صلاح الدین سلجوقی، کابل ۱۳۴۳.

- کلیات بیدل. میرزا عبدالقادر، ج ۱-۲، کابل: ۱۳۴۱.

- ربا عیات ابوالعناسی میرزا عبدالقادر بیدل، کابل: ۱۳۴۲.

- بیدل خواجه عبدالله اختر، لاهور: ۱۹۵۲، ع.

- احوال و آثار میرزا عبدالقادر بیدل دوکتور عبدالغنی ادب ۱۳۵۱

- بیدل شناسی غلام حسن مجددی ج ۱-۲ کابل ۱۳۵۰.

- بیدل و عزیز به اهتمام قلیسیه کریمی کابل ۱۳۲۸

- مجله هنر و مردم، بیدل شفیع کدکنی شماره ۸۴-۸۵، تهران ۱۳۴۷

- ادب. دیوان بیدل سه خط او عبدالاحی حبیبی ش ۳، ۱۳۴۴، کابل ۱۳۵۵

- ادب. ادبیات معاصر دوری، اسدالله حبیب، کابل ۱۳۵۵

- خراسان، زیست نامه بیدل اسدالله حبیب، کابل ۱۳۶۰

- راجع به بیدل و گوشه های مختلف زنده گیش مقالات مختلف در مجله های

آریانا کابل وادب به چاپ رسیده است .
بینوای بدخشی شاه خلیل الله

- آریانا دایرة المعارف، ج ۲، کابل ۱۳۴۸ ص ۸۰۳
- ریاض العارفین رضاقلی هدایت تهران : ۱۳۱۹ ص ۷۰
- الذریعه بخش نهم قسمت اول ص ۱۵۶ - ۱۵۵
- روز روشن محمد مظفر حسین صبا بهوپال ۱۲۹۷ ص ۱۱۹
- صحف ابراهیم مولف علی ابراهیم خان خلیل تصحیح و ترتیب. عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ ع ص ۲۵-۲۶
- باقر ماوراء النهر**

- صحف ابراهیم مولف علی ابراهیم خان خلیل تصحیح و ترتیب. عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ ع ص ۲۸

«پ»

پیام شرف الدین علی خان (۱۱۶۶)،

- تذکره فارسی گوشتعراى اردو عبدالرؤف عروج ۱۹۷۱ ع ص ۱۴
- سفینه هندی به گوان داس هندی. پتنه ۱۹۵۸ ع ص ۲۷
- فرهنگ سخنوران ص ۱۰۶
- عقد ثریا، غلام همدانی مصحفی حرف ع ص ۱۵
- صحف ابراهیم ، مولف علی ابراهیم خان خلیل تصحیح و ترتیب عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ ع ص ۳۱

«ت»

- تاج معین الدین «توفای ۱۱۶۶هـ،
- سسر و آزاد . غلام علی آزاد بلگرامی، هند، ۱۱۶۶هـ ص ص ۷۲-۷۳
- تسلیم ملا ابوبکر بن ملا مولا داد
- شمع انجم . صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۹۹ .

- سخن سرایان افغانستان احمد جاوید، کابل، ۱۳۳۴، ص ۳۵-۳۴
 - آثار هرات. افغان، ج ۱-۳، ۱۳۰۹، صص ۲۵ - ۳۰.
 تسلیم، میرزا صادق.

رضا قلی هدایت، تهران: ۱۳۱۶، صص ۴۲۷ - ۴۲۸
 تقی، میرمحمد تقی (در ۱۴۲۲ می زیست)

ریاض الشعرا، والدۀ داغستانی، صص ۱۸۶ - ۱۸۷
 تمکین

سید رضا خان (متولد ۱۱۰۹)،

- ریاض الشعرا، والدۀ داغستانی، روضۀ النبا، ص ۱۸۰.
 - صحف ابراهیم. مولف. علی ابراهیم خان خلیل، تصحیح و ترتیب
 عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ ع، ص ۳۲.
 تمنای کابلی (میرزا محمدی) ۱۱۶۰
 صبح گلشن، سید علی حسن خان، هند: ۱۲۹۵، ص ۹۵.
 - قاموس الاعلام، شمس الدین سامی، ۱۶۷۰
 - الانریعه، ج ۱، بخش نهم، ص ۱۷۷.

تمنا

محمد علی رسالها در کابل بود

- صحف ابراهیم مولف. علی ابراهیم خان خلیل تصحیح و ترتیب.
 عابد رضا بیدار پتنه. ۱۹۸۱ ع ص ۳۲
 تنها

عبداللطیف خان

- صحف ابراهیم مولف. علی ابراهیم خان خلیل تصحیح و ترتیب.
 عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ ع ص ۳۲

تیمور شاه دوانی

- دیوان تیمور شاه . عزیز الدین و کیلی ، کابل ۱۳۵۶
- مجمع الفصحا رضاقلی هدایت تهران ۱۳۹۵ ص ۲۰
- فرهنگ سخنوران ، خیا مهو تبریز ۱۳۴۰ ص ۱۲۰
- تیمورشاه دوانی عزیز الدین و کیلی فوفلزاتی ، انجمن تاریخ ج ۱-۲

س ۱۳۴۶

- فرهنگ زبان و ادبیات پشتوزلمی هیوادل ، کابل ۱۳۵۶ ص ۱۸

«ث»

ثابت بدخشی میرافضل (متوفاء ۱۳۵۱)

- سفینه خوشگو ، بندر ابن داس خوشگو ، پتنه . ۱۹۵۹ ، ص ص ۲۲۲-۲۲۲ .

۲۲۲

- نتایج افکار ، محمد قدرت الله گوپاموی ، بمبئی . ۱۳۳۶ ، ص ص ۱۳۶-۱۳۴ .

- خزانه عامره . میر غلام علی آزاد ، بلگرامی کانپور : ۱۸۷۱ ، ص ۱۷۳ .
- سرو آزاد . غلام آزاد بلگرامی ، هند : ۱۱۶۶-هـ ، ص ص ۲۰۳-۲۰۵ .
- سخن سربایان افغانستان ، احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ص ۸-۷ .

تاریخ ادبیات افغانستان (صف ۳۰۹) .

- ریاض العارفین ، رضا قلی هدایت ، تهران : ۱۳۱۹ ، ص ۷۸ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۷ .
- شمع انجمن . صدیق حسن . ۱۲۹۳ ، ص ص ۱۰۲-۱۰۳ .
- سفینه هندی . بهگوان داس هندی ، پتنه : ۱۳۵۸ ، ص ص ۴۴-۴۵ .
- ریاض الشعراء ، واله داغستانی ، روضه الناء ، ص ۱۹۰ .

- فرهنگ سخنوران ، خیامبور ، ص ۱۲۰ .

- مخزن الغرائب ، شیخ احمد علی خان هاشمی ، به اهتمام محمد باقر ،

ج ۱ ، لاهور : ۱۹۶۸ . ص ۴۷۳ .

- صفح ابراهيم . مؤلف . على ابراهيم خان خليل ، تصحيح وترتيب ،
عابد رضا بيدار پتنه ، ۱۹۸۱ ، ج ۳ - ۴۴ .

ثبات بدخشي

- مير محمد اعظم ، خلف مير محمد افضل ثابت (متوفى - ۱۱۶۲) .
- سخن سرايان افغانستان ، احمد جاويد ، كابل : ۱۳۳۴ ، ص ۱۱-۱۲ .
- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، كابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۸ .
- تاريخ ادبيات افغانستان ، صفا . ص ۳۰۹ .
- شمع انجمن ، صديق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۱۰۴ .
- فرهنگ سخنوران ، خيامپور ، ص ۱۲۲ ،
- مخزن الغرايب ، ص ۴۷۸ .
- نتايج الاقكار . محمد قدرت الله گوپا موى ، بمبئى : ۱۳۳۶ ، ص ص
۱۳۶ - ۱۳۷ .
- خزانه عامره . مير غلام على آزاد بلگرامى ، كانيپور ، ۱۸۷۱ ص
۱۷۶ .
- سفينه هندی ، بهگوان داس هندی ، پتنه : ۱۹۵۸ ، ج ۳ ص ۴۵ .
- صفح ابراهيم . مؤلف على ابراهيم خان خليل ، تصحيح وترتيب :
عابد رضا بيدار ، پتنه : ۱۹۸۱ ، ص ۴۴ .
ثنايى مير محمد عظيم (متوفى ۱۱۲۲)
- رياض الشعراء ، ص ۱۹۲-۱۹۱ .
«ج»

جامى هروى

- سخن سرايان افغانستان ، احمد جاويد ، كابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۲ .
- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، كابل : ۱۳۳۵ ، ص ۵۶۱ .
جاييز
- آريانا دايرة المعارف ج ۳ ، كابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۱۲ .

- آریانا ، ش ۱۲ ، س دوم ، ۱۳۲۳ ، ص ۲۴ .
جناب

میرزا ابو طالب ، والد میرزا نصیر (متوفی ۱۱۳۵)
 ریاض الشعرا ، والہ داغستانی ، روضۃ الجیم ، ص ۲۲۴ .
جناب ،

میرزا فتح الله .
 - مجمع الفصحا . رضا قليخا نهدایت ، ج چهارم ، ص ۲۰۴ .

جواد هروی

عبدالجواد

- تاریخ ادبیات افغنا نستان . ابراهیم صفا ، ص ۳۱۷

جلیل طالقانی رشیک جلیل الله

- تذکرۃ المعاصرین . شیخ محمدعلی حز یسن ، اصفهان: ۱۳۴۴ ،
 ص ۲۴ - ۲۵
 جودت بدخشانی میرزا ایوب (متوفی ۱۴۵۵) ،

- سفینه خوشگو بندر ابن داس خوشگو ، پتنه ۱۹۵۹ ص ۶۷

- کلمات الشعرا محمد افضل سرخوش ، لاهور : ۱۹۴۲ ص ۳۹

- شمع انجمن . صدیق حسن . هند. ۱۲۹۳ ص ۱۱۲

- فرهنگ سخنوران ص ۱۴۰

«ج»

چندا (ماه لقاء)

- پرده نشینان سخنگوی ، ماگه رحمانی ، انجمن تاریخ : ۱۳۳۱ ،

ص ۵۰ - ۵۱ :

«ح»

حاجت

مجمع الفصحا رضا قليخان هدايت، ۱۳۳۶، ج چهارم، ص ۲۰۷.

حاکم

حکیم بیگ خان ازجانب پسر ازبلخ وازطرف مادر ازهرات است .

- صفح ابراهيم ، مولف : علي ابراهيم خان خليل ، تصحيح وترتيب .

عابد رضا بيدار پتنه : ۱۹۸۱ع، ص ۹۵.

- نتايج الافكار محمد قدرت الله گوپاموي ، بېنې : ۱۳۳۶، ص ۱۵۲ -

. ۱۹۷

- باغمعاني ، مولف : نقش علي ، تصحيح وترتيب: عابد رضا بيدار ،

پتنه : ص ۵۱

- خزانه عامره . مير غلام علي آزاد بگرامي ، کانيور : ۱۸۷۱، ص ۲۰۰ .

- تذکره شعراي پنجاب ، خواجہ عبدلر شيد ، کسراجي : ۱۳۴۶ :

ص ص ۱۱۴ .

حافظ هزاري

عبدالمومن

- سخن سرايان افغا نستان ، احمد جاويد ، کابل : ۱۳۳۴، ص ۲۲ .

- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۹ .

حافظ سيستاني

- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۹ .

حزین لاهیجی ،

شيخ محمد علي بن ابي طالب (متولد ۱۱۰۳ - متوفا

۱۱۸۰)

- هفت آسمان تذکره مثنوی سرايان به اهتمام مولوی آغا احمد

علي ، کلکته : ۱۸۷۳

- تیمور شاه درانی . عزیزالدین و کیلی فولزانی ج ۱-۲ ، ۱۳۴۶
ص ۴۶۵
- سفینه خوشگو ، بندر ابن داس خوشگو ، پتنه : ۱۹۴۹ صص ۲۹۱-۲۹۳
- فرهنگ سخنوران ، خیامپور : ص ۱۰۵ .
- حسن خان شاملو
- نتایج افکار ، محمد قدرت‌الله گوپاموی ، بمبئی : ۱۳۳۶ ، ص ۱۹۰ .
- ریاض المارفين ، رضا قلی هدایت ، تهران : ۱۳۱۹ ، ص ۳۱۳ .
- حسن قندهاری ، خواجه حسن .
- سخن سرايان افغانستان ، احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳۴ .
- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۹ .
- حسن هروی (محمین‌الدین حسن) ۱۱۳۳
- مقالات الشعراء ، مير علي شير قانع ، کراچی : ۱۹۵۷ ، ص ۱۷۵ .
- حسين افغان ، نواب غلام حسين خان .
- شکینة الفضلاء ، عبدالحکیم رستاقی ، به اهتمام عبدالفنی بلخی ، ۱۳۱۰-۱۳۵۰ هـ ، ص ۶۰ .
- حسين فيض آبادی ، مير محمد حسين ، ۱۳۰۵
- فرهنگ سخنوران ، ص ۱۶۴ .
- حسينی ، عبدالحلیل .
- شمع انجمن ، صديق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۳۱۳ .
- حشمت بد خشي ، مير محتشم علي خان (متوفاء ۱۱۶۳)
- سخن سرايان افغانستان . احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳۴ هـ ، ص ۱۰ .
- آريانا دايرة المعارف ، جلد سوم ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۸ .

- تذکره فارسی گوشتراي اردو، عبدالرؤف عروج، ۱۹۷۱ع، ص ۱۷.
- تاريخ ادبيات افغانستان، محمد ابراهيم صفا، ص ۳۱۰ - ۳۱۱.
- نتايج الافکار . محمد قسرت الله کوياموي، بمبئي : ۱۳۳۶، ص ۱۹۵.
- سفينه هندي ، بهگوان داس هندي، پته : ۱۹۵۸، ص ۵۵ .
- فرهنگ سخنوران ، خيامپور، ص ۱۶۷ .
- عقد ثريا، غلام همداغي مصحفي، ص ۲۱ .
- حيدر ميرزا جلال الدين .
- خزانه عامره ، مير غلام علي آزاد بلگرامي، کانيبور : ۱۸۷۱ ، ص ص ۹۶ - ۸۶ .
- رياض الشعراء ، ص ۲۷۰ .
- حيرت هروي ، الله پور ديوانيزو گنگزادگان هرات و خال حيرت شاملو .
- تيمورشاه درانسي ، عزيز الدين و کيلي فو فلسزائسي ، ج دوم ، ص ۴۶۵ - ۴۶۷ .
- عقد ثريا ، غلام همداغي مصحفي ، ص ۲۴ - ۲۵ .
- «خ»
- خاکسار سر قندي متوفاء ۱۱۱۸، داماد عاقل خان رازي .
- مذكر احباب ، نسخه تايبي نزد پوهانده دکتور جاويد ، ص ۵۶ .
- صحف ابراهيم ، علي ابراهيم خان خليل ، عابده رضا بيدار ، پته : ۱۹۸۱ ع ، ص ۶۱ .
- خاور کابلي ، ميرزا محمد اکبر پسر ميرزا مهدي خان .
- سکينه الفضلا ، عبدالحکيم ، رستاقی ، ۱۳۵۰ هـ ، ص ۶۵ - ۶۶ .
- شعراي پنجاب ، سر هنک خواجعه عبدالرشيد ، کراچی : ۱۳۴۶ ، ص ۱۳۸ .
- تيمو رشاه درانسي ، و کيلي فو اقلزائي ، ج دوم ، ۱۳۴۶، ص ۴۸۶ .
- خان اعظم ، موسوم به عزيز ، کوکه ابن شمس الدين .

- ریاض الشعراء، والذاعلمستانى روضة الخا، ص ۲۸۱-۲۸۲ .
- خاوری هروی،
- سخن سرايان افغانستان ، احمد جاويد ، کابل : ۱۳۳۵هـ .
- ص ۱۲ .
- روز روشن ، محمد مظفر حسين صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۲۳۸ .
- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۳ .
- خرديليخى ، مير محمود خان الحسين (متوفاء ۱۱۶۱) .
- مآثر بلخ ، مولانا خسته ، نسخه تاييى كتابخانه عامه ، ص ۳۹۷ .
- تبه كره شعراى پنجاب ، عبدالرشيد ، اكراچى : ۱۳۴۶ ،
- ص ۱۳۹ .
- روز روشن . محمد مظفر حسين صبا ، تهران : ۱۳۴۲ ، ص ۱۹۷ .
- فرهنگ سخنوران ، ص ۲۸۷ .
- خسرو بلخي ، مير محمود خان
- سخن سرايان افغانستان ، احمد جاويد ، کابل : ۱۳۳۵هـ ، ص ۱۲ .
- روز روشن . محمد مظفر حسين صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۲۳۸ .
- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۳ .
- خلفى، هروی ، ميرزا خليل .
- صحف ابراهيم ، مولف : على ابراهيم خان خليل ، تصحيح وترتيب :
عابد رضا بيدار پتنه : ۱۹۸۱ع ، ص ۵۷ .
- خليل الله طالقانى
- رياض العارفين . رضا قلى هدايت ، تهران : ۱۳۰۵ ، ص ۷۳ .
- فرهنگ سخنوران ، خيامپور ، ص ۱۹۶ .
- صحف ابراهيم ، على ابراهيم خان خليل ، عابد رضا بيدار ، پتنه :
۱۹۸۱ع ، ص ۵۹ .
- خوشحال خان خټک ۱۱۰۰

- سبکینه الفضلا ، عبدالحکیم رستاقی ، ۱۳۵۰ هـ ، ص ۴۳ .
 - پشتا نه شعراء : عبدالحی حبیبی ، ج ۱ ، کابل : ۱۳۲۰

ص ۱۵۱ - ۱۶۹ :
 خوشنود ، محمد ارفضا علیخان ، ۱۱۲۰ هـ .

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۱۴۵ .
 خیاط هروی ، طالب رذر ۱۱۵۲ ، میز یست .

مقالات الشعراء ، میر علشیر قانع ، کراچی : ۱۹۵۷ ، ص ۲۰۶

« ۵ »

داوا هروی ، خواجه اسماعیل .

دیوان داوا به کوشش مایل هروی ، در قرن ۱۲ هجری ، صفحه ۷ .

- داوود مرزا داوود ، ۱۱۵۷ هـ .

- تذکرة فارسی گو شعراي اردو ، عبدالرؤف غروج ، اکتوبر : ۱۹۷۱ :
 درد خواجه میر محمدي .

- فارسی گو شعراي اردو ، عبدالرؤف غروج ، اکتوبر : ۱۹۷۱ ،

ص ۶۴ .

- تاریخ زبان وادبیات ایران در خارج از ایران عباس مهرین شویشتی

ایران ۱۳۵۲ ص ۱۴۸

- شمع انجمن صدیق حسن ۱۲۹۳ ص ۱۵۰

- مجمع الفصحا رضا قلیخان هدایت ، ۱۳۳۶ ج چهارم ص ۲۹۰

- روز روشن . محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ص ۲۵۴
 دردمند محمد فقیر

- فارسی گو شعراي اردو . عبدالرؤف غروج اکتوبر ۱۹۷۱ ص ۲۰
 درویش طالقانی ، عبدالمجید بن عبدالله (متوفاء ۱۱۸۵)

روز روشن . محمد مظفر حسین صبا تهران : ۱۳۴۳ ص ۲۵۹

- نتایج افکار محمد قدرت الله گویاموی بیهی . ۱۳۳۶ ص ۶۶۹

دلسوز افغان

- سکنیه الفضلاء، عبدالحکیم روستاقي، ۱۳۵۰ هـ، ص ۷۴
دیده، ترکمان مغول اغر خان

- شعراي کشمير محمد اصلح میرزا، ج اول، ۱۳۴۶، ص ۲۴۶
- عقد ثريا غلام همدااني مصحفی ص ۲۶
- فر هنگ سخغوران، خيامپور ص ۲۱۳
رازی علی قليخان

«د»

- رياض الشعراء، والده داغستانى، نى روضه الراى ص ۳۳۸
- آتشکده لطفعلی بيک اذربىنى ۱۲۷۷ ص ۴۲۴ - ۴۲۵
- عقد ثريا، غلام همدااني مصحفی، ص ۵۱ - ۵۲
- صبح گلشن . سيدعلی حسن هند، ۱۱۹۰، ص ۳۶۷
- مجمع الفصحا، رضاقلی هدايت تهران : ۱۳۸۲
- فر هنگ سخغوران، خيامپور ص ۲۰۸
- راسخ، مير محمد زمان

- رياض الشعراء، والده داغستانى، روضه الراى، ص ۳۳۸ .
- تذکره شعراي پنجاب، خواجہ عبدالرشيد، کراچى : ۱۳۴۶،
ص ۱۵۳ .
- راضی، حسن الله خان مخاطب رمتوفا ۱۱۴۰ - ۱۱۵۰ .

- روز روشن، محمد مظفر حسين صبا، تهران : ۱۳۴۳، ص ۲۸۱
- واغب، جعفر رمتو لى ۱۱۵۷ - متوفاء ۱۲۰۰ .
- نتائج الافکار، محمد قدرت الله گوياموى، ص ۲۸۶ - ۲۸۷ .
- واغب، ميرزا محمد جعفر (۱۱۸۸ هـ)

- خزانه عامره ، میرغلام علی آزاد بلگرامی ، کانیوز ، صص ۲۴۶ - ۲۴۷
- تذکره شعراى پنجاب ، خواجه عبدالرشید ، کراچی : ۱۳۴۶ ، ص ۱۵۵ .
- ومبا ، میرزا ایزد بخش .
- ریاض الشعراء ، والہ داغستانی، روضۃ الرا ، ص ۳۴۸ .
- دیپمای بلخی (از شاگردان شوکت بخارایی) .
- روز روشن، محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳، ص ۲۳۸ .
- صحف ابراهیم ، مولف : علی ابراهیم خان خلیل، تصحیح و ترتیب عابد رضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ع، ص ۷۰ .
- رضا، برنابادی، میرزا محمدرضا رشتوفا ۱۱۴۲، ۱۱۴۳ .
- سخن سراپایان افغا نستان ، احمد جاوید، کابل : ۱۳۳۴، ص ۳۲ .
- آثار حسرات ، افغان ، ج ۳ ، ص ۱ - ۲ .
- ریاض المارغین ، رضا قلی هدایت ، تهران : ۱۳۱۹، ص ۴۵۲ .
- تیمورشاه دورانی ، عزیز الدین و کیلی فوفلزائی ، ج ۲ ، ۱۳۴۶ ، ص ۴۹۶ .
- سفینه خوشگو، پتنه : ۱۳۷۸هـ ص ۱۸۳
- وضای مروی (رضا علی شاه از مریدان سید مصوم دکنی)
- ریاض المارغین ، رضا قلی هدایت، تهران : ۱۳۱۹، ص ۳۶۰
- رضا، شیخ محمد رضا سیستانی
- صحف ابراهیم علی ابراهیم خان خلیل عابد رضا بیدار پتنه : ۱۹۸۱ع ص ۷۱
- واقع حسن بیگ

- شعرای کتسیر . محمد اصلح میرزا ج اول ۱۳۴۶ ص ۲۸۸-۲۸۷
 رانکین (متوفی ۱۱۹۰)

- روز روشن . محمد مظفر حسین صبا تهران : ۱۳۴۳ ص ۴۱۳

«ف»

زاهد کابلی مین محمد زاهد

- سکنه الفضلا عبدا الحکیم رستاقی ۱۳۵۰ م ، ص ۶۱-۷۷ .
 زیب النساء بنت عالمگیر پاد شاه (متوفی - ۱۱۱۳ م)

- شمع انجن ، محمد مظفر حسین صبا ، ۱۲۹۳ ، ص ۱۸۸

- تذکره الخواتین . محمد ذهنی افندی ، ترجمه از کتاب ، مشاهیر النساء .
 ۱۳۰۶ ، ص ۱۳۹ .

- شعرای پنجاب ، ص ۱۶۸-۱۶۹ .

- زنان سخنور . علی اکبر مشیر سلیمی ، ج ۱ ، تهران : ۱۳۳۵ .

ص ۲۲۸ .

- پرده نشینان سخنگوی ، ما که رحمانی ، کابل : ۱۳۳۱ ، ص ۴۵ .

- مجله هنر و مردم ، معمای دیوان مخفی ، ش ۱۷۲ ، تهران : ۱۳۳۵ ص ۳۷

- از رابعه تا پروین ، تهران : ۱۳۳۴ .

«ص»

ساطع ، ملا ابوالحسن (متوفی - ۱۱۵۶ م)

روز روشن . محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۷۴۰

ساقی هروی

- سخن سرایان افغانستان ، احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۷۵ .

سالک ، صالح یارخان بلخی .

- باغ معانی ، موالف ، نقش ملی ، تصحیح و ترتیب : عابد رهبا لیلانی

پنجه : ص ۱۰۲ .

سرخوش هروی .

- فرهنگ سخنوران ، ص ۲۶۵ .
سرشکی کابلی

- سخن سرایان افغانستان، احمدیایوید، کابل: ۱۳۳۴، ص ۲۴ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۱۰ .
- آریانا، ش ۱۲ - ص ۲، ۱۳۲۳، ص ۲۳ .
سفیر ، عبدالنبی خان .

- روز روشن ، محمطفخر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۲ ص ۳۵۹ .
سلامی هروی شاه محمد

- سخن سرایان افغانستان، احمدیایوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۴ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۰ .
سلطان خدیجه دختر حسن علیخان

- پرده نشینان سخنگوی ، ما که رحمانی ، ۱۳۳۱ - ش، صص ۴۹ -

۵۰ .
- زبان سخنور ، علی اکبر شیرسلیمی ، ج اول، تهران : ۱۳۳۵ ،
ص ۲۵۰ .

- صبح گلشن ، سیدعلی حسن، هند: ۱۲۹۵، ۲۰۶ - ۲۰۷ .
- نتایج افکار، محمد قدرت الله، بیبی : ۱۳۳۶، ص ۳۵۶-۳۵۷ .

- ریاض الشعراء، والفتح افغانستانی، روضه السین، صص ۴۰۳ - ۴۰۸
سلیم ، ملاسلیم (متوفاً- ۱۱۱۰هـ).

- مذکر الاصحاب . محمد بدیع ملیحای سرقندی ، نسخه خطی .
محفوظ در کتابخانه اکادمی علوم ، صص ۸۳ - ۸۴ .
سودا ، میرزا محمد رفیع (۵۴۰) کابلی (متوفاً - ۱۱۹۵هـ)

سیادت میرزا جلال الدین

- ریاض الشعراء ، وایله داغستانی و محفوظ در آرشیف ملی ص ۴۰۰

- شعراى پنجاب . خواجہ عبدالرشید ، کراچی : ۱۳۴۶ ،
ص ۱۸۸ - ۱۹۰
سید میر سید علیخان سبزواری

- ریاض الشعراء، والدہ داغستانی، محفوظ دواؤرشیف ملی ، روضۃ السنین
ص ۴۰۰

- باغ معانی ، مولف : نقش علی، تصحیح و ترتیب : عابد رضا بیدار.
پتنہ : ص ۸۰ - ۸۱
سید محمد بلخی

- سخن سرايان افغانستان، احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۸
- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۱
- تاريخ ادبيات افغانستان، صفا، ص ۳۱۵ - ۳۱۶
سيدا ، مير سيد محمد و متخلص به سيدا

- سخن سرايان افغانستان، احمد جاوید، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۳۶-۳۸
- سيد نعمت الله (متوفى ۱۱۴۰ هـ).

- سرو آزاد ، غلام على آزاد بگرامى، هند : ۱۱۶۶ ص ۵۲-۵۳
» شى «

شاکر ، نواب آصفجاء ، نظام الملك (متوفى ۱۱۶۱ هـ)
روز روشن ، محمد مظفر ، حسين صبا، تهران : ۱۳۴۳ ص ۳۸۹ .
شاه طيب

- سرو آزاد . غلام على آزاد بگرامى، هند : ۱۱۶۶ هـ، ص ۵۳-۵۴ .

شاه والى الله

- تاريخ زبان وادبيات ايران درخارج از ايران ، تهران : ۱۳۵۲ ،
ص ۱۲۸
شجاع الملك دوراني

- تاربخ ادبیات افغانستان، ابراهیم صفا، ص ۳۱۹.
- تیمورشاه درانی، عزیز الدین و کیلی فوفلزانلی، ج دوم، صص ۴۷۸ - ۴۷۲.
- شهر میرزا هادی - متوفی ۱۱۰۷
- ریاض الشعراء والقداغستانی، روضة الشیین، ص ۱۱۰۷
- یادی از زوفاگان، خسته، کابل: ۱۳۴۴، ص ۱۷۲.
- شرف الدین فراهی
- آریانا دایرة المعارف، ج ۳، کابل: ۱۳۳۵، ص ۸۰۰
- شرف، میرزا محمد شرف، متوفی ۱۱۰۴ در کابل
- ریاض الشعراء والة داغستانی، روضة الشیین، ص ۴۳۹.
- شریفی اهلی
- ریاض الشعراء، والة داغستانی، ص ۴۳۹
- شکیب، محمد علی - متوفی ۱۱۲۵
- شمع انجمن، صدیق حسن، ۱۲۹۳، ص ۲۱۷.
- شهادت بلخی، میرزا صالح - متوفی ۱۱۵۰ هـ
- سخن سریان افغانستان، احمد جاوید، کابل: ۱۳۳۴، ص ۲۱.
- تاریخ ادبیات افغانستان، ابراهیم صفا، ص ۲۱۵.
- باغ معانی، نقش علی، عابد رضا بیدار، پتنه: ۱۱۴.
- ریاض الشعراء، والة داغستانی، روضة الشیین، ص ۴۶۷.
- مآثر بلخ، مولانا خسته، نسخه تایی کتابخانه عامه، ص ۴۵۱.
- آریانا دایرة المعارف، ج ۳، کابل: ۱۳۳۵، ص ۷۹۷.
- صحف ابراهیم، علی ابراهیم خان خلیل، پتنه: ۱۹۸۱ ع، ص ۹۰.
- شهرت، حکیم شیخ حسین، متوفی ۱۱۴۹
- ریاض الشعراء والة داغستانی، روضة الشیین صص ۴۷۰ - ۴۷۱.

شهرلا بدخشاني ، سنگين بيگ

- سخن سرايان افغانستان. احمد جاويد ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۴ .
شمس بدخشي .

- سخن سرايان افغانستان، احمد جاويد ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۵ .
شمسيد ، ميرغازي (۱۳۰ هـ) .

- شمع انجن ، صديق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۲۳۴ .
شوقي محمد حسين ، فرزند ملاعبدالروف ، (۱۲۷) ميرزيست .

- مقالات الشعراء مير علي شير ، کراچي : ۱۹۵۷ ، ص ۳۴۷ .
شوکت بخاراوي ، محمد اسحق .

- صف ابراهيم ، علي ابراهيم . خان خليل ، عايد رضا بيدار ، پتنه :
۱۹۸۱ ع ، ص ۸۳ - ۸۴ :

» ص «

صاحب ، حکيم کاظم

- رياض الشعراء والة داغستاني، روضة الصاد ، ص ۴۸۷ .
صارمي ، احمد قليخان .

- آثار هرات ، افغان ، ج ۳ ، ص ۱۹۴ - ۲۰۴ .
صافي نور پوش .

- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۰ .
صالح بدخشاني

- سخن سرايان افغانستان، احمد جاويد ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۵ .
- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۰ .
صبحي ، ملاعبدالله (متوفى ۱۱۰۸)

- تذکره شعرای محترم ، نعمت‌الله محترم ، تصحیح اصغر جانفندا ، ۱۹۷۵ ، ص ۲۰۲ .

مجموعتی (متوفای ۱۱۲۴)

- ریاض الشعرا ، والذوالغسانانی، روضة الصاد ، ص ۴۸۱ .
صفا ، ابراهیم

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۲۶۷ .
ضاحک ، میر غلام حسین «ض»

- فارسی گسو شعرای اردو ، عبدالرؤف عروج : ۱۹۷۱ ، ص ۵۶۰
ضمیر ، سید هدایت الله خان ، ۱۱۶۷ هـ .

- فارسی گسو شعرای اردو ، عبدالرؤف عروج : ۱۹۷۱ ص ۱۹
ضیا ، میرزا عطا برهان پوری ، ۱۱۴۴ هـ .

- فارسی گسو شعرای اردو ، عبدالرؤف عروج : ۱۹۷۱ ، ص ۱۰
«ط»

طالب ، میرزا ابوطالب (متوفای ۱۱۶۹)

- روز روشن ، محمد مظفر حسین عسبی تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۴۹۴ .
طالع سبزواری ، میرعبدالعلی .

صحف ابراهیم ، مؤلف: نعلی ابراهیم خان خلیل ، تصحیح و ترتیب:
عابد رضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ ع ، ص ۹۵ .

طاهر هروی

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید، کابل: ۱۳۳۴ ص ۲۵-۲۶ .

- فرهنگ سخنوران ، خیا میوز ، ۱۳۴۰ ، ص ۳۵۳ .
طاهر ، مولوی محمد طاهر (متوفای ۱۱۴۳)

- روز روشن ، محمد مظفر حسین ضیا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۴۹۶

طبعی سیستانی

- کمال الدین حسین
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل ، ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۱ .
- طبيب ميرزا عبدالباقى (متولد - ۱۱۷۰)
- مجمع الفصحا ، رضا قليخان هدايت ، ۱۳۳۶ ، ج پنجم ، ص ۷۱۹ .
- روز روشن ، محمد مظفر حسين صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۴۹۹ .
- طفيل ، احمد (متوفى - ۱۱۶۱)
- شمع انجم ، صديق حسن ، ص ۲۸۰ .
- طوفان ، ميرزا طبيب (متوفى - ۱۱۹۰) .
- مجمع الفصحا ، رضا قليخان هدايت ، ۱۳۳۶ ، ج پنجم ، ص ۷۲۱ - ۷۲۲ .
- طبيب ، ميرجواد ، (متوفى - ۱۱۸۰) .
- روز روشن ، محمد مظفر حسين صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۵۰۴ .
- طبرى ، محمد ربيع (متوفى - ۱۱۵۹)
- روز روشن ، محمد مظفر حسين صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۵۰۵ .
- عاجز بلخى عارف الدين خسان (متوفى - ۱۱۷۸) «ع»
- نتايج الافكار ، محمد قنوت الله گوياموى ، پيشي : ۱۳۳۶ ، ص ۴۹۹ .
- فارسى گو شعراى اردو ، عبدالرؤف عروج ، ۱۹۷۱ ، ص ۲۹ .
- سكينه الفضلا ، عبدالحكيم رستاقى ، ۱۳۵۰ هـ ، ص ۸۸ .
- يادى از فرهنگان ، خسته ، ۱۳۴۴ ، ص ۶۷ - ۷۲ .
- شمع انجم ، صديق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۲۹۴ .
- مآثر بلخ ، مولانا خسته ، نسخه تاييى كتابخانه علم ، ص ۴۶۵ .
- مجله آريانا ، ش ۱۲ ، ۲ ، ۱۳۲۳ ، ص ۲۴ .
- فرهنگ سخنوران ، خيامپور ، ص ۳۶۵ .

- عارف تالقانی، میرزا محمد علی متخلص به عارف، (۱۱۶۰هـ)، ص ۳۰.
- سخن سرايان افغانستان، احمد جاوید، کابل : ۱۳۳۴، ص ۸۰۳.
- آريانا دايرة المعارف، ج ۳، کابل : ۱۳۳۵، ص ۳۱۵.
- تالريخ ادبيات افغانستان، ابراهيم صفا، ص ۳۱۵.
- عاشق بدخشي، محمد (متولد ۱۱۳۱هـ - متوفى ۱۱۸۲هـ)،
- سخن سرايان افغانستان، احمد جاوید، کابل : ۱۳۳۴، ص ۱۸-۱۹.
- آريانا دايرة المعارف، ج ۳، کابل : ۱۳۳۵، ص ۸۰۴.
- کابل، ش ۱، س ۵، حمل : ۱۲۱۵، ص ۳۹-۴۱.
- عاشق سيستاني،
- سخن سرايان افغانستان، احمد جاوید، ۳۱۵.
- آريانا دايرة المعارف، ج ۳، کابل : ۱۳۳۵، ص ۸۰۱.
- فرهنگ سخنوران، خيامپور، ص ۳۷۰.
- عاقل، هنرورخان
- خزانه علمره، مير غلام علي آزاد بگلگرامي، کابلپور : ۱۸۷۱، ص ۳۴۷.
- عالم محمد مقبول خراساني
- مقالات الشعرا مير علي شير قانع، ۱۹۵۷، ص ۳۹۴.
- عايشه افغان، رمتوقا - ۱۲۳۵،
- اعلان النسوان، فيض محمد خان، ۱۳۰۴، ج ۴، ص ۷۸.
- پرده نشينان سخنگوی، ملاک رحمانی، کابل : ۱۳۳۱، ص ۵۳.
- زنان سخنور، علي اکبر مشير سليمي، دفتر سوم، تهران : ۱۳۳۷،
- ص ۲۰۳.
- ديوان عايشه، به اهتمام منشي عبدالرزاق بيگ، کابل : ۱۳۰۵،
- ص ۴۸۰.
- شعراي وطن، سرور، نسيم سحر، ش ۴، ۱۳۰۶ :

- شاعره افغا نستان ، گسويي اعتمادي ، کابل : ش ۱۲ ، س ۱ ، ۱۳۱۱ ، صص ۱۴ - ۱۷ .
- تاريخ ادبيات افغانستان ، غبار ، کابل : ۱۳۳۰ ص ۲۲۵ .
- يادى از فرهنگيان ، خسته ، کابل : ۱۳۴۴ ، ص ۸۷ .
- عايشه دراني ، فاروق فلاح ، ادب : ش ۴ ، س ۲۵ ، ۱۳۵۶ ، صص ۱۱۰ - ۱۰۲ .
- عايشه نکوهش گروستم وييداد ، دکتور اسدالله حبيب ، مجله کبول ، ش ۴ - ۵ ، س ۲ ، ۱۳۵۲ ، ودنيا له آن مجله .
- جنبش غزلسرايي در عصر بیدل ، نوبل ، ادب : ش ۳-۴ ، ص ۱۶ ، ۱۳۴۷ .
- صص ۱۶۳ - ۱۶۸ ،
- عايشه ، شاعر شکوه وماتم ، حسين نايل ، مجله زمان افغانستان ، ش ۱۱ ، ۲ ، ۱۳۶۱ از صفحه ۲۸ به بعد .
- فرهنگ سخنوران ، خيامپور ، ص ۳۷۴ .
- عبدالصمد
-
- روز روشن ، محمد مظفر حسين صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۵۲۵ .
- عبدالله
-
- تيمورشاه دوالي ، عزيز الدين وکيلي فوفلزاني ، ج ۲ ، صص ۴۷-۴۸۰ .
- مقالات الشعراء ، ميرعلی شيرقانع ، ۱۹۵۷ ، ص ۳۹۷ .
- عبيد بلخي ، خواجه عبيد الله (متوفى - ۱۱۳۹ هـ)
-
- سخن سران افغانستان ، احمد جاويد ، ۱۳۳۴ ، ص ۲۰ .
- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۷ .
- عجيب سيدقريش (متوفى - ۱۱۴۰)
-
- شمع انجمن ، صديق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۱ .
- عصمت کابلي ميرزا عصمت

- مجله آریانا ، ش. ۷، ص ۱۴، ۱۳۳۵، ص ص ۲۵ - ۳۰.
 عرفان ، خواجه عبدالله .

- ریاض الشعراء ، والداد اغستانی، روضه العین ، ص ۶۰۹.
 عزت شیخ عبدالله

- ریاض الشعراء ، روضه العین، ص ۶۰۹.
 عزالت ، میر عبدالولی

- فشاربلی گکو شعراق اردو ، عبدالرؤف عروج ، ۱۹۷۱، ص ۴۳.
 عسکر علی عسکر وصفی کابل (۵۴)

- عاجز افغان ، حافظ نورمحمد ، کابل: ش. ۲، س. ۴، ۱۳۱۲، ص ۵۸.
 - تازیخ ادبیات افغانستا ن ، ابراهیم صفا ، ص ۳۲۳ .

- تیمورشاه درانی ، عزیز الدین و کیلی فولزلی، ج. ۲، کابل: ۱۳۴۶.
 ص ۴۸۷ .

عشرت ، نظام الدین .

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید ، ۱۳۲۴ ، ص ۲۸ .
 « غ »

غالب شیخ اسدالله رمثوفا-۱۱۶۳

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۳۴۲ .
 - ریاض العارفین ، رضاقلی خان جمایت ، تهران : ۱۳۱۹، ص ۴۶۹ -

۴۷۰ .

غبار هروی

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید ، ۱۳۳۴ ، ص ۲۶ .
 - آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۴۸ ، ص ۵۶۳ .
 - غریب ، سید کرم الله، رمثوفا-۱۱۶۹ :
 - شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۳۴۳ .

غلام نبی بن سید محمد باقر - متوفی ۱۱۶۳ هـ

- شمع انجم ، صدیق حسن : (۱۲۹۳) صص ۳۴۲ - ۳۴۳ .
غیاثی بلخشی ، میر غیاث الدین (متوفی ۱۱۸۱ ق)

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید ، ۱۳۳۴ ، صص ۱۶ - ۱۷ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، صص ۸۰۳ .
- یسادی از رفتگان ، خسته ، ۱۳۴۴ ، صص ۸۸ - ۸۹ .
- آریانا، ش ۴ - س ۱۴ ، ۱۳۳۵ ، صص ۹ - ۱۳ .

« ف »

فارغ سبز واری

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید ، ۱۳۳۴ ، صص ۲۷ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، صص ۵۶۳ .
فاقد هروی .

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید ، ۱۳۳۴ ، صص ۲۹ .
فانی بلخی

- تاریخ ادبیات افغانستا ن ، ابراهیم صفا ، صص ۳۱۴ .
فايض هروی محمد فايز ۱۳۴۵ هـ

- فرهنگ سخنوران ، خیامپور ، صص ۴۳۰ .
فايق بلخی مولوی سید خير الدين (متوالد ۱۱۸۸ - متوفی ۱۲۴۲ هـ)

- نتایج افکار . محمد قدرت الله کوپاموی ، بمبئی ، صص ۵۵۰ - ۵۵۳ .
- مآثر بلخ ، مولانا خسته، نسخه تائیپی کتابخانه عامه ، صص ۴۸۹ .
- شمع انجم ، صدیق حسن ، هند : ۱۲۹۳ ، صص ۵۵۰ - ۵۵۳ .
فتح علیخان . : متوفی ۱۱۳۴ هـ

- ریاض الشعراء ، والدادغستانی، روضه الفاء ، صص ۷۱۳ - ۷۱۷ .
- فرهنگ سخنوران صص ۴۳۱

فتوای هروی

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید، کابل : ۱۳۳۴، ص ۲۸.
- فراهی امام شرف الدین محمد
- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید، کابل : ۱۳۳۴، ص ۲۴.
- فرخاری بدخشی، محمد ابراهیم.
- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید، کابل : ۱۳۳۴، ص ۱۰.
- فروغ میرزا محمد علی (متولد - ۱۱۴۰)
- روز روشن، محمد مظفر حسین صبا، تهران : ۱۳۴۳، ص ۶۱۸.
- ریاض الشعراء، والده اغستانی، ص ۷۲۰.
- فروغی میرزا محمد واصل
- تاریخ ادبیات افغانستان، صفا، ۳۲۴.
- فرید الدین بلخی
- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید، کابل : ۱۳۳۴، ص ۲۷.
- آریانا دایرة المعارف، ج ۳، کابل : ۱۳۳۵، ص ۵۶۳.
- فطرت، میرزا معز الدین محمد، متولد ۱۰۵۰ - متوفی ۱۱۰۱
- آتشکده آذر، لطیف علی بیگ، ابن آقاخان بیگلری، شاملو، به کوشش حسن سادات، ج دوم، ص ۴۹۱ - ۴۹۶.
- فقیر، میرشمس الدین (تولد - ۱۱۱۵)
- ریاض الشعراء روضه الفا، ص ۷۲۱ - ۷۳۱
- صف ابراهیم، مؤلف : علی ابراهیم خان خلیل، تصحیح و ترتیب : ازعابد رضا بیدار، پتنه : ۱۹۸۱، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.
- ریاض العارفین، رضا قلی حمایت، تهران : ۱۳۱۹، ص ۱۹۹.
- فارسی گو شعرای اودو، عبدالرؤف عروج، ۱۹۷۱، ص ۳۰.

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۷۳، ص ۲۶۶ .
 - منوی واله و سلطان، میرشمس الدین فقیر دهلوی ، قسمت مقیمه فقیرالله جلال آبادی (متولد: ۱۱۰۰-متوفی ۱۱۹۵هـ) .

- سکینه الفضلا ، عبدالحکیم رستاقی ، ۱۳۵۰هـ ، ص ۴۸-۴۷ .
 - آریانا ، شاول، ص ۲۶، ۱۳۴۶ .

فیاض ، فیاض محمد .

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید ، کابل : ۱۳۴۴ ، ص ۲۱ .

- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۴ .

- سکینه الفضلا ، عبدالحکیم رستاقی ، ۱۳۵۰هـ ، ص ۹۳ .

فیضان ، آقا ابراهیم (متوفی ۱۱۴۴هـ)

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۲ ، ص ۳۶۶ .

«ف»

فانج ، سیستانی ، سید مرتضی .

- سفینه خوشگو ، بنادر ابن داس خوشگو ، پتنه : ۱۳۷۸ هـ .

- فرهنگ سخنوران، ص ۴۶۶ .

قادر غزنوی ، شیخ عبدا لقادر فرزند شیخ اولیاء ،

- مرآة الخیال ، شیر علی لودی، بیبی : ۱۳۲۴ ، ص ۳۰۵ - ۳۰۶ .

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، هند : ۱۲۹۳ ، ص ۳۸۷ .

- سفینه خوشگو ، خوشگو، ص ۴۶۱ .

قبول ، مرزا عبدالغنی .

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۲ ، ص ۳۳ .

- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۷ .

- تاریخ ادبیات افغانستا ن ، ابراهیم صفا ، ص ۳۱۲ .

قدرت ، محمد قدرت الله (متولد: ۱۲۹۹هـ)

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۲ ، ص ۲۹۲ .

قدرت ، منور خواجه رمتوفا - ۱۱۷۰ م .

- شعرای پنجاب ، صص ۲۹۴ - ۳۹۵ .

قريب ، فيرزا حبيب الله بيگ ، رمتوفا - ۱۱۸۴ م .

- روز روشن ، محمد مظفر حسين صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، صص ۶۵۸ .
قطب فارسي ، رمتوفا - ۱۱۷۳ م .

- رياض العارفين . رضا قلبي هدايت ، تهران : ۱۳۱۹ ، صص
۴۸۲ - ۴۸۳ .

- فرهنگ سخنوران ، خيامپور ، صص ۴۷۳ .
قلندر ، ملا قلندر

- يادى از رفتگان ، خسته ، كابل : ۱۳۴۲ ، صص ۹۸ .

قوام ، مير قوام الدين محمد قزويني رمتوفا - ۱۱۵۰ م

- رياض الشعراء ، والحدادغستاني ، روضة القاف ، صص ۸۰۷ .
« لك »

كامل ، محمد علي (رمتوفا - ۱۳۱۱ م)

- سخن سرايان افغانستان ، احمد جاويد ، كابل : ۱۳۳۴ ، صص ۱۹ - ۲۰ .

- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، كابل : ۱۳۳۵ ، صص ۷۹۷ .

كاهي هروي

- سخن سرايان افغانستان ، احمد جاويد ، كابل : ۱۳۳۴ ، صص ۲۸ .

- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، كابل : ۱۳۳۵ ، صص ۸۰۳ .

كبير - افغان

- سخن سرايان افغانستان ، احمد جاويد ، كابل : ۱۳۳۴ ، صص ۳۱ .

- آريانا دايرة المعارف ، ج ۳ ، كابل : ۱۳۳۵ ، صص ۸۰۴ .

- سكينه الفضلا ، عبدا لحكيم رستاقى ، ۱۳۵۰ ، صص ۱۰۰ .

کریمی ، کریم الله

- سخن سریان افغانستان، احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۳۱ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۴ .
- سکینه الفضا ، عبدال حکیم رستاقی ، ۱۳۵۰ ، صص ۹۶-۹۷ .
- کاظم ، محمد کاظم هروی (۱۶۶۱ق)

دیوان تیمورشاه ، عزیز الدین و کیلی فوفلزانى ، ۱۳۵۶ ، ص ۷۹ .
کمال الدین هروی

- سخن سریان افغانستان، احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۸ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۱ .
- کمانی سبز واری ، مولانا

- ریاض الشعراء، والة داغستانی، ص ۸۶۰ .

«مگ»

گرامی بلخشی ، میر عبدالرحمن (متوفا - ۱۱۲۴هـ)

- روز روشن ، محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۶۸۸ .
- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۴۰۸ .
- سخن سریان افغانستان، احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۹ .
- تاریخ ادبیات افغانستان ، ابراهیم صفا ، ص ۳۱۳ .
- گلشن ، شیخ سعدالله گلشن (متوفا - ۱۱۴۵هـ)

- ریاض الشعراء والة داغستانی، روضة الکاف ، ص ۸۶۴ .

- روز روشن . محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، صص ۶۹۰-۶۹۱ .

- شمع انجمن . صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۴۰۷ .

- سرخوش . محمد افضل ، لاهور : ۱۹۲۷-۱۹۴۲ ، ص ۹۶ .

- نتایج افکار ، محمد قدرت الله گوپاموی ، پشینی : ۱۳۳۶ ، صص

۶۰۸ - ۶۰۹ .

- ریاض العارفين ، رضا قلی هدایت ، تهران : ۱۳۱۹ ، صص ۲۱۱ - ۲۱۲ .

مگنا بیگم

پرده نشینان سخنگوی ، ماکه رحمانی ، ۱۳۳۱ ، ص ۵۹ .

- زنان سخنگور ، خیامپور ، ص ۴۹۸ .

«ل»

لطیف علیخان (متوفای ۱۱۳۵)

- ریاض الشعراء ، والده داغستان ، روضة الام ، صص ۸۷۵ - ۸۸۲ .

- صبح گلشن ، سید علی حسن ، هند : ۱۲۹۵ ، ص ۳۵۴ .

- فرهنگ سخنگوران ، خیامپور ، ص ۵۰۱ .

لقا ، فرخ لقا .

- پرده نشینان سخنگوی ، ماکه رحمانی ، ۱۳۳۱ ، ص ۴۹ .

- زنان سخنگور ، علی اکبر سلیمی ، ج دوم ، ص ۱۴۷ - ۱۵۲ .

- تذکره الخواتین ، محمد ذهنی افندی ، ۱۳۰۶ ، ص ۱۶۶ .

- فرهنگ سخنگوران ، خیامپور ، ص ۵۰۳ .

ماجد امیر الملك علی حسین خان بشارت (متوفای ۱۲۱۶)

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۴۹۲ ق ص ۴۱۵ .

((م))

ماهر ، میرزا محمد علی .

- ریاض الشعراء ، والده داغستان ، روضة الیم ، ص ۱ - ۵ .

مایل ، کابلی ، میرزا خان .

- تاریخ ادبیات افغانستا ن ، ابراهیم صفا ، ص ۳۲۲ .

- دیوان میرزاخان کابلی ، آرشیف ملی ، ۱۱۷ - ۱۱۸ .

- عاجز افغان ، حافظ نورمحمد ، کابل : ش ۲ ، ص ۴ ، ۱۳۳۱ .

- افغانستان ، بهروز ، کابل : ۱۳۴۴ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۳۰۳ .
- هایل ، میرزا ابو طالب (متولد ۱۰۵۱ - متوفی ۱۱۳۰ هـ ، ق)
- سخن سرایان افغانستان ، احمد جاوید ، ۱۳۳۴ ، ص ۶۵ .
- آریانا ، شاول ، دوره ۲۶ ، س ۱۳۴۶ ، صص ۱۰۲ - ۱۰۴ .
- مبتلا ، میرزا کاظم (متولد ۱۱۴۴ - متوفی ۱۱۷۶) .
- روز روشن . محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، صص ۷۰۷ - ۷۰۸ .
- متین ، میرزا عبدالرضا (متوفی ۱۱۷۵) .
- روز روشن . محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۷۱۰ .
- شمع انجم ، صدیقی حسن ، ۱۲۹۳ ق ، ص ۴۳۵ .
- دجلت ، میرزا محمد ایوب (متوفی ۱۱۵۳) .
- تاریخ ادبیات افغانستان ، ابراهیم صفا ، ص ۳۱۲ .
- مجید تالقانی (متوفی ۱۱۸۵) .
- مجمع الفصحی . رضا قلیخان هدایت ، ج پنجم ، ۱۳۳۶ ، ص ۹۳۱ .
- محمود کابلی ، ضیاء الدین .
- سکینه الفضلا ، عبدالعزیز رستاقی ، ۱۳۵۰ ، صص ۱۱۱-۱۱۳ .
- محمد علیخان
- ریاض الشعراء والاداعغانستانی ، روضه المیم ، صص ۱۰۱۲ - ۱۰۱۵ .
- مختار ، سیف الملک (متوفی ۱۲۱۸) .
- شمع انجم ، صدیقی حسن ، ۱۲۹۳ ق ، ص ۴۱۵ .
- مخفی قندوزی ، قاری نورالدین
- تاریخ ادبیات افغانستان ، ابراهیم صفا ، ص ۳۱۴ .
- مخلص ، غلام محی الدین (متوفی ۱۲۲۹) .

۱- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ق ، ص ۴۱۶ .
مستطور میرسید محمد بن سیداحمد (متوفاً - ۱۱۵۸ هـ) .

۲- سروآزاد ، غلام علی آزاد ، بلگرامی، ۱۱۶۶ هـ ، صص ۱۰۲-۱۰۷-
مسکین ، ملا .

۳- مجله ادب، ش ۴، س ۲۱، ۱۳۵۴ صص ۷۸ - ۷۹ .
مشتاق میر لکسید علی (متوفاً - ۱۱۷۰) .

۴- روز روشن محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ صص ۷۳۸-۷۴۰
مظفر جویری قاضی یوسف

۵- مذكر الاصحاب ، محمد بدیع سمر قندی ، محفوظ در کتابخانه
اکادمی ، ص ۱۴۴ .

۶- مظفر ، میرزا جان جانان (متوفاً ۱۱۹۵ یا ۱۱۹۴ هـ) .

۷- فارسی گو شعر ای اردو ، عبدالروف عروج ، ۱۹۷۱ ص ۴۷ .

۸- شمع انجمن . صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۳۶ .

۹- سرو آزاد . غلام علی آزاد ، بلگرامی ، ۱۱۶۶ هـ ، صص ۲۳۱-۲۳۴

۱۰- تیمور شاه درانی ، عزیز الدین و کیلی فوفلزائی، ج دوم، ص ۴۸۵ -

۴۸۴

۱۱- فرهنگ سخنوران ، خیامپور، ص ۵۵۰ .

۱۲- معجز افغان کابلی ، نظام الدین (متوفاً - ۱۱۶۰) .

۱۳- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید ، ص ۱۱۰ .

۱۴- صحف ابراهیم ، مولف : علی ابراهیم خان خلیل، تصحیح وترتیب:

عابد رضا پیدار ، پنته : ۱۹۸۱ ع ، ص ۱۲۳ .

۱۵- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۸ .

۱۶- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۴۳۵ .

۱۷- روز روشن، محمد مظفر حسین صبا ، بهارپال : ۱۲۹۷ .

- فرهنگ سخنوران ، خیامپور، ص ۵۵۱ .
معزالله خان مہمند(متوفاً-۱۱۶۴)

- دیوان معزالله مہمند، بہ اہتمام عزیزالدین خٹک ، پشاور : ۱۱۵۹ ،
صص ۳ - ۳۹ .
مفید بلخی

- ریاض الشعراء والاداغستانی ، روضۃ المیم ، ص ۱۰۱۶ .
- تذکرۃ شعرائی نصر آبادی ، تہران : ۱۳۱۷ ، ص ۴۴۱ .
- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ہند : ۱۲۹۳ ، ص ۵۵۸ .
- روز روشن . محمد مظفر حسین صبا . تہران : ۱۳۴۳ ، ص ۶۴۲ - ۶۴۴ .

- کلمات الشعراء ، محمد افضل سرخوش ، لاهور : ۱۹۴۲ ، ص ۱۰۸ .
- نتایج الافکار ، محمد قلندر اللہ گوہر ، بمبئی : ۱۳۳۶ ،
صص ۶۴۴ - ۶۴۶ .
مسکین ، میرزا محمد فاخر (متوفاً - ۱۲۳۰)

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۴۱۷ .
ملاحید ، منجم ہروی .

- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۹۵ .
- ملا عبدالرحیم ، افغان بلخی (۱۱۶۲)

- نسخۂ خطی دیوان املا، بہ قید شماره ۶۶۸ در دوشنبہ، صص ۴۰۴ - ۸۲۱ .

ملولی

- زنان سخنور . علی اکبر مشیر سلیمی ، ج دوم، ۱۳۳۵ ، ص ۲۰۷ .
- ممنون افغان، تاج الدین (متوفاً-۱۱۵۰)
- سخن سریان افغانستان، احمد جاوید ، ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ هـ ، ص ۷ .

- سکینه الفاضلا ، عبده لحکیم رستاقی ، ۱۳۵۰ هـ ، ص ۱۰۶ .
 منجم هر وی ، سخن سر ۱ یان افغانستان ، احمد جاوید ، ۱۳۳۴ -
 ۱۳۳۵ هـ ، ص ۲۲ .
 مولوی سیستانی حاجی احمد
-
- سخن سرایان افغانستان . احمد جاوید ، ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ هـ ، ص ۲۳ .
 مهلی ، میرزا محمد ومتوفی - ۱۶۲۵ ،
-
- ریاض الشعراء ، والهداغستانی ، روضه المیم ، ص ۱۰۱ - ۱۰۶ .
 مهریان ، مهر عبدالقادر متوفی - ۱۲۰۴ م
-
- روز روشن . محمد مظفر حسین ، صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۷۸۰ - ۷۸۱ .
 - شمع انجمن . صدیق حسن ، ۱۶۹۳ ، ص ۴۱۴ .
-
- مردم دیده ، عبدالحکیم حاکم ، لاهور : ۱۹۶۱ م ، ص ۱۸۷ .
 میر حمدی سیستانی
-
- سخن سرایان افغانستان ، احمد جاوید ، ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ هـ ، ص ۲۳ .
 - آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، ۱۳۳۵ هـ ، ص ۷۹۹ .
 میر رازی هر وی
-
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، ص ۷۹۹ .
 - میر منیر مفتی
-
- مآثرینخ ، مولانا خسته ، ص ۵۳۱ .
 - میرزا ابوالفتح ومتوفی ۱۰۲۲ - متوفی - ۱۱۱۴ م
-
- نسخه خطی محمد رضا خا ن بز بابادی ، محفوظ در اکادمی علوم
 افغانستان ، ص ۸۱ .
 میرزا کامل ومتوفی - ۱۱۳۱ م
-
- تلخیص ادبیات افغانا نستا ن ، ابراهیم صفا ص ۳۱۳ - ۳۱۴

میرزا طاهر (متوفا - ۱۱۱۲)،

- تذکره نصر آبادی، میرزا محمد طاهر، تهران: ۱۳۱۷ ص ۱۷-۲۰

میر عبدالجلیل (متوفا - ۱۱۱۷)،

- خزانه عامره . میر غلام علی آزاد بلگرامی کانپور ، ۱۸۷۱ ص ۳۵۲ -

۳۵۳ .

« ن »

ناجی آقا محمد حسین (متوفا - ۱۱۶۶ هـ)

- روز روشن، محمد مظفر حسین صبا، تهران: ۱۳۴۳، صص ۷۹۳ -

۷۹۴

ناظم هراتی .

- نتایج افکار ، محمد قدرت الله گوپاموی، بیهی: ۱۳۳۶ - صص ۷۲۲ .

- ادب ، ش ۵-۶ ، س ۱۳۵۲ ، ص ۸۲ .

- تاریخ ادبیات افغانستان در عصر گورگانی هند، حبیبی، ص ۳۱۱ .

- تذکره سرخوش ، محمد افضل، به اهتمام حافظ محمد عالم ، لاهور :

۱۹۲۷ - ص ۱۱۳ .

- روز روشن ، مظفر حسین صبا، تهران: ۱۳۱۷ ، ص ۷۹۷ .

- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل: ۱۳۳۵ ، ص ۵۵۴ .

- تاریخ ادبیات افغانستان، صفادیدگران (پنج استاد) کابل: ۱۳۳۰ ،

ص ۳۰۴ .

- سروآزاد، غلام علی آزاد بلگرامی، ۱۹۱۳ ، ص ۱۰۵ .

- آتشکده آخر ، لطف علی بیگ آذر، ج ۲، تهران: ۱۳۳۸، ص ۷۷۴ .

- شمع انجمن ، سید صدیق حسن ، ص ۴۹۵ .

- نصر آبادی طاهر نصر آبادی ، ص ۳۳۰ .

مراة الخیال، شیرعلی خان اودی، بیهی: ۱۳۴۴ - ص ۳۳۰ .

- تذکره حسینی، دوست سنبهلی، ص ۳۵۶ .

فاقد هروی

- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۲ .
ندیمی بدخشانی

- سخن سرا یان افغانستان ، احمد جاوید ، ص ۲۹ .
نورالله هروی

- سخن سریان افغانستان ، احمد جاوید ، ۱۳۳۴-۱۳۳۵ هـ ، ص ۲۸-۲۹ .
نیازی بلخی

- سخن سریان افغانستان ، احمد جاوید ، ۱۳۳۴-۱۳۳۵ هـ ، ص ۲۹ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۲ .
- یادی از رفتگان : خسته ، ۱۳۴۴ ، ص ۱۳۹ - ۱۴۰ .
- مغزن الغرایب ، شیخ احمد علی خان ، لاهور : ۱۹۶۸ ، ص ۲۲۴ .

« ۹ »

واحد میر عبدالواحد (متوفی ۱۱۳۴هـ)

واقف (۵۵) لاهوری ، تایپ بیگ ، متوفی - ۱۱۹۵ق)
سخن سرا یان افغانستان احمد جاوید ، ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ هـ ، ص ۳۹ .
- روز روشن ، محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ، ص ۸۶۹ - ۸۸۵

- تیمور شاه درانی ، عزیز الدین و کیلی فو فلزائی ، ج ۲ ، ۱۳۴۶ ، ص ۴۱۵ .

- خزانه عامره ، آزاد بلگرامی ، کانپور : ۱۸۷۱ ص ۴۵۰ .
- سفینه خوشگو ، بندر ابن داس خوشگو ، پتنه : ۱۳۷۸ ، ص ۲۸۵ .
- نهایج الافکار ، محمد قلدرت الله ، بستی : ۱۳۳۶ - ص ۷۵۷ .
- دیوان تیمور شاه . عزیز الدین و کیلی فو فلزائی ، کابل : ۱۳۵۶ ، ص ۳۴ - ۳۵ .

- فرهنگ سخنوران ، خیامپور ، ص ۶۴۱ .
- مجمع النفايس ، سراج الدين على خان آرزو ، عابد رضا بيدار ،
پتنه : ص ۸۵ - ۸۶ .
- والہ هروی
- کلمات الشعراء ، محمد افضل سرخوش ، لاهور : ۱۹۴۲ ، ص ۱۲۴ .
- صحف ابراهيم . مولف : على ابراهيم خان خليل ، عابد رضا بيدار ،
پتنه : ۱۹۸۱ ع ، ص ۱۳۶ .
- سفینه خوشگو ، خوشگو ، حرف و .
- روز روشن ، صبا ، بهوپال : ۱۲۹۷ ، ص ۷۴۷ - ۷۴۸ .
- والہ داغستاني (متوفی ۱۱۷۰)
- شمع انجن . صديق حسن ، ۱۲۹۲ ، ص ۴۳ .
- مجمع الفصحا ، رضا قليخان هدايت ، چشم ، ص ۱۱۵۳ .
- تاريخ زبان وادبيات ايران درخارج از ايران ، عباس مهريش
شوشتری . ايران : ۱۳۵۲ ، ص ۱۳۲ .
- خزانه عامره ، مير غلام علي آزاد بلگرامي ، کانپور : ۱۸۷۱ ، ص ۴۵۰ -
۴۴۶ .
- سفینه خوشگو ، بندر ابن داس خوشگو ، پتنه : ۱۳۷۸ هـ ، ص ۲۹۳ -
۲۹۴ .
- فرهنگ سخنوران ، خیامپور ، ص ۶۴۲ .
- نتایج افکار ، محمد قدرت الله بسبتي : ۱۳۳۶ صص ۷۵۰ - ۷۵۶ .
- رياض المارفين ، رضا قلی هدايت ، تهران : ۱۳۱۹ ، ص ۲۶۳ .
- رياض الشعراء ، والہ داغستاني ، روضه النواو ، ص ۱۱۸۹ .
- شعراي پنجسجاب . سر هنگ خواجه عبدالرشيد ، کراچی : ۱۳۴۶ ،
ص ۳۸۸ - ۳۹۱ .
- عقد ثريا ، تذکره فارسي گويان ، تاليف : غلام همداني ، به قلم خسته ،
۱۱۹۹ ، صص ۷۴ - ۷۵ .

وامق بلخی

- فرهنگ سخنوران ، ص ۶۴۲ .
- واهب میرزا حسن (متوفای ۱۱۲۸)
- ریاض الشعراء ، والۀ داغستانی، صص ۱۱۴۴ - ۱۱۴۵ .
- وجهی هروی

- ریاض الشعراء ، والۀ داغستانی، ص ۱۰۸۰ .
- وحشت ، شیخ عبدالاحد (متوفای ۱۱۳۶)
- روز روشن ، محمد مظفر حسین صبا، تهران: ۱۳۴۳، ص ۸۹۴ .
- وصفی کابلی ، علی نقی .

- دیوان وصفی (بامنتخبی از اشعار شا عران دیگر) نسخه دستنویس متعلق به کتابخانه پوهاند دوکتور جاوید (۵۶)
- عاجز افغان ، حافظ نور محمد، کابل: ش: ۳، س: ۴، ۱۳۱۳ .
- تاریخ ادبیات ، غبار ، کابل: ۱۳۳۰ ، ص ۳۲۳ .
- افغانستان بهروز کابل ۱۳۳۴
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۶، کابل: ۱۳۳۵ ، ص ۳۴۲ .
- وفرا مرزا شرف الدین علی ، منزلد: ۱۱۳۷ هـ

- ریاض الشعراء ، والۀ داغستانی، صص ۱۱۴۹ - ۱۱۵۱ .
- عقد ثریا ، تذکره فارسی گویان- تألیف : غلام محمدانی مصحفی، به قلم خسته ، ۱۱۹۹ ، ص ۷۲ .
- فازمینداوری، میرزا ابراهیم .

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید ۱۳۳۴-۱۳۳۵ هـ ، ص ۳۰ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳، ص ۸۰۲ .
- مصحف ابراهیم ، علی ابراهیم خان خلیل، پتنه: ۱۹۸۱ ، ص ۱۲۵ .
- وفسا ، آقا محمد امین (متوفای ۱۱۹۳)

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۵۱۹ .
والدی هروی ، میرولدی

- سخن سرایان افغانستان، احمد جاوید، ۱۳۳۵-۱۳۳۶ هـ ، ص ۲۳ .
ولی ، ولی محمد (متولد ۱۱۶۸ - متوفی ۱۲۸۸)
- یسادی از رفتگان ، خسته ، ۱۳۴۴ ، ص ۱۴۷ - ۱۴۸ .

((ه))

همت بد خشی (۱۱۱۲ - ۱۰۹۲)

- کلمات الشعراء ، محمد افضل سرخوش ، لاهور: ۱۹۴۲ - ص ۱۲۵ .
- صبح گلشن، علی حسن، هند: ۱۲۹۵ ، ص ۶۰۸ .
- روز روشن . محمد مظفر حسین صبا، بهوپال : ۱۲۹۷ ، ص ۷۸۷ .
- شمع انجمن صدیق حسن هند: ۱۳۹۳ ص ۵۳۰ .
- خزانه عامره ، غلام علی آزاد بلگرامی، کانپور: ۱۱۷۶ ، ص ۱۷۷ .

((ی))

یکتا بلخی

- نصر آبادی، میرزا محمد طاهر نصر آبادی تهران: ۱۳۱۷ ص ۴۴۱ .
- دایرة المعارف، ج ۳، ص ۵۵۰ .
- سفینه خوشگو ، بندر ابن داس، ص ۱۹۰ .
- افغانستان در عصر گور گانی هند ، حبیبی ، ص ۳۲۲ .
- صحف ابراهیم ، علی ابراهیم خسان خلیل ، عابد رضا بیدار ،
پتنه : ۱۹۸۱ ع ، ص ۱۳۹ .

یحیی ، شیخ محمد یحیی (متوفی ۱۱۴۴)

- روز روشن ، محمد مظفر حسین صبا، تهران: ۱۳۴۳ ، ص ۹۴۱ .
- ریاض الشعراء ، والد اغستانی، ص ۱۱۸۶ .
یوسف بلخی (متوفی ۱۱۸۱ هـ)

— سخن سریان افغانستان، احمد جاوید، ۱۳۳۴، ص ۳۱-۳۲.

— تذکره مطربی، حرف ی، نقطه اول، مکرو فلم درآرشیف ملی،

ج-د-ا.

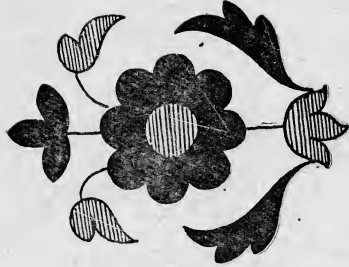
— نصر آبادی، طاهر نصرآبادی، ص ۴۷۰.

یوسف، محمد یوسف

— آریانا دایرة المعارف، ج ۳، کابل: ۱۳۴۸، ص ۸۰۵.

— مائسر بلخ، مولانا خسته، ص ۵۷۶.

— تیمور شاه درانی، عزیزالدین وکیلی فوفلزائی، ج ۲، ص ۴۸۹.



نتیجه

تاریخ ادبیات سده های اخیر از نگاه نزدیکی وقت هر چند به نظر آسان
وساده می نماید ولی از لحاظ تشتت و پراگندگی مآخذ تاحدی دشوار
است. زیر 'سده' دوازدهم هجری قمری (هژدهم میلادی) در کشور ما
از لحاظ سیاسی و اجتماعی دوره نسبتاً آشفتگی و بی سامانی تاریخ کشور
دانسته می شود و در میان دوانجام این سده یعنی در بین سالهای (۱۱۰۱ -
۱۲۰۰) هجری قمری سرزمین ادب خیز و هنر پرور ماعرصه تاخت و تاز
و میدان کشیکش خانواده ها و طایفه های برسر اقتدار چون هوتکی ها
ابدالی ها غلجایی ها و سلو زایی ها واقع بوده است.

با وجود همه این آشفتگی حالی و بی سامانی وضع اجتماعی اقتصادی و
فترت ادبی و علم اعتنا و توجه اختیار مندان و زور مندان به مساله فرهنگی
و ادب این سرزمین عده می را سراغ داریم که به این امر بزرگ و مبرم
توجه داشتند و برای آفرینش و خلق آثار ادبی از هر مجال و فرصتی سود
میگرفتند و نگهداری و حفظ موارث اسلاف و پدران و گذشتگان را بر خود
واجب می دانستند و برای بقا و جاویدان ماندن این گنجینه های فرهنگی
می کوشیدند و نمی گذاشتند که در حلقه ارتباط تاریخ ادبیات این مرز

و بوم گسیخته گسی و زکودی مواجه گردد .

دربوررسی که درصفحات پیشتر صورت گرفت به این نتیجه متوصل می‌شویم که درطول این سده‌مدرحلود، ۲۹۹ شاعر سرود گر واهل دانش وفضل به‌سربرده است . که همه با ایجادگری وخلق آثار ادبی وقریحت هنری خویش توانستند آثار و اشعاری ازخود ماندگار مانند و چراغ ادبیات این سده‌ها تاحدی روشن نگاه‌دارند، و نهال ادبیات این کشور را که به‌آشفته حالی اوضاع به‌بی‌باری و بی‌برگی مواجه بود ، تاحدی تازووبربار نگاه دارند اما این‌مسئله را نمی‌توان از نظر دور داشت که به‌علت عسلم امکانات وشرایط لازم رشدوب، ورش‌اهل‌ادب وپیش آثار و دست‌آورد‌های این آفرینشگران ادبی از توانایی بیان و هنر زمانی کمتر پایه و مایه‌یسی را نصیب شده است و آن پخته‌گسی و پرباری که در آثار شعرای عصر تیموری و قبل از آن دیده می‌شود در این دوره کمتر جلوه‌گر است . اما برای تاریخ ادبیات یك کشور و برای پیوند و تسلسل آن باید آثار شاعران برجسته و صاحب آثار زیاد یا یک‌مده سخنرا یانی که کمتر صاحب آثار اند حتی یك‌دو قطعه شعر از آنها باقی است . نباید از نظر دور داشت . زیرا هر کدام درجایی خویش آن اهمیتی را دارد که به تاریخ ۱۷ - ۲۱، اپریل ۱۹۸۲ درانستیتوت خاور شناسی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی درشهر مسکو، سمپوزیمی درموضوع تلونین و تهیه «دایرة المعارف ادبیات فارسی، به‌همکاری موسسه یونسکو بزرگزار گردیده بود . البته دراین سمپوزیم نیز مطالب سودمندی پیرامون ادبیات و تلونین یك‌دایرة المعارف جامع از سخنسرایان این زبان بدون توجه به چگونگی شخصیت شاعران و ارزش آثار آنان و تهیه و شناسایی تمامیت مدارك و اسناد دراین زمینه ، به‌میان آورده شد .

در بیانیه اصلی سمپوزیم سخنانی درخور توجه در چگونگی شناخت شاعران و آثار آنان وجود دارد که با این اثر و نتیجه ارتباط زیاد می‌رساند و بنابراین قسمت هایی از آن در اینجا به نقل گرفته میشود :

«... اشتباه نسبتاً متداولی وجود دارد و آن این است که به جای بررسی تمام زوند ادبی درمقطع تاریخی، فقط خلاقیت برجسته ترین نماینده گان ادبیات که از آنها به عنوان سرآمد اقران یاد میشود، مورد تحقیق و بررسی قرار میگیرد. در نتیجه چنین برخوردی تصور اشتباه آمیزی درباره یکنوع رشد منظم و جهش آسای ادبیات به وجود می آید و حال آنکه ادبیات شامل دروند بلافاصله قطع و پیگیری است که خلاقیت تمام آفریننده گان آنرا دربر میگیرد در آثار نواع ایدیه ها و اندیشه ها ژانر ها فوهرها و ابرار توصیف به خودی خود به وجود نمی آید بلکه از طریق بهره برداری از دست آورد های شاعران متقدم و یا احراز برتری نسبت به آنها تحصیل میگردد.

بدین جهت به عقیده ما آن عده کثیر شاعران و نویسندگان گاه کم شهرت و گاهی تقریباً نامعلوم را که آثار شکوهمند هر یک از ادبیات ملی روی استخوان آنها ی وجود آمده است، نباید به طاق نسیان سپرد، نه فقط به خاطر علل و داد تاریخی، بلکه مقسم بر همه به خاطر بررسی واقعا علمی و همه جانبه این مساله به عنوان سیستمی یکپارچه که اجزای آن دارای روابط بغرنجی با تاثیر پذیری و خلاقیت و نوآوری میباشد. نباید این مساله را از نظر بدور داشت، علمه یسی از این سخنسرایان در اثر بد حادثه تن به غربت داده و به سرزمین های دیگر فرار نموده اند. از عده یی هم یا آثار زیاد برجا نمانده و شماری که صاحب دیوان هستند و آثار برجسته از خود به یادگار مانده اند، این آثار در اثر خرابی و ناهمگونی اوضاع یا از بین رفته و از تعدادی دیگر در پرده خفا و غراموشی و بیادرتصرف اشخاص محفوط باشد که دسترسی به همه این منابع و به شناخت آوردن این همه آثار به سادگی میسر نیست و حتی مقلود می نماید و به علت این از میان روی و نابودی آثار هویت و نشان شماری از پدید آورنده گان آنها نیز در هاله نیستی پوشیده مانده است و آنچه امروز از آن همه گفته ها و نوشته ها در دسترس است بخشی و قسمتی

از يك ميراث عظيم و پربها ست .

درمیان آنانیکه تمامیت یابیشتر آثار شان از آسیب روزگار درامان مانده است چهره های درخشان و نامهای ماندگاری هم دیده میشوند که نام و کار شان ادب زمان را رنگینی میدهد و آبرو میبخشد . اینها چهره های واقعی ادب سده دوازدهم میشوند باشند از سر برآورده گان این سده می توان ازبیدل ، واقف لاهوری ، غیانی بد خشی ارشد ، برنابادی ، دارا هروی ، شهاب ترشیزی ثم هروی ، حزین لاهیجی ، اهلای بلخی ، ولی طواف ، عاجز ، مبرهوتك افغان ، تیمورشاه درانی ، عایشه درانی ، حاجی صاحب پایمنار ، آشفته کابلی ، احمدشاه درانی ، فقیراله جلال آبادی وعده دیگر میتوان نام برد .

شعاری ازادیان و نگارنده گان تاریخ ادبیات براین نظر اند که آن عده ازسخن سرایان و گوینده گان که گفته های شان از استحکام و هنر زبانی بیشتر بهره مندی ندارد و کمیت سروده های شان توجیهی برنمی - انگیزد ، نیازی نخواهد بود که در تاریخ ادب عهد خود جایی داشته باشند و مورد شناسایی قرار بگیرند .

بسیار اساس همین نظر و اعتقاد در تاریخهای ادبیات نیز که تاکنون به نگارش درآمده اند شمار زیادی ازسخن پردازان که آثار کمتری از آنان در دستاست و شهرت لازم را ندارند راهی و جایی نیافته اند اما تذکره نگاران غالباً بدین اعتقاد پابندی نشان نداده ، هر گوینده یی را که سراغ گرفته اند باوصف کم شهرتی و سستی گفتار در کنارهای خود شامل گردانیده اند . سربله همه کسانی که گامهایی در راه ایجاد آثاری ادبی برداشته اند ، اگر هم آفریده های شان از نظر ادب پژوهان قابل اعتنا دانسته نشود به سبب اینکه از ادب و فرهنگ روزگار معین و شرایط مشخص نماینده گسی میکنند و پیامهایی از دوره خود را به زمانه های بعد تر بازتاب میدهند و درین پیامها سایه روشنیایی از حقایق و لحظه های زودگذر به مشاهده می آیند ، نباید از یاد و شناخت آنان اعراض به وجود آید .

ادبیات دری درسدهٔ دوازدهم هجری قمری خلاف گفتهٔ یکعده کسان که این دوره را از نظر دور داشته‌اند و ارزش قابل ملاحظه بی را به آن قابل نیستند و نادیده می‌گیرند. و این دوره را درخور پژوهش و تحقیق نمی‌شمارند خلاف پندار و گفتار آنان از روی تحقیق و بررسی قابل التفات و توجه بوده است این کار گرچه در ظاهر ساده و کم می‌نماید اما کاریست تازه و مبرم. البته این نوشته نخستین گامیست برای نگارش تاریخ ادبیات این سده که توسط نویسنده این نوشته به رشته تحریر درآورده شده است. زیرا نبودن منابع مشخص و موجود در این زمینه مشکلات زیادی را برای پژوهشگر ایجاد می‌نماید اما در اثر تلاش و کوشش در حدود (۲۹۹) شاعر و ادیب سده دوازدهم هجری قمری در این مجموعه به ترتیب الفبایی و باتمام مآخذ و سرچشمه های موجود درباره این دوره نگاشته شده است.

البته میتوان ادعا کرد که اگر این پژوهش بیشتر ادامه یابد و به آرشیف ها و کتابخانه های دیگر که در داخل و خارج وجود دارد دسترسی میسر گردد از این مردان ادب و سخن و فضیلت شناخته خواهند شد و امکانات بیشتر برای تدوین تاریخ ادبیات این سده که فصلی از تاریخ ادبیات هزار و دویست سالهٔ وطن ماست به میان خواهد آمد. رزمینه نگارش تاریخ ادبیات این سده فراهم خواهد شد و نکتهٔ قابل توجه اینکه رساله حاضر به هدف سمپوزیم مسکو در زمینه تدوین «دائرة المعارف ادبیات فارسی» به نیکی یاری می‌رساند.



پانوشتها

- (۱) بر گزیده شعر معاصر افغانستان محمد سرور مولایی ، تهران : ۱۳۵۰ ص ۷.
- (۲) تیمور شاه درانی ، عزیزالدین و کیلی فولزانی ، ج ۱ ، کابل - بل ۱۳۴۶ ، صص ۵۸-۵۹ .
- (۳) مختصر تاریخ افغانستان ، قاسم رشتیا ، کابل : ۱۳۳۳ ، ص ۱۱.
- (۴) مختصر تاریخ افغانستان ، سید قاسم رشتیا ، کابل : ۱۳۳۳ ، ص ۱۳.
- (۵) افغانستان در مسیر تاریخ میر غلام محمد غبار ، کابل : ۱۳۴۶ ، صص ۳۱۲-۳۱۹.
- (۶) تاریخ آسیای میانه ، عبدالحکیم بخاری ، کتایبست نایاب و شاید یگانه نسخه چاپی آن نزد پوهاند جاوید جودباشید . واستاد محترم مدتی این کتاب را در اختیار نگارنده این نوشته قرار داده بودند.
- (۷) تاریخ آسیای میانه ، عبدالحکیم بخاری ، ص ۶.
- (۸) افغانستان در مسیر تاریخ ، غبار ، ص ۳۴۹.
- (۹) حدود خراسان را جغرافیه نويسان عرب و فارسی به تفاوت ضبط کرده اند آنچه قلمر مسلم است اینست که خراسان به معنای عام شامل تمام افغانستان حتی تا حدود رود سند و خراسان به معنای خاص شامل قسمت عمده افغانستان به اضافه طوش و نیشابور است کلمه خراسان حتی در زمان احمد شاه ابدالی از طرف معاصران وی در مورد افغانستان به کار رفته است مانند طغرناکه و رنجیت پادشاه قسرن سیزدهم پنجاب تا لیلی دیوان امرنات (فتوح البلادان) ، طبع قاهره ۱۹۰۱ ، ص ۴۱ و صفحه ۴۰۷ مجله ثالث معجم البلادان که شاهسان درانی را پادشاه خراسان خوانده است.

شعراي پشتو قرن دوازدهم نیز کلمه خراسان را به جای افغانستان
بکار برده اند از آن جمله عبدالرحيم هوتک ساکن شه بولان کلات
غلجایی، وی وقتی که به ما ورنهر رفت این شعر را به یاد وطن گفت:
پيايي ته موند هيچ وړا حت له خواشينه

چه داخوار رحيم راووت له خراسانه

ترجمه:

باز آواز خفقان هيچ را حتسي ندید

ازوقتیکه رحيم برپيچاره از خراسان برآمد

خراسان، غبار، کابل: ۱۳۲۶، از نشرات مجله آرپانا
(به نقل از سخن سرايان افغانستان نو شته پوها ندهاويد)

(۱۰) سجع مهر شا هر بخ باراول:

شاهرخ کتب اميرالمومنين شد در اقليم رضا صاحب نگين
وسجع مهر شاهرخ بعد از کور شدن و لشکر کشي های احمد شاه
به طرف هرات چنين بوده است:

آفتاب ملك را گر شد کسو فی چند روز

بار ديگر شد ز نور شاهرخ گيتی فرورز

(۱۰) نا در به احمدشاه نظر خاصی داشت و فيض محمد مولى سراج
التواريخ به نقل از تاريخ احمد منشى عبدالکريم علوى نويسد:
(که نادر شاه در مجلس خود مکرر می گفت من در تمام ايران و
توران و هندوستان مثل احمد خان مرد حميده خصال و پسند يده افعال
ندیده ام و صاحب تاريخ احمدشاه دواني نیز به تايد اين معنسى
می نويسد: (... همواره خاطر نادر شاه از او قرين خوشنودى بودو

او را بارها می ستود چنانکه بسیاری از اوقات در حضور تمامی دربارو اعیان دولت و جوجه مملکت میفرمود که من در تمام ایران، توران و هندوستان مردی به کفایت و نیک خصایل احمد خان آبادانی ندیده‌ام و هیچوقت آن شهر یار احمد خان را بدون سوار آزموده مجرب نمی‌گذاشت به جای برود گویند. روزی نادر شاه هنگامیکه بر سر سلطنت و جهانبانی جلوس کرد احمد خان با کمال ادب و وقار در حضر تش ایستاده بود نظری بدو انداخته فرمود ای احمد پیش پیا احمد خان چند گامی پیش نهاده به پایه سریرا علی تقرب جست فرمود نزد یکتا شو همینکه نزدیک شد فرمود ای احمد به خاطر داشته باش که بعد از من این اورنگ و تاج سلطنت و بساط جهانبانی به تو انتقال خواهد یافت.

(۱۱) احمد شاه بابا، م. غبارکابل ۱۳۲۲، صص ۷-۴۲.

(۱۳) تاریخ احمد شاه، وکیل فوفلانی، ص ۱۶۴.

(۱۴) افغانستان در مسیر تاریخ ص ۳۵۷.

(۱۵) وقایع و سوانح افغانستان، اعتضاد السلطنه علی قلی میرزا، ص ۳۶.

(۱۶) افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۳۵۹.

(۱۷) تازه نوای معارف، ص ۷۸۷.

(۱۸) تاریخ آسیای میانه، نوشته عبدالکریم بغا، راوی که در سال

۱۲۴۶ به فرجام آمده است سال فوت احمد شاه را ۱۱۸۵ در شهر قندهار میلادند، اما تاریخ های دیگر نوشته شده این عصر فوت او را ۱۱۸۶ میلادند: حکم شد از قادر بی چون با احمد پادشاه

سکه زن به سیم وزد از اوج ماهی تا به ماه

همچنان مهرش چنین بوده است:

(الملکسه یا هو احمد شاه دردانی یا فتاح) ص ۱۰

(۱۹) در صفحه ۱۰ کتاب آسیای میانه، تالیف عبدالکریم بخاراوی در باره حبس شدن پسران تیمور چنین آمده است که: شش پسر یکی شاهزاده محمود بن احمد شاه در قفس مرحوم شد دیگر شاهزاده گهر بن احمد شاه در قفس مرحوم شد دیگر شاهزاده داراب در کابل مرحوم شد، شاهزاده شهاب تسانه ۱۲۳ در حیات بود، دیگری شاهزاده همای در قفس مرحوم شد دیگر شاهزاده سکندر بعد از اینکه پادشاهی تیمور شاه رسید برادران را در بالا حصار کابل به قفس نمود.))

(۲۰) در صفحه ۱۱، تاریخ آسیای میانه، تالیف عبدالکریم بخاراوی. در باره زنان تیمور شاه چنین آمده است که ما عین مطلب را در اینجا می آوریم: ((دو لشکر بر قرار و عیش پرور بود اهل هرات را دو سست داشتی سیصد زن چار پهنا داشت از افغان زن نگر فت جمله زنهایش قتر لباس بود ۳۶ پسر یادگار گذاشت.))

((۲۱)) تیمور شاه درانی، ج ۱، ص ۳۳.

(۲۲) در باره دختر بزرگ شاه درانی در صفحه ۳۸ چنین آمده است: ((دختر بزرگ و حسین تیمور شاه درانی مهر ماه نهم داشت بوبه و فور غیرت و عدالت و انصاف متصف بود سجع مهر او چنین است:

میدرخشد روز و شب از بخت تیمور پادشاه

تاج الماس و مهر جمع بر جبین مهر و ماه (۱۹۴)

(۲۳) تیمور شاه درانی، وکیل فوفلزی، ج ۱، ص ۴۰

(۲۴) دیوان دارا، به کوشش مایل هروی، هرات: ۱۳۵۰، ص ۴۸:

(۲۵) همان کتاب، ص ۴۸.

(۲۷) انکشافات سیاسی افغانستان، م. رفوریزر تنلر وزیر وختنا انکلیس در کابل، ترجمه عبدالوهاب فناپی، کابل: ۱۹۴۱ (فلا چاپ نا شده) سال چاپ به زبان انگلیسی: ۱۹۵۰.

(۲۸) تیهور شاه درانی، ج. ۱، ص ۱۰۶.

(۲۹) تذکره محمد رضا بر نایادی به سعی و اهتمام ن. ن. تو مانو یچ

مسکو: ۱۹۸۴،

(۳۰) تذکره معتمد رضا بر نایادی مسکو: ۱۹۸۴، ص ۵.

(۳۱) همان کتاب، ص ۲۵

(۳۲) دو لت نادر شاه افشار، م. ر. ارونووا، ل. د. ر. ترجمه: حمید

وهنی تهران: ۱۳۵۲، ص ۱۱۵.

(۳۳) تاریخ احمد شاه، محمود الحسینی، جلد ۱، ص ۲۵۴

(۳۴) دیوان خطی شهاب ترشیزی به خط فیض محمد کاتب زیر شماره

(۲۳-۴۹) محفوظ در آرشیف ملی افغانستان.

(۳۵) تاهه عالم آری نادری. محمد کاظم، ج. ۱، مسکو ۱۹۶۲، ص ۵۱۸.

(۳۶) افغانستان و یک نگاه اجمالی به اوضاع و شئون مختلفه و حالات

عمومیت مملکت مذکور عبدالباقی لطیفی. کابل: ۱۳۲۵، ص ۶۸.

(۳۷) جنگ قلمی (نام نهاده توسط فوغلزایی) به نام گلدسته عشرت

زینر شماره ۲۳۴۹، محفوظ در آرشیف ملی اما این شعر نیز در

کتاب افغانستان تألیف عبدالباقی لطیفی کابل ۱۳۲۶ در صفحه ۶۸

آمده است و تاریخ احداث آنرا که به اساس ابجد (۱۱۶۷) میشود غلط

ضبط نموده اند، یعنی تاریخ (۱۱۶۶) را قید نموده اند.

(۳۸) میر زبائن بر نادر، مایل صری ۱۳۴۸- ص ۵۲.

(۳۹) در کتاب تاریخ آسیای میانه تألیف عبدالکریم بخارایی معلومات دلچسپی دربارهٔ پیدایش و آوارگی شهرها چون هرات، بلخ، فاریاب، شبرغان، اندخوی، خوقند، میمنه، غرجستان، هزاره جات، اسفزار، غوریان، باختر، سیستان، فراه، هیرمند، زهیناور، قندهار، کلات، غزنی، کابل، بلوچستان و غیره شهرها طالب جالبی آمده است یعنی این شهرها همه حاکم نشین بوده است و هر یکی مشتملست بر قریه و محلات و حشم نشینان و در بعضی از آنها کانس، س، نقره، آهن، طلا، سیلاب، و معدن گوگرد بسیار است در دهات نیل بسیار میشود، نیشکرو زنجیل و زرد چوبه و انواع ادویه ها بعمل می آید و پسته بسیار است و هر شهر به اجاره داده میشد که سال به سال بـه خزینۀ عامه تسلیم داده میشد و بایه موجب عسکر تعلق میگرفت .

(۴۰) تیمورشاه درانی، عزیزالدین و کیلی فوفلزانلی، ج ۱، ص ۱۹۳ .
 (۴۱) دیوا ن شهاب تر شیزی، به خط فیض محمد کاتب، نسخه خطی محفوظ در آرشیف ملی، زیر شماره ۴۹، ۲۳ .
 (۴۲) تاریخ احمد شاه، محمود الحسینی، مسکو : ۱۹۷۴، ص

۵۸۹-۵۸۷ .
 (۴۳) تیمورشاه درانی، و کیلی فوفلزانلی: جلد ۱، کابل: ۱۳۴۶

ص ۴۴ .

(۴۴) درة الزمان، و کیلی فوفلزانلی کابل ۱۳۳۷، ص ص ۲۴۸-۲۴۹ .
 (۴۵) جنگ قلمی (گلدسته عشرت) ص ۱۹، نسخه قلمی محفوظ در

آرشیف ملی .

(۴۶) تیمورشاه درانی، و کیلی فوفلزانلی، ج ۱، ص ۹۶ .

(۴۷) جنگ قلمی (گلدسته عشرت) و محفوظ در آرشیف ملی .

(۴۸) تذکره محمد رضا برنابادی ص ۹۳ .

(۴۹) تیمورشاه درانی، عزیزالدین و کیلی فوفلزانلی، ج ۱، ص ۱۳۴۶، ۲

۳۳۳۳ .

(۵۰) آثار هرات خلیل الله خلیل ص ۴۵۱ .

(۵۰) نام این شاعر را محترم حسین نایل در مجله خراسان تحت عنوان سرچشمه های ادبیات دری سده میزده افغانستان. ش سوم س دوم ۱۳۶۱، ص «۱۵۴ ذکر کرده اند و در ضمن از دو آثم یاد آوری نموده اند اینکه این آثم با آن آثم یکی خواهد بود یا خیر باید تدقیق شود» .

اما این مطلب خوشبختانه بسادستیابی به فرهنگ سخنوران تساحدی روشن گردیده است. در این کتاب از چهار آثم یاد شده است اما آثم اکبر آبادی که درین فهرست آمده است (شیخ حفیظ الله) نام دارد نام ایسن شاعر در کتاب صحف ابراهیم که تذکره شعرای فارسی در سده دوازدهم هم تالیف علی ابراهیم خان خلیل به تصحیح و ترتیب عابد رضا بیدار در پتنه در سال ۱۹۸۱) به زیور چاپ آراسته شده است در صفحه ۷- این کتاب از این آثم هم یاد نمود ما است .

(۵۱) محترم حسین نایل در مجله خراسان زیر عنوان گنجینه دست نو یسهاش ۱ س ۴، ۱۳۶۳ ص ۱۰-۱۲ در باره املائی بلخی در ضمن این مقاله آورده اند که چهار نسخه از دیوان این شاعر در گنجینه دست نو یسها در شهر دو شنبه محفوظ میا شد.

(۵۲) این امید شاید با امید بالا یکی باشد در این مورد تدقیق بیشتر لازم است.

(۵۳) اسم و تخلص وی در مجله آریانا، ش ۱۲، س ۲، ۱۳۳۳، میرزا احمد رفیع رهتوفا ۱۱۹۲ در هند آمده است

(۵۴) تخلص این شاعر در کتاب تیمور شاه در انسی ج دوم ص ۴۸۷ (وصفی) ضبط شده است اما در مقاله عاجز - افغان حافظ نور محمد کابل ش آس ۴، ۱۳۱۳ ص ۵۸ تخلص علی عسکر (عسکر) آمده است .

(۵۵) واقف لا هوری در خدمت شاه درانی گماشته شده بود ، و در حلقه دیگر شاعران و ادیبان کارهای مهم ادبی انجام می داد .
(۵۶) فهرست نسخه های افغانستان ، بوركوی ، قاهره : ۱۹۶۴ ، ص ۲۹۰ .

در این کتاب یکبار زیر عنوان علی نقی وصفی آمده است این نسخه خطی مربوط کنایه خاوند وزارت مطبوعات است که متأسفانه فعلاً نسخه آن موجود نیست : نسخه دومی این کتاب زیر عنوان ، دیوان وصفی در موزیم کابل موجود است که سراغی از آن هم به دست نیامد .

بیمایو گزافی

- ۱- آذر، لطف‌علی بیگ، آتشکده‌آذر . ج ۱ - ۳ .
- ۲- آرزو، سراج‌الدین علی خان، مجمع النفایس، ترتیب: عابد رضا بیدار، پتنه : بدون تاریخ .
- ۳- آریانا. یکی از فضایل کشور، ش. ۱۰-۱۱-۱۲، ۱۳۳۳ .
- ۴- آریانا. ش. ۱، س. ۱، ۱۳۲۱-۱۳۵۶ .
- ۵- آریانا . آرامگاه حضرت بیدل، ش. ۱۱، دوره ۱۴، ۱۳۳۵ .
- ۶- آریانا دایرة المعارف، ج ۳، ۱۳۳۵، ش .
- ۷- آزاد بلگرامی، میر غلام‌علی، تذکره خزانة عامره . کانپور: ۱۸۷۱ .
- ۸- آزاد بلگرامی، غلام‌علی، تذکره سرو آزاد . هند : ۱۱۶۶ .
- ۹- اختر، خواجہ عبداللہ، بیدل، لاهور : ۱۹۵۲ ع .
- ۱۰- ادب . سالها ی ۱۳۴۵- ۱۳۵۵- ۱۳۵۶ .
- ۱۱- ادب . ش ۵۶، س ۱۳۵۲ .

- ۱۲- اصلاح میرزا، گردآورده سید حسام الدین واشیدی، تذکره شعرای کشمیر بخش اول، ۱۳۴۶.
- ۱۳- افندی، محمد ذهنی، تذکره الخواتین. ۱۳۰۶.
- ۱۴- الذریعه، بخش نسیم، قسمت اول.
- ۱۵- امسلا بلخی، دیوان خطی مربوط کتابخانه دکتور جاوید.
- ۱۶- ایران صغیر (تذکره شعرای پارسی زبان، کشمیر) تهران: ۱۳۳۵.
- ۱۷- بدخشنی، شاه عبدالله، ارمغان بدخشان. کابل: ش ۵۷، سه راز سال ۱۳۱۴ و دنباله آن.
- ۱۸- بورکوی، فهرست نسخه های خطی افغانستان. قاهره: ۱۳۶۴.
- ۱۹- بوسانی، نظریات یک اروپایی درباره بیدل، ادب. ش ۴، دوره ۱۳۴۴، ۱۳.
- ۲۰- بوسانی، وصف طبیعت در اشعار بیدل، ادب. ش ۴، دوره ۱۳۴۴، ۱۳.
- ۲۱- بوسانی، ملاحظاتی درباره زیالیزم بیدل، ادب. ش ۴، دوره ۱۳۴۴، ۱۳.
- ۲۲- بهگوان داس هندی، تذکره شعرای فارسی (سفینه هندی). پتنه: ۱۹۵۸.
- ۲۳- بیدل، میرزا عبدا لقادر، کلیات بیدل. ج ۱-۳، کابل: ۱۳۵۰.
- ۲۴- بیدل، میرزا عبدا لقادر، غزلیات (تأخر دال). کابل: ۱۳۳۴.
- ۲۵- بیدل، میرزا عبدا لقادر، رباعیات. کابل: ۱۳۴۲.
- ۲۶- پر شاد، راجه درگاه، بوستان اوده: ۱۸۸۱ ع.
- ۲۷- پژمان، محمد عارف، واژگان تعبیرات و اصطلاحات عامه در شعر بیدل، خراسان. ش ۱۹، ۱۳۶۳.
- ۲۸- پژمان، محمد عارف، بیدل و بهارستان شعر او، عرفان. ش ۶، دوره ۶۰، ۱۳۶۱.

- ۳۹- پژمان ، محمد عارف ، بیدل شاعر نو آفرین ، خراسان . ش ۱ -
 ، ۱۳۶۴ .
 ۴۰- جاوید ، عبدالاحمد ، آشنایی با بیدل ، خراسان . ش ۱ ، س ۵ ،
 ۱۳۶۴ .
 ۴۱- جاوید ، عبدالاحمد ، سخن سرا یان افغانستان . ۱۳۳۴ -
 ، ۱۳۳۵ .
 ۴۲- حاکم ، عبدالحکیم ، تذکره مردم دیده . لاهور : ۱۹۶۱ .
 ۴۳- حبیب ، اسدالله ، بیدلشناسی در اتحاد شوروی ، ادب . ش ۵-۶ ،
 دوره ۲۱ ، ۱۳۵۲ .
 ۴۴- حبیب ، اسدالله ، زیست نامه بیدل ، خراسان . ش ۲-۴ ،
 س ۱ ، ۱۳۶۰ .
 ۴۵- حبیبی ، عبدالحی ، سبک هند و مکتب بیدل ، کابل . ش ۱ ،
 دوره ۴ ، ۱۳۱۳ .
 ۴۶- حبیبی ، عبدالحی ، تاریخ ادبیات افغانستان در عصر گورگامنی
 هند .
 ۴۷- حبیبی ، عبدالحی ، تاریخ مختصر افغانستان . ج ۲ ، کابل :
 ۱۳۴۹ .
 ۴۸- حبیبی ، عبدالحی ، پشنامه شعراء ، ج ۱ ، کابل : ۱۳۲۰ .
 ۴۹- حزین ، شیخ محمد علی ، تذکره المعاصرین . ۱۳۳۴ .
 ۵۰- حزین ، شیخ محمد علی ، تذکره حزین . ۱۳۳۴ .
 ۵۱- حسن ، صدیق ، تذکره شمع انجم . ۱۲۹۳ ق .
 ۵۲- حسینقلی خان عظیم آبادی ، تذکره نشتر عشق . ج اول ، ۱۹۸۱ .
 ۵۳- حسینی ، محمد داوود ، مآخذ جدید در موضوع مزار میرزا
 عبدالقادر بیدل ، آریانا . ش ۱۱ ، دوره ۱۴ ، ۱۳۳۵ .
 ۵۴- حسینی ، محمد داوود ، میرزا عبدالقادر بیدل و افغانستان ، ادب .
 ش ۵-۶ ، دوره ۱۶ ، ۱۳۴۷ ، و ش ۱-۵ ، دوره ۱۷ ، ۱۳۴۸ .

- ۴۵- حسینی ، محمد داوود ، روزهای آخر زندگانی و مرگ بیدل ، عرفان . ش ۲ دوره ۲۲ ، ۱۳۳۷ .
- ۴۶- حسینی ، محمود ، تاریخ احمدشاهی . ج (۱-۲) ، مسکو : ۱۹۷۴ .
- ۴۷- حیا ، احمد صدیق ، بیدل صاحب دل ، هرات . ۱۳۵۴ .
- ۴۸- خانعلوم ، داحمد شاه باباداشعارو پشتو شرح . کابل : ۱۳۵۶ .
- ۴۹- خسته ، خال محمد ، خانواده بیدل ، آریانا . ش ۱ ، دوره ۲۹ ، ۱۳۴۹ .
- ۵۰- خسته ، خال محمد ، مآثر بلخ (نسخه تاسیهی مر بسوط کتا بخا نه عامه) .
- ۵۱- خسته ، خال محمد ، منتخب الزمان . ژوندون : ۱۳۴۲ .
- ۵۲- خسته ، خال محمد ، یاد از رفتگان . کابل : ۱۳۴۴ .
- ۵۳- خلیل احمد الجامی ، محمد ابراهیم ، یکمرد بسزرگ . انجمن تاریخ : ۱۳۳۵ .
- ۵۴- خلیل ، محمد ابراهیم ، عرس بیدل ، آریانا . ش ۱-۱۲ ، دوره ۱۳۳۹ ، ۱۳۳۰ .
- ۵۵- خلیل ، علی ابراهیم ، خان ، تذکره شعرای فارسی . پتنه : ۱۹۷۸ ع .
- ۵۶- خلیل ، محمد ابراهیم ، اظهار نظر در مورد آرامگاه بیدل ، آریانا . ش ۱۲ ، دوره ۱۴ ، ۱۳۴۴^{۱۱} .
- ۵۷- خلیلی ، خلیل الله ، آثار هرات . ج ۱-۳ ، ۱۳۰۹ .
- ۵۸- خلیلی ، خلیل الله ، فیض قدس . کابل : ۱۳۳۴ .
- ۵۹- خوشگو ، بندر ابن داس ، سفینه خوشگو . پتنه : ۱۳۷۸ .
- ۶۰- خیامپور ، فرهنگ سخنوران . تبریز : ۱۳۴۰
- ۶۱- دوست سنبهلی ، میر حسین ، تذکره حسینی . لکنهو : ۱۳۹۲ .
- ۶۲- دیوان وصفی (بامنتخبی از اشعار شاعران دیگر) نسخه دستنویس متعلق به کتابخانه پوها ند دکتور جاوید .

- ۶۳- راضی ، محمد حسین ، یاد ازیبیدل ، ادب . ش ۴ ، دوره ۱۳ ، ۱۳۴۴ .
- ۶۴- رحمانی ، ماگه ، پرده نشینان سبغگوی . کابل : ۱۳۲۱ .
- ۶۵- رستاقی ، عبدالحکیم ، تذکره سبینه الفضلا . ۱۳۵۰ .
- ۶۶- رشاد ، عبدالشکور ، داحمدشاه بابا ددیوان غورچان . کابل : ۱۳۵۷ .
- ۶۷- رضوان حسین ، میرزا غالب ومکتب میرزا بیدل ، ادب . دوره ۱۳۵۴ ، ۲۳ .
- ۶۸- زکریا ، فیض محمد ، بیدل چه گفت . تهران : ۱۳۳۴ .
- ۶۹- ژوبل ، محمد حیدر ، تاریخ ادبیات افغانستان . کابل : ۱۳۳۶ .
- ۷۰- ژوبل ، محمد حیدر ، یادبیدل ، عرفان . ش ۷ ، کابل : ۱۳۵۵ .
- ۷۱- ژوبل ، محمد حیدر ، جنبش غزلسرای در عصر بیدل ، ادب . ش ۴-۳ ، س ۱۶ . ۱۳۴۷ .
- ۷۲- سابر-ق ، محمد اسماعیل ، عرفان در شعر بیدل ، ش ۴ ، ۱۳۳۱ .
- ۷۳- سامی ، شمس الدین ، قاموس الاعلام ۱۶۷ .
- ۷۴- سرخوش ، محمد افضل ، تذکره سرخوش ، لاهور : ۱۹۲۷ - ۱۹۴۲ .
- ۷۵- سر هنگ ، خواجہ عبدالرشید ، تذکره شعرائ پنجاب . کراچی : ۱۳۴۶ .
- ۷۶- سلجوقی ، صلاح الدین ، افکار . کابل : ۱۳۳۴ .
- ۷۷- سلجوقی ، صلاح الدین ، نقد بیدل ، ۱۳۴۳ .
- ۷۸- سنگین بیک ، سیرالمنازل . دهلی ۱۸۵۲ .
- ۷۹- شفیق ، لچهمی نیراین ، شرحی در احوال بیدل ، آریانا به ش ۳ ، دوره ۲۸ ، ۱۳۴۹ .
- ۸۰- شفیقی کسدکنی ، بیدل ، هنر ومردم ، ش ۸۵-۸۴ - ۱۷۲ ، تهران : ۱۳۵۵ .

- ۸۱- صفا ، ابراهیم ، تاریخ ادبیات فارسی .
- ۸۲- صبا ، مولوی محمد مظفر حسین ، تذکره روز روشن ، تهران : ۱۳۴۳ .
- ۸۳- طاهر بدخشنی ، محمد ، بیدل از افغانستان است ، آریانا . ش ۱۱ ، دوره ۱۲ ، ۱۳۳۴
- ۸۴- طلوع ، باقی ، بیدل ، آریانا . ش ۴ ، دوره ۱۲ .
- ۸۵- عالمشاهی ، محمد ابراهیم ، دراطراف آرامگاه بیدل ، آریانا . ش ۱۲ ، دوره ۱۴ .
- ۸۶- عبدالله ، قساری ، میرزا عبدالنقاد بیدل ، آینه عرفان . ش ۱۰-۱۱ ، ۱۳۱۱ .
- ۸۷- عبدالرحمان ، سید صباح الدین ، بزم تیموری ، به اهتمام مولوی مسعود علی ۱۹۴۸ .
- ۸۸- عبدالباقی نهاوندی ، مآثر رحیمی . ج ۳ ، کلکته : ۱۹۳۱ .
- ۸۹- عبدالغنی ، روح بیدل ، لاهور : ۱۹۶۹ .
- ۹۰- عبدالغنی ، احوال و آثار میرزا عبدالقادر بیدل ، ادب : ۱۳۵۱ .
- ۹۱- عبدالرزاق بیگ . دیوان عایشه ، کابل : ۱۳۰۵ ق .
- ۹۲- عروج ، عبدالرؤف ، تذکره فارسی گو شعرا اردو . ۱۹۷۱ .
- ۹۳- علامی ، شیخ ابوالفضل ، آیین اکبری .
- ۹۴- عینی ، صدرالدین ، میرزا عبدالقادر بیدل ، به زبان تاجیکی ورسم الخط کرلی ، برگردان به الفبای دزی توسط ضیاء قاری زاده .
- ۹۵- عینی ، کمال الدین ، برگزیده غزلها ، دوشنبه : ۱۹۸۴ .
- ۹۶- عینی ، خالده ، بیدل و منظومه غزافانش ، ستالین آباد ، ۱۹۵۶ .
- ۹۷- عینی پروانی ، عایشه درانی ، پشتون زرغ ، ش ۹ ، ۱۳۴۲ .
- ۹۸- فطرت ، بیدل دریک مجلس ، مسکو : ۱۹۲۳ .
- ۹۹- فلاح ، فاروق ، عایشه درانی ، ادب . ش ۵۴ ، ۲۰۵ ، ۱۳۵۶ .
- ۱۰۰- فیض محمد خان ، امان النسوان ، ج ۱-۴ ، کابل : ۱۳۰۴ .

- ۱۰۱- قساری عبد الله ، ميرزا عبدالقادر بيدل، کابل، ش. ۴، ۱۳۱۰.
- ۱۰۲- قانع تنوي ، ميرعلی شیر ، مقالات الشعراء ، بامقدمه وتصحيح وحواشی سيد حسام الدين راشدي، کراچی : ۱۹۵۷ .
- ۱۰۳- کريمی ، قدسيه ، بيدل وعزیز . کابل : ۱۳۵۰ .
- ۱۰۴- گوياموي، محمدقدرةالله، تذکره نتایج الافکار . بمبئی: ۱۳۳۶ .
- ۱۰۵- گویا اعتمادی، غلامسرور، شاعره افغا نستان، مجله کابل . ش ۱۲ ، ۱ ، ۱۳۱۱ .
- ۱۰۶- گویا اعتمادی، غلامسرور، وفات بيدل عرفان. ش. ۸، ۱۳۳۵ .
- ۱۰۷- لودی ، امیرشیر علی خان، تذکره مرآه الخيال . بمبئی: ۱۳۲۴ .
- ۱۰۸- مایل ، رضا، دیوان دارا . ۱۳۵۰ .
- ۱۰۹- مجددي ، غلام حسن، بيدل شناسی . ج ۱، کابل : ۱۳۵۰ .
- ۱۱۰- محترم ، نعمت الله، تذکره الشعراء محترم . ۱۹۷۵ .
- ۱۱۱- مخلوم ، میرافضل، تذکره افضل التذکار . به اهتمام عبدالرزاق زهير .
- ۱۱۲- مشیر سلیمی ، علی اکبر ، زنان سخنور . ج (۱-۳) ، تهران : ۱۳۳۵ .
- ۱۱۳- مصحفی ، غلام همدانی ، عقد ثریا . ۱۱۹۹ هـ ، ق .
- ۱۱۴- مطربی ، تذکره مطربنی حریف ی ، نقطه اول ، مکروفلیم درآرشیف ملی .
- ۱۱۵- معزالله خان مهبند ، دیوان معزالله : ۱۱۵۹ .
- ۱۱۶- معانسی ، احمد گلچین ، تذکره میخانه . ۱۳۳۹ .
- ۱۱۷- ملا یعقوب (مترجم) ، شاعر وفیلسوف شرق میرزا عبدالقادر بيدل در نظر غرب، کابل، ش. ۴، ۱۳۱۱ .
- ۱۱۸- ملیحای سمرقندی ، محمد بدیع ، مذکسر اصحاب . موجود در کتابخانه اکادمی علوم .
- ۱۱۹- مومن اووف ، ابراهیم، نظریات فلسفی میرزا بيدل زاین کتاب درجمله دوم آثار منتخب ابراهیم مومن اووف در سال ۱۹۶۹م در تاشکند چاپ

شده است .

- ۱۲۰- مهرین شوشتری ، عباس، تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران ، ایران : ۱۳۵۲ .
- ۱۲۱- میرزا یان برناباد، نسخه‌خطی در کتابخانه اکادمی علوم .
- ۱۲۲- میرزا خان کابلی . دیوان . آرشیف ملی ، ۸ - ۱۱۷ .
- ۱۲۳- میر حسین شاه (مترجم) ، بخشی در احوال و آثار بیدل، ادب . ش ۷۵- دوره ۱۹ ، ۱۳۵۰ .
- ۱۲۴- میر نعمت‌الله ، عرش‌سخن، هنر . ش ۵، دوره ۴ ، ۱۳۶۰ .
- ۱۲۵- نایسل، حسین ، گنجینه‌دست‌نویسها، خراسان . ش ۱-۴ ، ۱۳۶۳ .
- ۱۲۶- نایل ، حسین عایشه شاعر شکوه و ماتم ، زنان افغانستان . ش ۱۱ ، س ۲ - ۱۳۶۱ .
- ۱۲۷- نسیم سحر، سرور، شعرای وطن ، ش ۴ ، ۱۳۰۶ .
- ۱۲۸- نظام‌الدین اوف ، الیاس ، میرزا عبدالقادر بیدل ، تاشکند : ۱۹۷۰ .
- ۱۲۹- نصرالله رستاقی ، وصف بیدل از زبان خودش ، آریانا . ش ۲، دوره ۹ ، ۱۳۳۰ .
- ۱۳۰- نصرآبادی ، میرزا محمدطاهر ، تذکره نصرآبادی . تهران : ۱۳۱۷ .
- ۱۳۱- نقش علی ، باغ معانی ، پتنه : بدون تاریخ چاپ .
- ۱۳۲- واضح ، مذکر احباب ، نسخه تایی نزد پوهاند کتور جاوید .
- ۱۳۳- والہ داغستانی، علیقلخان، تذکره ریاض الشعراء ، نسخه خطی محفوظ در آرشیف ملی .
- ۱۳۴- وحید ، روابط ادبی ماوراءالنهر ، افغانستان وسند در زمینه گسترش، مکتب ادبی بیدل ، ش ۲ ، س ۱۳ ، ۱۳۵۴ .

- ۱۳۵- وکیلی فوفلزایي، عزيز الدين، ديرة الزمان . کابل : ۱۳۳۷ .
- ۱۳۶- وکیلی فوفلزایي، عزيز الدين، ديوان تیمورشاه . کابل : ۱۳۵۶ .
- ۱۳۷- وکیلی فوفلزایي، عزيز الدين، تیمورشاه دراني . ج ۱-۲ ، کابل : ۱۳۴۶ .
- ۱۳۸- وکیلی فوفلزایي، عزيز الدين، علاقه شاهان ومرحم افغانستان راجع به شخصیت وآثار بيدل . انيس . ش ۱۵۱، س ۱۹۷۰ .
- ۱۳۹- هاشمی ، شیخ احمد علی خان ، مخزن الغرایب . ج ۱، لاهور : ۱۹۶۸ .
- ۱۴۰- هدایت ، رضاقلی ، دیاض العارفين . تهران : ۱۳۱۹ .
- ۱۴۱- هدایت ، رضاقلی ، مجمع الفصحا ، ج ۱-۶ ، ۱۳۳۶ .
- ۱۴۲- هیوادمیل ، زلمی ، فرهنگ زبان و ادبیات پشتو، کابل : ۱۳۵۶ .



ARIC

B

11237

SIN

6917

cop - 2

*Sources of Recognition of the
Twelfth Century Dari Poets*

by

Farwin Sina

Kabul, 1989

